



دانشگاه باقر العلوم  
( غیر دولتی - غیر انتفاعی )

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ اسلام

عنوان:

بررسی مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان های فکری و فرهنگی

زمانه

استاد راهنما:

دکتر حمید رضا مطهری

دانشجو:

عنایت پیروزی

تاریخ

دی ماه ۱۳۹۹





دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ اسلام

عنوان:

بررسی مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان های فکری و فرهنگی

زمانه

استاد راهنما:

دکتر حمید رضا مطهری

دانشجو:

عنایت پیروزی

تاریخ

دی ماه ۱۳۹۹

## تقدیم:

این پایان نامه را تقدیم می‌کنم به روح همه شهدای  
سرزمینم علی‌الخصوص سید الشهداء مقاومت  
سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، امید است  
که شفاعتشان در آخرت نصیب‌مان گردد.

## تقدیر:

با تشکر و سپاس از سه وجود مقدس:  
آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم.  
موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم.  
و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و  
روشنگر راهمان باشند.

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

## چکیده:

دوران امامت امام حسن عسکری (ع) از جهت فرهنگی و مواجهه آن حضرت با جریان‌های فکری و فرهنگی از اهمیت به سزایی برخوردار است. پیدایش چهره‌ها و جریان‌های فکری و فرهنگی جدید از یک سو و وجود فرقه‌ها و جریان‌های مختلف و متنوع اعتقادی شیعی و غیر شیعی از قبیل زیدیه، اهل حدیث، غالیان، صوفیه، مفوضه، واقفه، ثنویه، معتزله اشاعره، و جاعلان حدیث از سوی دیگر و نیز گسترش اندیشه‌های مختلف همانند اندیشه خلق قرآن، در کنار مدعیان دروغین جانشینی امام هادی (ع) مانند جعفر کذاب و دیگران وضعیت فرهنگی-اجتماعی و سیاسی خاصی را رقم زده بود. نفوذ و تسلط کامل ترکان بر دربار خلافت عباسی و شورش‌های مختلف علیه خلافت که برخی از آنها منتسب به علویان بودند اوضاع را برای شیعیان دشوار کرده و سبب سخت‌گیری بیشتری بر امام حسن عسکری (ع) و پیروان ایشان گردید. مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان‌ها و گروه‌های عصر خود از اهمیت ویژه‌ای در زندگی آن حضرت برخوردار و نیازمند تبیین و بازشناسی دقیق است.

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر روش تاریخی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام حسن عسکری (ع) و شیوه مواجهه آن حضرت با جریان‌های فکری و فرهنگی را کاویده و برآیند تحقیق آن است که ایشان با توجه به شرایط زمانه و نوع افکار و اندیشه‌ها در برابر هر جریانی راه کار ویژه‌ای اتخاذ می‌کردند. تقویت سازمان وکالت، تربیت شاگرد، نوشتن کتاب و رساله و نشر احادیث، موضع‌گیری در برابر فرق انحرافی، راهنمایی شاگردان و اصحاب برای نامه‌نگاری در رد عقاید منحرفین، پاسخ به شبهات و هدایت شیعیان، از جمله اقدامات امام (ع) می‌باشد و به دین‌گونه جامعه شیعه را از آسیب‌ها حفظ کرد و به زمینه‌سازی برای عصر غیبت پرداختند.

کلمات کلیدی: امام عسکری (ع)، جریان‌های انحرافی، شیوه مواجهه، فرقه‌های انحرافی.

مقدمه:	۱
<b>فصل اول</b>	۲
<b>کلیات و مفاهیم</b>	۲
۱. کلیات	۲
۱-۱. بیان مسأله	۲
۲-۱. اهداف انجام پژوهش	۲
۳-۱. ضرورت انجام پژوهش	۳
۴-۱. سوالات اصلی و فرعی تحقیق	۳
سوال اصلی تحقیق :	۳
سوال های فرعی :	۳
۵-۱. فرضیه	۳
۶-۱. پیشینه تحقیق	۳
۷-۱. مفاهیم	۴
مواجهه	۴
عسکری	۴
انحراف	۵
زمانه	۵
قیام	۵
جنبش	۵
شورش	۶
۸-۱. بررسی منابع	۶
۱,۸ منابع تاریخی	۶
اخبار الطوال	۶
تاریخ یعقوبی	۶
تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری)	۷
مروج الذهب و معادن الجواهر	۷
التنبيه و الاشراف	۸
مقاتل الطالبیین	۸
الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد	۹
اعلام الوری باعلام الهدی	۹
الکامل فی التاریخ	۱۰
۲,۸ منابع رجالی	۱۰
رجال کشی	۱۰
رجال نجاشی	۱۱

رجال طوسی .....	۱۱
۳,۸ منابع حدیثی کلامی .....	۱۲
الکافی .....	۱۲
کمال الدین و تمام النعمه .....	۱۲
الاحتجاج علی أهل اللجاج .....	۱۳
اعیان الشیعه .....	۱۳
۴,۸ منابع فرق و مذاهب .....	۱۳
المقالات و الفرق .....	۱۳
فرق الشیعه .....	۱۴
الملل و النحل .....	۱۴
<b>۹-۱. معرفی اجمالی امام حسن عسکری (ع) .....</b>	<b>۱۴</b>
الف: زندگی نامه .....	۱۴
ب: فعالیت های فرهنگی .....	۱۷
۱. تربیت شاگردان .....	۱۷
۲. تألیفات .....	۱۸
۳. دعا .....	۱۹
۴. اثبات و تثبیت امامتش در برابر مخالفان .....	۱۹
۵. استفاده از نفوذ معنوی خود در بین رجال و سیاسیون دربار خلافت .....	۲۰
۶. مدیریت و هدایت فعالیت های مخفی .....	۲۰
۷. گسترش نهاد و کلات .....	۲۱
۸. در پیش گرفتن سیاست تقیه .....	۲۳
۹. تربیت شاگردان .....	۲۳
۱۰. پشتیبانی مالی از شیعیان .....	۲۴
۱۱. روشنگری و تبیین مهدویت .....	۲۴
۱۲. ماندگار کردن زیارت اربعین امام حسین (ع) .....	۲۵
۱۳. برخورد و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی موجود .....	۲۵
ج: فعالیت های اقتصادی .....	۲۶
د: امام عسکری (ع) از نگاه دیگران .....	۲۶
الف: مخالفان .....	۲۶
۱. معتمد عباسی .....	۲۶
۲. عبید الله بن خاقان .....	۲۶
۳. بختیشوع بن جبرائیل .....	۲۷
۴. راهب مسیحی .....	۲۷
ب: موافقان .....	۲۷
۱. امام هادی (ع) .....	۲۷
۲. شیخ مفید .....	۲۷
۳. ابن شهر آشوب .....	۲۸
۴. ابن جوزی .....	۲۸



۲۸	.....اربلی
۲۸	.....۱۰.۱ مراکز مهم شیعی در عصر امام حسن عسکری (ع)
۲۹	.....قم
۳۰	.....کوفه
۳۱	.....یمن
۳۱	.....بغداد
۳۲	.....سامرا
۳۳	.....نیشابور
۳۳	.....بیهق
۲۳	.....فصل دوم:
۲۳	.....بررسی شرایط سیاسی - اجتماعی، و فرهنگی زمان امام حسن عسکری (ع)
۲۵	.....شرایط سیاسی - اجتماعی
۲۵	.....الف: خلفای معاصر امام عسکری (ع)
۲۵	.....۱. معتز عباسی:
۲۶	.....۲. المهدی عباسی:
۲۷	.....۳. احمد معتمد:
۲۸	.....ب: مواضع خلفا با امام حسن عسکری (ع)
۲۹	.....ج: شورش ها و قیام ها
۳۰	.....۱. شورش ها
۳۰	.....شورش صاحب الزنج:
۳۱	.....شورش ابن صوفی:
۳۱	.....۲. قیام ها
۳۱	.....قیام های شعیان در عصر امام حسن عسکری (ع)
۳۱	.....قیام علی بن زید و عیسی بن جعفر:
۳۲	.....قیام احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن طباطبا:
۳۲	.....قیام علی بن زید بن حسین:
۳۳	.....ه: نفوذ ترکان در دربار خلافت
۳۴	.....و: محدودیت های شدید عصر امام حسن عسکری (ع)
۳۴	.....۱. ترس از نفوذ و قدرتمند شدن شیعیان در عصر امام حسن عسکری (ع)
	.....۲. متوجه شدن دستگاه خلافت از اینکه مهدی موعود (عج) از فرزندان امام حسن عسکری (ع) است.
۳۵	.....شرایط فکری و فرهنگی عصر امام حسن عسکری (ع)
۳۶	.....الف: غلو
۳۶	.....علل و عوامل پیدایش اعتقادات غلو آمیز
۳۶	.....۱- نادانی و تعصب
۳۷	.....۲- نفوذ فکری عوامل بیگانه

۳۷	۳- منع حدیث
۳۸	۴- میدان دادن به داستان سرایان
۳۸	۵- معجزات و کرامات ائمه (ع)
۳۸	مهمترین های فرقه های غلات:
۳۸	۱- غلو در مسیحیت
۳۹	۲- غلات بعد از اسلام
۳۹	فرقه سبائیه
۳۹	فرقه بشاریه
۳۹	فرقه بیانیه
۴۰	فرقه خطابیه
۴۰	فرقه سریه
۴۰	فرقه بشیریه
۴۰	<b>ب: معتزله</b>
۴۱	<b>ج: اشاعره</b>
۴۲	<b>د: واقفه</b>
۴۲	واقفه در لغت و اصطلاح
۴۲	شکل گیری واقفه
۴۳	علل شکل گیری واقفه
۴۶	<b>ه: زیدیه</b>
۴۶	فرقه های زیدیه
۴۷	<b>و: اسماعیلیه</b>
۴۸	<b>ز: قائلین به امامت جعفر کذاب، گروه نفیسیه، و محمدیه</b>
۴۸	<b>ی: تصوف</b>
۴۹	<b>ک: اهل حدیث</b>
۴۹	مهمترین اصول اهل حدیث
۵۰	<b>ل: مشبهه</b>
۵۱	<b>م: حشویه و تشبیه</b>
۵۱	<b>ن: تفویض</b>
۵۲	<b>س: ثنویه</b>
۶۵	<b>فصل سوم</b>
۶۵	<b>نحوه مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان های انحرافی شیعی</b>
۶۷	<b>الف: شورش های منسوب به شیعه</b>
۶۷	شورش صاحب الزنج
۶۷	شورش ابن صوفی
۶۸	<b>ب: فرقه ها</b>

۶۸	واقفیه.....
۶۹	موضع امام (ع) در برابر واقفیه.....
۷۰	زیدیه.....
۷۲	موضع امام (ع) در برابر زیدیه.....
۷۲	اسماعیلیه.....
۷۳	موضع امام (ع) در برابر اسماعیلیه.....
۷۴	جعفریه.....
۷۵	موضع امام (ع) در برابر جعفریه.....
۷۵	نفیسیه.....
۷۶	موضع امام (ع) در برابر نفیسیه.....
۷۶	فرقه محمدیه.....
۷۶	موضع امام (ع) در برابر محمدیه.....
۷۷	صوفیه.....
۷۷	موضع امام (ع) در برابر صوفی ها.....
۷۸	مفوضه.....
۷۸	موضع امام (ع) در برابر اهل تفویض.....
۷۹	غلو.....
۸۰	موضع امام (ع) در برابر غلات.....
۸۰	الف: معرفی بزرگان و تأثیر گذاران اندیشه غلو به مردم.....
۸۱	ب: لعن و نفرین واعلام برائت از آنها.....
۸۱	ج: رد عقاید غالی ها و اصلاح عقاید شیعیان.....
۸۲	د: دستور به قتل غلات.....

### ۱۳ فصل چهارم.....

#### ۱۳ نحوه مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان های انحرافی غیر شیعی.....

۸۵	شورش و نفوذ ترکان در دربار خلافت.....
۸۶	اهل حدیث.....
۸۷	موضع امام (ع) در برابر اهل حدیث.....
۸۸	موضع امام (ع) در برابر جاعلان حدیث.....
۸۸	مشبیه و اهل تجسیم.....
۸۸	موضع امام (ع) در برابر قائلان به تجسیم و تشبیه.....
۸۹	معتزله.....
۹۰	کلام خدا و مخلوق بودن آن.....
۹۱	موضع امام (ع) در برابر اندیشه معتزله و فتنه خلق قرآن.....
۹۴	ثنویه.....
۹۴	موضع امام (ع) در برابر ثنویه.....
۹۵	موضع امام (ع) در ارتباط با شبهات دینی.....
۹۶	موضع امام (ع) در برابر اشاعره.....
۹۷	موضع امام (ع) در برابر گمراه کنندگان از دین.....

## فهرست مطالب

نتیجه:.....	۹۹
فهرست منابع.....	۹۹

## مقدمه:

عصر امام حسن عسکری (ع) به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی متفاوت تر از عصر دیگر ائمه (ع) بوده است. حکومت عباسی علیرغم این که خلفا قدرت فراوانی نداشته اند اما با وجود ترک ها در مناصب لشکری و کشوری در سطح بالایی قرار داشت، هرچند این نوع حکومت داری باعث به وجود آمدن نارضایتی های اجتماعی فراوانی شده است و منجر به تعداد زیادی شورش و قیام بر علیه حکومت مرکزی شده است اما در عین حال حواسشان به امام عسکری (ع) معطوف بود و از راه هایی مثل زندان، تعقیب و همچنین گماشتن جاسوس برای امام (ع) به دنبال کنترل ایشان و عدم ارتباط حضرت با یاران و اصحاب شده اند. در این عصر فرقه های انحرافی گسترده ای زیاده روی کرده اند تعدادی از آنها که دارای سابقه ی طولانی بوده است مثل اندیشه غلو، تصوف و زیدیه اندیشه های خود را در بین مردم تثبیت کرده اند و به دنبال یارگیری بوده اند و عده ای دیگر هم به دنبال تبلیغ و ترویج تفکرات خود بودند. اهل حدیث تا حدودی مورد حمایت دستگاه خلافت وقت قرار گرفتند و جامعه را تحت تأثیر افکار خود قرار دادند، عده ای مانند جعفر کذاب از درون خانواده امام (ع) به مقابله و فتنه گری علیه امام (ع) پرداختند. اما امام حسن عسکری (ع) علیرغم اینکه هم فقط شش سال دوران امامتش طول کشید و می بایست جلوی انحرافات جامعه اسلامی را بگیرد در کنار شاگردان و اصحابش به مواجهه بر علیه مخالفین و معاندین پرداخت و جامعه اسلامی را به خوبی هدایت و آماده و محیای ورود به عصر غیبت کرده اند.

# فصل اول

## کلیات و مفاهیم

## ۱. کلیات

### ۱-۱. بیان مسأله

امام حسن عسکری (ع) بعد از امام جواد (ع) کمترین عمر را در بین ائمه (ع) داشته است ایشان ۲۸ سال عمر کرده اند که ۶ سال از آن مربوط به دوره امامت ایشان می باشد دوره ای که به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی از اهمیت به سزایی برخوردار است. پیدایش چهره های علمی جدید در علوم مختلف، از یک سو و وجود فرقه های مختلف و متنوع اعتقادی شیعه و غیر شیعی از قبیل: (اسماعیلیه، زیدیه، واقفیه، غلات، صوفیه، مفوضه، اشاعره، ثنویه، اهل حدیث، معتزله و جاعلان حدیث از سوی دیگر و نیز پیدایش و گسترش اندیشه های مختلف همانند اندیشه خلق قرآن، وضعیت فرهنگی خاصی را رقم زده بود. قدرت گرفتن ترکها و ورود آنها به بالاترین رده های حکومت باعث شکل گیری حرکت های مختلف سیاسی و شورش علیه خلافت شده است حرکت هایی که برخی از آنها توسط علویان صورت می گرفت اوضاع را برای علویان دشوار کرده و سبب سخت گیری بیشتر بر امام حسن عسکری (ع) گردید. در این پژوهش برآنیم که با نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره چگونگی رفتار امام حسن عسکری (ع) را در مواجهه با این جریان ها بررسی نماییم.

### ۱-۲. اهداف انجام پژوهش

۱. شناخت جریان های فکری و فرهنگی پایان عصر حضور.
۲. آشنایی با راه کارهای امام حسن عسکری (ع) در مواجهه با جریان های فکری و انحراف های زمانه.

### ۱-۳. ضرورت انجام پژوهش

۱. اهمیت بررسی وضعیت فکری و فرهنگی عصر امام حسن عسکری (ع) به دلیل نزدیک بودن به عصر غیبت.
۲. نبود اثری جامع در این باره.

### ۱-۴. سوالات اصلی و فرعی تحقیق

سوال اصلی تحقیق:

مواجه امام حسن عسکری (ع) با جریان های فکری و فرهنگی عصر خود چگونه بوده است؟  
سوال های فرعی:

۱. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام در عصر امام حسن عسکری (ع) چگونه بود؟
۲. مواضع و راه کارهای امام حسن عسکری (ع) با توجه به شرایط معاصر ایشان در مواجهه با جریان های فکری شیعی چه بود است؟
۳. امام حسن عسکری (ع) در برابر جریان های فکری غیر شیعی چه مواضع و راه کارهایی داشته اند؟

### ۱-۵. فرضیه

امام حسن عسکری (ع) با توجه به شرایط زمانه و نوع افکار و اندیشه ها در برابر هر جریانی راه کار ویژه ای اتخاذ می کردند، تربیت شاگردان، تقویت سازمان وکالت، شرکت در جلسات و مناظرات علمی، تفسیر و پاسخ گویی به شبهات از راهکارهای ایشان بود.

### ۱-۶. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت رفتارهای امام حسن عسکری (ع) در قبال هدایت و مدیریت جامعه اسلامی و جلوگیری حضرت از انحرافات کتاب هایی زیادی نوشته شده است. از جمله: پرسش های مردم و پاسخ های امام حسن عسکری (ع)، نوشته احمد قاضی زاهدی، پیشوایان هدایت (خورشید سامرا، امام حسن عسکری) نوشته سید منذر حیکم، چهره های درخشان سامرا نوشته



علی ربانی خلخالی، حسن بن علی امام عسکری (ع) نوشته مرضیه محمد زاده، زندگانی امام حسن عسکری نوشته باقر شریف قرشی، زندگی امام حسن عسکری نوشته علی اکبر جهانی، سیری در زندگانی امام حسن عسکری نوشته محمد حسین زاهدی، شکوه سامرا نوشته محمد حسن حیدری، صحیفه امام حسن عسکری (ع) نوشته جواد قیومی اصفهانی، فرهنگ جامع سخنان امام حسن عسکری (ع) نوشته محمود شریفی و ماه در میان نیزه ها نوشته مهدی قزلی. اما نویسندگان در لابه لای آثار نوشته شده در ارتباط با بررسی تحولات فکری و فرهنگی زمانه امام حسن عسکری (ع) و چگونگی مواجهه امام حسن عسکری (ع) یا اشاره ای نکرده اند یا فقط به مقداری از آنها اشاره کرده اند. و این پژوهش برآن است تا ضمن بررسی جریان های فکری و فرهنگی زمانه امام حسن عسکری (ع) به صورت مستقل چگونگی مواجهه امام حسن عسکری (ع) با آنها را بررسی و تبیین نماید.

## ۱-۷. مفاهیم

### مواجهه

مواجهه کلمه ایست عربی و اسم فعل است اما در زبان فارسی به معنای روبرو شدن، رودرشدن و برخورد کردن با کسی می باشد<sup>۱</sup>. و در اصطلاح به معنای مجموعه ی رفتارها و کنش هایی است که شخص در مقابل مجموعه ای از رفتارها انجام می دهد و مراد ما در این جا مجموعه واکنش هایی است که امام عسکری (ع) با جریان های فکری عصر خود داشته اند.

### عسکری

عسکر یعنی سپاه، لشکر، ارتش و خیمه<sup>۲</sup>. و دلیل اینکه به امام یازدهم (ع) لقب عسکری داده اند این است که ایشان در سامرا و در منطقه ای که محل لشکر و سپاه خلیفه عباسی در سامرا بوده است سکنی داشته است<sup>۳</sup>.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ۱۵ ج، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۶۰۴.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۳۰۶.

۳. علی اکبر جهانی، زندگی امام حسن عسکری، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴ ص ۱۸.

## انحراف

انحراف در لغت به معنای کج رفتن، از راه راست منحرف شدن، برگشتن و بطرفی مایل شدن است.<sup>۴</sup> و در اصلاح به معنای شیوه های رفتاری که با هنجارها یا ارزش های اکثریت یک گروه یا جامعه همخوانی نباشد می باشد.<sup>۵</sup> و مراد ما از انحراف در اینجا رفتارهایی است که عده ای در مخالفت با ارزش های اسلامی بیان می داشتند.

## زمانه

زمانه به معنای وقت<sup>۶</sup> روزگار و دهر<sup>۷</sup> آمده است و در اینجا منظور از زمانه عصر حضور و حیات امام حسن عسکری (ع) می باشد.

## قیام

قیام، در لغت به معنای ایستادگی،<sup>۸</sup> برخاستن، خیزش، رستاخیز، انقلاب و اغتشاش است.<sup>۹</sup> و در اصطلاح قیام و طغیان بر ضد یک سازمان متشکل (مثل حکومت) که به حد جنگ منظم نرسیده و به عنوان حالت جنگ داخلی شناخته نشده است می باشد.<sup>۱۰</sup> در قیام قیام کنندگان هدفشان تغییر حاکمیت است.

## جنبش

جنبش، اسم مصدر از جنبیدن و به معنای تکان<sup>۱۱</sup> و حرکت می باشد. و در اصطلاح حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و با دوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و اصلاحی باشد.<sup>۱۲</sup>

- 
۴. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، عزیز الله علیزاده، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، ادنا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۰.
  ۵. علیرضا شایان مهر، دایره المعارف تطبیقی، ج ۲ چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳۴.
  ۶. ابراهیم انیس، المعجم الوسيط، بندر ریگی، ج ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۴۵.
  ۷. محمد معین، ج ۱، ص ۷۸۷.
  ۸. همان، ج ۲، ص ۱۲۸۰.
  ۹. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و هفتم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۹۵.
  ۱۰. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، چاپار، ۱۳۸۶، ص ۳۲۰.
  ۱۱. حسن عمید، ج ۱، ص ۷۰۵.
  ۱۲. علی آقا بخشی، ص ۳۲۱.

## شورش

شورش، در لغت به معنای آشفتگی، عصیان، آشوب و انقلاب است.<sup>۱۳</sup> و در اصطلاح رفتار خشونت آمیزی است که توسط توده ای از مردم یک منطقه علیه حکومتی خاص برای رهایی از سلطه سیاسی آن حکومت شکل می گیرد.<sup>۱۴</sup> در شورش شورشگران به دنبال تغییر شخص حاکم بر جامعه هستند و به دنبال تغییر ساختار حکومت نیستند.

## ۸-۱. بررسی منابع

در این تحقیق به مهمترین منابع به ترتیب قدمت و اصالت تاریخی در قالب منابع تاریخی، رجالی، حدیثی کلامی و فرق پرداخته می شود.

## ۱,۸ منابع تاریخی

### اخبار الطوال

اخبار الطوال نوشته ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، تخصص اصلی او ریاضی، نجوم و ادبیات بوده و در آخر به تاریخ نگاری روی آورده است.<sup>۱۵</sup> دینوری دارای آثار بسیار زیادی است اما مهم ترین اثر آن کتاب تاریخ عمومی اخبار الطوال است. دینوری در بخش سوم کتاب اخبار الطوال اخبار دوران اسلامی را پوشش داده است از جمله آنها می توان به قیام ها و شورش های عصر عباسی اشاره کرد. به همین دلیل این کتاب می تواند منبع خوبی برای تحقیق و پژوهش اتفاقات و حوادث این ایام باشد.

### تاریخ یعقوبی

این کتاب از قدیمترین تاریخ های عمومی به زبان عربی نوشته احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی (۲۹۲ ق) است. تاریخ یعقوبی خلاصه ای است از تاریخ جهان از آغاز تا اواسط سده سوم هجری، که نکات ارزنده ای در باره اوضاع سیاسی و

۱۳. محمد معین، ج ۱، ص ۹۶۲.

۱۴. محمد تقی مصباح، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ پنجم، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۲۸.

۱۵. جعفریان رسول، منابع تاریخ اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۲. ص ۱۴۹.

اجتماعی عصر امام حسن عسکری (ع) به دست می دهد. ویژگی بارز تاریخ یعقوبی که نشان از شیعه بودن او دارد، ذکر احوال امامان (ع) است. یعقوبی ضمن یاد کردن از حضرت علی (ع) و منزلت او و فضایل اهل بیت (ع)، درباره شخصیت ابوطالب، حدیث غدیر و حدیث ثقلین نیز مطالبی دارد. ایشان به مناسبت ذکر وفات ائمه (ع) خلاصه ای از سرگذشت و سخنان آنان را تا امام علی نقی (ع) آورده است.

### تاریخ الرسل والملوک (تاریخ طبری)

تاریخ الرسل والملوک معروف به تاریخ طبری کتابی است به زبان عربی که توسط محمد بن جریر طبری تاریخ نگار و محقق مسلمان ایرانی در اواخر سده سوم هجری به رشته تحریر در آمده است. طبری این کتاب را پس از پایان یافتن تفسیر قرآنش تألیف نمود. این کتاب، تاریخ را از زمان خلقت شروع کرده و سپس به نقل داستان پیامبران و پادشاهان قدیمی می پردازد، در بخش بعدی مولف به نقل تاریخ پادشاهان ساسانی می پردازد، و از آنجا به نقل زندگی پیامبر اسلام (ص)، می پردازد. این کتاب به شیوه سالشمار تألیف شده است و تا سال ۳۲۰ را در بر می گیرد. متن کامل تاریخ طبری توسط ابوالقاسم پاینده به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۵۲ ش در تهران منتشر شده است. طبری در جلد ۱۳ و ۱۴ این کتاب به شرح وقایع سالهای ۲۰۳ تا ۲۵۶ پرداخته که با عصر امامت ائمه ابناءالرضا(ع) مطابق است. از این رو این کتاب در شناخت اوضاع سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی عصر امام حسن عسکری (ع) بسیار قابل استفاده بوده و از منابع دست اول این پژوهش به شمار می رود.

### مروج الذهب و معادن الجواهر

این کتاب نوشته علی بن حسین مسعودی، تاریخ نویس و جغرافی دان سده چهارم هجری می باشد. مسعودی در سال ۱۳۴۶ (هجری قمری) از دنیا رفت. مروج الذهب به ثبت و ضبط تاریخ بشر، داستانهای تاریخی و مسائل قوم شناسی مللی می پردازد که مسعودی در مسیر مسافرتهای خود از مصر تا هندوستان آنها را ملاقات کرده بود. این کتاب که آخرین اثر

---

۱۶. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالقاسم پاینده، ۲ج، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱.

مسعودی است، در سال ۳۳۲ هجری قمری توسط مولف تألیف گردیده و در سال ۳۳۶ هجری در آن تجدید نظر نموده است. این کتاب در ۱۳۲ باب تنظیم گشته و به دو بخش قبل از اسلام و بعد از اسلام تقسیم می شود. مولف در بخش دوم مطالب از ولادت پیامبر (ص)، تاریخ بعثت و هجرت و خلفای راشدین، اموی و عباسی تا سال ۳۳۶ قمری مطرح نموده است. مسعودی در جلد سوم این کتاب، به دوره خلافت امویان، عباسیان و شرح اوضاع سیاسی و اجتماعی، دعوت‌های عباسی، شورش‌ها و قیام‌های مخالفین پرداخته است. و از این حیث جزء منابع دست اول برای پژوهش ما می باشد.

### التنبیه و الاشراف

کتاب التنبیه و الاشراف اثر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی متوفای ۳۴۶<sup>۱۷</sup> (هجری قمری) مورخ شیعی در قرن چهارم است. این اثر در کنار کتاب مروج الذهب یکی از با ارزش ترین تألیفات مسعودی می باشد. این کتاب در اصل یک اثر جغرافیایی تاریخی است که مسعودی در اواخر عمر خویش آن را نگارش کرده است. دلیل استفاده از این منبع مهم مطالبی است که در ارتباط با عصر حکومت و خلافت عباسیان که هم عصر امامت امام حسن عسکری (ع) بوده اند در آن آورده شده است.

### مقاتل الطالبین

علی بن حسین معروف به ابوالفرج اصفهانی متوفای ۳۵۶<sup>۱۸</sup> (هجری قمری) شاعر، ادیب و مورخ و صاحب کتاب معروف مقاتل الطالبین. دیگر کتاب معروف ایشان کتاب الاغانی است. همانگونه که از نام کتاب مشخص است این کتاب شرح حال کشته شده گان آل ابی طالب است. ابوالفرج اصفهانی کتاب خود را با مقتل جعفر بن ابی طالب آغاز کرده است و در این کتاب به اختصار شرح کشته شدن ۲۱۶ نفر از آل ابی طالب را ذکر کرده است. آمده است که

---

۱۷. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۵.

۱۸. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، جواد فاضل، ۳، چاپ اول، تهران، علمی، ۱۳۳۹، ج ۱، ص ۱۰.

نگارش این کتاب گرایش به شیعی بودن او را نشان می دهد.<sup>۱۹</sup> به دلیل بررسی شرایط سیاسی و قیام های شیعیان، و شرح مقتل آنها توسط ابوالفرج اصفهانی این کتاب می تواند منبع بسیار خوبی برای تحقیق ما در این زمینه باشد.

### الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

کتاب الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد از محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی ملقب به شیخ مفید متوفای سال ۴۱۳<sup>۲۰</sup> (هجری قمری) از دیگر منابع معروف شیعی در زمینه تاریخ ائمه(ع) است که جنبه کلامی هم دارد. روایات این کتاب حاوی اطلاعات مهمی از مسائل مربوط به ائمه(ع) و شیعیان آنهاست. در این کتاب بیانات مهمی از امام حسن عسکری (ع) در زمینه های مختلف اعتقادی بیان شده است که می تواند منبع خوبی در زمینه تحقیق ما باشد.

### اعلام الوری باعلام الهدی

مؤلف کتاب ارزشمند اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، مفسر، محدث، فقیه، متکلم و مورخ شیعی است که در قرن ششم هجری زندگی می کرد و در سال ۵۴۸ (هجری قمری) درگذشت.<sup>۲۱</sup>

این شخصیت و عالم شیعی دارای آثار با ارزشی است که یکی مهمترین آنها در کنار تفسیر وزین مجمع البیان همین کتاب اعلام الوری باعلام الهدی است. این کتاب دارای چهار بخش است. بخش اول، در بخش اول مؤلف به شرح زندگی پیامبر اکرم (ص) پرداخته و در پایان به خلاصه ای از زندگی حضرت زهرا(س) اشاره کرده است. بخش دوم، در ارتباط با زندگی حضرت علی(ع) است که شامل تولد، اسماء و القاب، مدت خلافت، اثبات امامت، شرکت در غزوات، شهادت و کیفیت دفن، مناقب و اولاد آن حضرت است.

۱۹. جعفریان رسول، منابع تاریخ اسلام، ص ۱۸۰.

۲۰. شیخ مفید، الارشاد، ساعدی خراسانی، ج۲، چاپ اول، تهران، اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵.

۲۱. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، عطاردی، چاپ اول، تهران، اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۳.

بخش سوم، در مورد شرح زندگی حضرت امام حسن مجتبی (ع) تا حضرت امام حسن عسکری (ع) است.

بخش چهارم هم در ارتباط با روایات وارد شده از اهل سنت و شیعیان درباره ائمه (ع) است. همچنین در این بخش در ارتباط با امامت امام دوازدهم (ع) هم بحث می کند. علت استفاده از این منبع مهم مطالب وارد شده در بخش چهارم می باشد که در مورد امام حسن عسکری (ع) آمده است.

### الکامل فی التاریخ

از معروف ترین و مشهورترین کتب تاریخ عمومی است. این اثر که متعلق به عزالدین ابوالحسن علی بن محمد معروف به ابن الاثیر متوفای سال ۶۳۰<sup>۲۲</sup> (هجری قمری) هست بخش بسیار زیادی از حوادث تاریخ اسلام از ابتدا تا سال ۶۲۸ هجری قمری را شامل می شود. این اثر با ارزش به شیوه سالشمار تدوین شده است و این کمک بسیار بزرگی برای اهل تحقیق در زمینه تاریخ اسلام و حوادث اتفاق افتاده در این ایام است.

### ۲,۸ منابع رجالی

#### رجال کشی

ابوعمر و محمد بن عبدالعزیز کشی متوفای ۳۵۰<sup>۲۳</sup> (هجری قمری) از دانشمندان بزرگ شیعی در قرن سوم و چهارم هجری و معاصر با گلینی صاحب کتاب کافی است، کشی اطلاعات خود را از ۵۳ راوی نقل کرده، ولی مأخذ اصلی او «علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری» است. این اثر منبع مهمی برای علمای بعدی امامیه مانند شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری قمری) شد. شیخ کتاب کشی را خلاصه کرد و نام آن را «اختیار معرفه الرجال» گذاشت و هم اکنون ارتباط ما با رجال کشی از طریق کتاب شیخ طوسی ممکن است زیرا اصل کتاب کشی از بین رفته است. کشی در این کتاب اطلاعات خوبی درباره اصحاب و وکلای ائمه (ع) و جایگاه و نحوه فعالیت

۲۲. عزالدین ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، ابوالقاسم حالت ۳۳ ج، چاپ اول، تهران، علمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱.

۲۳. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفه الرجال، موسسه تحقیقاتی نور، ۶ ج، چاپ اول، مشهد، دانشگاه مشهد،

۱۳۴۸، ج ۱، ص ۱.

آنان و چگونگی ارتباطشان با ائمه(ع)، در اختیار ما گذاشته است. که در شناخت یاران و شاگردان ائمه ابنا الرضا(ع) قابل استفاده است.

### رجال نجاشی

کتاب رجال نجاشی تألیف ابوالحسین احمد بن علی بن احمد نجاشی متوفای سال ۴۵۰<sup>۲۴</sup> (هجری قمری) است. رجال نجاشی از مهمترین کتابهای علم رجال است که نجاشی آن را به عنوان فهرستی برای اسامی مؤلفین شیعه تألیف کرده، به همین علت نام کسانی که داری تألیف هستند در این کتاب آورده شده است. در رجال نجاشی ابتدا مؤلفین هم عصر پیامبر اکرم(ص) یا نزدیک به زمان ایشان ذکر شده‌اند، سپس بقیه مؤلفین بر اساس حروف الفباء آمده‌اند و به تعدادی از مؤلفین هم عصر و یاران امام حسن عسکری(ع) هم اشاره شده است و به همین دلیل مورد استفاده قرار گرفته است

### رجال طوسی

همانگونه که از عنوان کتاب معلوم است محمد بن حسن بن علی بن حسن مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه آن را به رشته تحریر درآورده است. شیخ طوسی از مشهورترین فقها و محدثین شیعه در قرن پنجم هجری قمری بوده است. ایشان که از محضر علمای بزرگ شیعه یعنی شیخ مفید و سید مرتضی کسب علم و فیض کرده است صاحب آثار با ارزش دیگری مثل کتاب التهذیب و الاستبصار از کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه است. شیخ طوسی در سال ۴۶۰ (هجری قمری) در نجف از دنیا رفته است<sup>۲۵</sup>. علت استفاده از این کتاب گرانبها پرداختن شیخ طوسی به اصحاب و یاران ائمه(ع) است.

۲۴. احمد بن علی نجاشی، رجال، شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵، ص ۱.

۲۵. مجتبی عزیزی، غیبت، چاپ دوم، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۷. ص ۱۶.



## ۳,۸ منابع حدیثی کلامی

### الکافی

کتاب وزین کافی تألیف ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی متوفای ۲۶۳۲۹ (هجری قمری) است. این اثر گرانبایه یکی از کتب اربعه شیعه به حساب می آید، و حاصل بیش از بیست سال مجاهدت علمی مرحوم کلینی و در نتیجه سفرهای متعدد او به نقاط مختلف برای شنیدن حدیث از روایان اصلی پدید آمده است و این امر کتاب کافی را به یک اثر جاوید مبدل کرده است.

این مجموعه از چند کتاب مختلف شامل؛ کتاب العقل و الجهل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید، کتاب الحججه، ابواب التاریخ، کتاب الایمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن، و کتاب العشره تشکیل یافته است. مولف در کتاب الحججه به نقل روایات و مسائل مربوط به امامان (ع) پرداخته است. روایتی که حاکی از شرائط حاکم بر عصر ائمه (ع) و بیان گر واقعیات پنهان آن عصر و روابط موجود میان امامان (ع) و شیعیان آنها هستند. با مراجعه به این کتاب بخش عمده ای از زمینه های موجود در عصر امام حسن عسکری (ع) برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی ایشان را می توان دریافت.

### کمال الدین و تمام النعمه

کتاب کمال الدین و تمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق از علمای بزرگ شیعه است. شیخ صدوق متوفی سال ۳۸۶<sup>ت</sup> (هجری قمری) است. کتاب کمال الدین و تمام النعمه از جمله منابع و مآخذ دارای ارزش و قدیمی حدیثی در ارتباط با مهدویت است. که به علت نزدیکی مباحث مهدویت و ارتباط آن با عصر امامت امام حسن عسکری (ع) مورد نیاز و استفاده قرار گرفته است.

۲۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، مصطفوی، ۴، چاپ اول، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲. ج ۱، ص ۸.

۲۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، منصور پهلوان، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲.

## الاحتجاج علی أهل اللجاج

این اثر نوشته ابی جعفر منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی متوفای سال ۵۴۸<sup>۲۸</sup> (هجری قمری) است. کتاب الاحتجاج که با هدف نقل مناظرات و استدلال های ائمه با مخالفین تدوین شده است، با توجه به نقش مناظرات ائمه با جریان های فکری می تواند از منابع پژوهش ما به حساب آید.

## اعیان الشیعه

کتاب اعیان الشیعه اثر عالم شیعی سید محسن امین عاملی از علمای قرن ۱۳ می باشد این عالم بزرگوار در سال ۱۳۷۷<sup>۲۹</sup> (هجری قمری) از دنیا رفته است. این اثر در احوالات زندگی بزرگان شیعه در دولت های اسلامی و شرح عقاید تشیع در اصول و فروع دین است. مرحوم عاملی در بخشی از کتاب اعیان شیعه به تاریخ زندگی حضرت علی (ع) تا امام یازدهم شیعیان امام حسن عسکری (ع) پرداخته و سپس به شرح تولد امام زمان (عج) و غیبت و نشانه های ظهور ایشان پرداخته است و به همین منظور مورد استفاده قرار گرفته است.

## ۴,۸ منابع فرق و مذاهب

### المقالات و الفرق

مؤلف این کتاب ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری قمی، ملقب به شیخ الطائفه از محدثان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری بود که در سال (۳۰۱ هـ) وفات کرده است.<sup>۳۰</sup> ایشان دوران امامت امام حسن عسکری (ع) و عصر غیبت صغری امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف را درک کرد. کتاب المقالات و الفرق از جمله منابع قدیمی و با ارزش در ارتباط با شناخت فرقه ها و نحله های شیعه است و به همین منظور مورد استفاده قرار گرفته است.

۲۸. ابا منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، غفاری، ع، ج، چاپ اول، تهران، مرتضوی، ۱۴۰۳، ج اول، ص ۱.

۲۹. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، حجتی کرمانی، ج ۶ چاپ دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱.

۳۰. سعد بن عبدالله اشعری قمی، المقالات و الفرق، محمد جواد مشکور، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰، ص ۲.

## فرق الشیعه

اثر متکلم مشهور شیعی ابو محمد حسن بن موسی نوبختی متوفی سال (۳۱۰ هـ) است.<sup>۳۱</sup> مباحث اصلی مطرح شده در این اثر توسط نوبختی اختلافات میان شیعیان راستین و دیگر فرق شیعی مانند، کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و... می باشد و به همین دلیل این اثر با ارزش می تواند منبع مهمی برای ما در باب عقاید و اختلافات شیعیان امامی و دیگر فرق شیعی باشد.

## الملل و النحل

از کتابهای بسیار معروف و مشهور در باب فرق و مذاهب است. نویسنده این اثر با ارزش ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی متوفای سال ۵۴۸ (هجری قمری) است.<sup>۳۲</sup> شهرستانی که فردی متکلم، مفسر و دانشمند بوده است با دقت خاصی کتاب الملل و النحل را نوشته است. شهرستانی در این کتاب مردم را به دو گروه تقسیم کرده است. دسته اول پیروان ادیان الهی و دسته و گروه دوم فلاسفه و برهمنان هستند. این کتاب به دلیل مطالب با ارزشی که در باب فرق و مذاهب اسلامی در آن آمده است بسیار مفید است.

## ۱-۹. معرفی اجمالی امام حسن عسکری (ع)

### الف: زندگی نامه

بنا به روایت مورخان، امام حسن عسکری (ع) در هشتم ربیع الثانی، سال ۲۳۲ در شهر مدینه چشم به جهان گشود و ۲۸ سال زندگی کرد.<sup>۳۳</sup> برخی روز ولادت وی را روز جمعه هشتم ربیع الثانی و برخی روز دوشنبه چهارم ربیع الثانی و برخی دیگر روز دهم ربیع الثانی ذکر کرده‌اند. و

۳۱. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، حسینی شهرستانی چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴ ق. ص ۴.

۳۲. صادق سجادی، تاریخنگاری در اسلام، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸.

۳۳. فضل بن حسن طبرسی ص ۳۶۷.

عده‌ای تولد آن حضرت را در ماه ربیع الاول از سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هجری دانسته‌اند<sup>۳۴</sup>. پدر بزرگوارش امام دهم شیعیان، حضرت هادی (ع) و مادر بزرگوارش بانوی باتقوا به نام حدیثه است و عده ای هم نام ایشان را سوسن ذکر کرده اند<sup>۳۵</sup>. از آنجا که امام یازدهم به دستور خلیفه عباسی در سامرا، در محله عسکر سکونت گزیده بود به همین جهت عسکری نامیده می شود. القاب خود آن بزرگوار را الصّامت، الهادی، الرفیق، الزّکی و التّقی ذکر کرده‌اند؛ و کنیه اش ابو محمد است.<sup>۳۶</sup> امام عسکری (ع) تنها یک فرزند داشت و آن هم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.<sup>۳۷</sup>

امام حسن بن علی عسکری (ع) به دلیل این که صفت ها، خصوصیت ها و فضیلت هایی که لازمه منصب امامت شیعیان می باشد در او جمع شده بود بر دیگر فرزندان امام هادی (ع) در امر امامت پیشی گرفت و طبق نص صریح پدر بزرگوارش زعامت و امامت شیعیان را بر عهده گرفت است.<sup>۳۸</sup> ابن قولویه نقل می کند که امام هادی (ع) چهار ماه قبل از آن که وفات کنند امام عسکری (ع) را بر امر امامت وصیت کرده است.<sup>۳۹</sup> همچنین از علی بن مهزیار روایت شده است که ایشان گفته اند به امام هادی (ع) عرضه داشتم آقا اگر اتفاقی پیش آمد و شما از دنیا رفتی امر امامت بعد از شما به چه کسی خواهد رسید، حضرت فرمودند که بعد از من امامت و زعامت شیعیان به پسر بزرگم حسن (ع) خواهد رسید.<sup>۴۰</sup> شاهویه بن عبدالله می گوید امام دهم حضرت هادی (ع) نامه به من نوشته است که شما میخواستی بدانی که بعد از مرگ من امام بعد از من چه کسی استو در این باب به دچار اضطراب شده ای اما نگران نباش به این دلیل که

۳۴. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ۲ ج، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰.

۳۵. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، چاپ دهم، قم، انصاریان، ۱۳۸۶، ص ۵۳۶.

۳۶. سید محسن امین عاملی، ص ۴۰.

۳۷. محمد تقی مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین (ع)، موسی خسروی، چاپ دوم، تهران، اسلامیه،

۱۳۶۳، ص ۲۰۹.

۳۸. شیخ مفید، الارشاد، همان، ص ۳۱۵.

۳۹. همان، ص ۳۱۶.

۴۰. فضل بن حسن طبرسی، ص 486.

خداوند باریتعالی هیچ گروه یا قومی را بعد از آن که هدایت کرده است گمراه نمی کند پس بدان که امام بعد از من فرزندانم ابو محمد است و هر آن چیزی که شما بدان آن محتاج و نیازمند هستید در نزد ایشان موجود می باشد.<sup>۴۱</sup> البته در این زمینه نص های زیادی وارد شده است که شاید نیازی به آوردن همه آنها در این نوشته نباشد.

امام حسن عسکری (ع) شخصی گندمگون، خوش قد و اندام، داری چشم های بزرگ با چهره ای زیبا و دارای جلال و هیبتی نیکو بود. ایشان اخلاقی نیکو داشت و در بین مردم آن زمان دارای احترام و عظمتی بزرگ بوده است. احمد بن عبد الله می گوید در سامرا، کسی با وقارتر، با نجابت تر و پارساتر از حسن بن علی بن محمد بن رضا (ع) در بین علویان ندیده ام، علویان او را بر بزرگسالان، امیران، وزیران و دیگران افراد مقدم می داشتند و همه از او به نیکی یاد می کردند و حتی کسی از مخالفان و دشمنان آن حضرت را ندیدم جز آن که از ایشان به نیکی یاد می کرده اند.<sup>۴۲</sup> امام حسن عسکری (ع) دارای فضایل بسیاری بوده است که مخالفان و دشمنان ایشان هم مجبور به بازگو کردن آنها بوده اند. زمانی که امام (ع) در زندان معتمد عباسی بودند معتمد دو نفر از غلامان شرور و بد اخلاق خود را به زندانبانی ایشان گمراد، و به آنها دستور داده بود تا با شرارت تمام امام (ع) را شکنجه روحی کنند ولی آن دو غلام شرور در اثر رفتار ها، مهربانی ها و اخلاق نیکوی امام (ع) متحول شدند و در اثر انسی که با امام (ع) داشتند به گرفتن روزه و خواندن نماز مشغول شدند. وقتی معتمد متوجه این قضیه شد غلامان را به حضور طلبد و آنها را مورد مؤاخذه و سرزنش قرار داد و دلیل این همه تغیر و دگرگونی را جویا شد و آن دو غلام در جواب معتمد گفتند در وصف کسی که روزها را به روزه و شب ها را به شب زنده داری و عبادت مشغول بوده است چه می توان گفت.<sup>۴۳</sup>

امام حسن عسکری (ع) در کنار تقوا، پرهیزگاری، حسن خلق و دانش فراوان دارای معجزات زیادی بوده است که از جمله آنها می توان به روایات ذیل اشاره کرد: از محمد بن حسن

۴۱. شیخ مفید، الارشاد، همان. ج ۲ ص ۳۲۰.

۴۲. فضل بن حسن طبرسی، ص ۴۹۶.

۴۳. شیخ مفید، الارشاد، همان. ص ۳۲۱.

روایت شده است که می گفت در زمانی که مهتدی موالیان ترک را قتل و عام کرد به امام عسکری(ع) نامه نوشته ام که خدا را شکر خداوند شر مهتدی عباسی را از ما دور کرد، زیرا که شما و شعیان را تهدید کرد و می گفت که آنان را از روی زمین بر خواهم داشت. امام(ع) در جواب نامه ی من نوشت عمر مهتدی کوتاه تر از این است که بتواند ما را تهدید کند یا حرکتی بر علیه ما انجام دهد و تو از امروز تا پنج روز دیگر بشمار و آن وقت خواهی دید که در روز ششم با خفت و خواری کشته می شود و در نهایت همان شد که امام(ع) فرموده بودند<sup>۴۴</sup>. همچنین یک نفر به نام علی بن زید که گفته شده است از نوادگان امام سجاد(ع) است می گوید روزی با امام عسکری(ع) همراه شدم و تا منزل ایشان رفتم وقتی که می خواستم از ایشان جدا شوم به من گفت این صد دینار را بگیر و برای خودت کنیزی بخر زیرا فلان کنیز تو فوت شده است در حالی که وقتی از منزل بیرون آمده بودم کنیز من زنده بود اما وقتی برگشتم به من گفتند که فلان کنیز شما از دنیا رفته است.<sup>۴۵</sup>

امام عسکری(ع) در مدت کوتاه امامت خویش با سه نفر از خلفای عباسی به نام های المعتر بالله، المهتدی بالله و المعتمد بالله که هر یک از دیگری ستمگرتر بودند، معاصر بوده است و در نهایت در زمان المعتمد بالله و در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ در حالی که تنها ۲۸ سال داشته به شهادت رسیده است<sup>۴۶</sup> و در شهر سامرا در همان خانه ای که پدرش دفن شده بود دفن شده است.

## ب: فعالیت های فرهنگی

### ۱. تربیت شاگردان

یکی از راه کارهای فرهنگی ائمه(ع) جهت نشر احکام و معارف اسلامی دین و مذهب شاگرد پروری بوده است. و این شاگردان هم خود شاگردانی را پرورش می دادند. امام عسکری(ع)

۴۴. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیه، محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران، الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۷۰.

۴۵. سید هاشم بحرانی، مدینه معجز الأئمة الاثني عشر، ج ۸، چاپ اول، قم، موسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۱۶۸.

۴۶. سبط بن جوزی، تذکره الخواص، چاپ اول، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق. ص ۳۲۵.

هم علیرغم اینکه سن کمی داشتند و دوره امامتش هم کوتاه بود اما تعداد شاگردانش را بیش از ۱۰۰ نفر برشمردند که می توان به شخصیت هایی از جمله فضل بن شاذان،<sup>۴۷</sup> عبدالعظیم حسنی،<sup>۴۸</sup> احمد بن عبدالله،<sup>۴۹</sup> علی بن ربان بن صلت قمی،<sup>۵۰</sup> سعد بن عبدالله بن قمی،<sup>۵۱</sup> عثمان بن سعید عمری،<sup>۵۲</sup> حسین بن روح نوبختی،<sup>۵۳</sup> احمد بن ادریس قمی<sup>۵۴</sup> و حسن بن اشکب مروزی<sup>۵۵</sup> اشاره کرد.

## ۲. تألیفات

امام عسکری(ع) در کنار شاگرد پروری و فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که داشته اند دست به تألیفاتی هم زده اند. از جمله این تألیف ها کتاب تفسیر منسوب به ایشان می باشد. که به نام تفسیر العسکری موجود است. شخصیت های علمی بزرگی از جمله: شیخ صدوق، شیخ طبرسی، محقق کرکی، علامه مجلسی، ابن شهر آشوب، شیخ آقا بزرگ تهرانی و شهید ثانی انتساب این کتاب به امام عسکری(ع) را صحیح می دانند و از آن دفاع می کنند.<sup>۵۶</sup> در کنار کتاب تفسیر رساله المقنعه هم منسوب به امام عسکری(ع) است که درباره مسائل حرام و حلال نوشته شده است.<sup>۵۷</sup> اما عسکری(ع) در کنار تألیفات، احادیث فقهی و اعتقادی و نامه های زیادی به شیعیان و وکلایش هم دارند که در کتب تاریخی و حدیثی به آنها اشاره شده است.<sup>۵۸</sup>

۴۷. احمد بن علی نجاشی، ص ۳۰۷.

۴۸. محمد بن حسن طوسی، رجال، چاپ سوم، قم، نشر اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۰۱.

۴۹. همان، ص ۱۵۶.

۵۰. محدث نوری، نجم الثاقب فی الاحوال الامام الغائب، ج ۲، چاپ اول، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴، ج ۲، ۱۰۲۲.

۵۱. همان.

۵۲. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، چاپ اول، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق. ص ۳۵۴.

۵۳. حسین جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، محمد تقی آیت اللهی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵،

ص ۲۴۱.

۵۴. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.

۵۵. احمد بن علی نجاشی، ص ۴۴.

۵۶. باقر شریف قرشی، حیاة الامام حسن عسکری، سید حسن اسلامی، چاپ ششم، قم، اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷.

۵۷. عزیز الله عطاردی، مسند الامام العسکری، چاپ اول، مشهد، آستان قدس، ۱۴۱۴ ق. ص ۳۱۶.

۵۸. باقر شریف قرشی، ص ۱۲۵.

## ۳. دعا

امام عسکری(ع) در پاسخ به رفع گرفتاری های خودش و شیعیان دست به دعا می بردند و در قالب نامه و مکاتبه آن را برای شیعیان می فرستادند. از جمله دعای های ثبت شده و درخواست شده می توان به دعا جهت گشایش در زندگی و تغییر وضعیت مالی، دعا جهت صاحب فرزند شدن، دعا جهت رفع مشکل ازدواج، دعا جهت رفع بدهکاری و قرض، دعا جهت باریدن باران، دعا جهت فراوانی محصولات کشاورزی، دعا جهت خلاصی از زندان و دعا جهت سلامتی و رفع مرض اشاره کرد. در متابع روایی دعا و حرزی هم به امام عسکری(ع) نسبت داده شده است.<sup>۵۹</sup>

## 4. اثبات و تثبیت امامتش در برابر مخالفان

اولین موضع امام (ع) در برابر خلفاء معاصرش تثبیت امامت خود بوده است زیرا به دلیل سخت گیری ها و مراقبت های ویژه ای که از امام هادی (ع) صورت می گرفت امکان معرفی امام جانشین خود به راحتی میسر نبود و همین امر هم باعث شده بود که عده ای درصدد انحراف شیعیان باشند از طرفی دیگر جعفر کذاب هم مدعی امامت شد و عده ای هم دور او جمع شده بودند. این عوامل باعث شد امام در اولین اقدام بعد از شهادت پدر و مقام امامتش روشنگری کند و مردم را از شک و تردید های به وجود آمده نجات دهد. خود حضرت در این باره فرموده است: که هیچ کدام از ائمه قبل من به اندازه من گرفتار شک و تردید شیعیان در امر امامت نشده اند.<sup>۶۰</sup> یکی از راه های نجات شیعیان از این شک و تردید ها نشان دادن یکسری معجزات و کرامات بوده است. اسماعیل بن محمد می گوید در خانه امام حسن عسکری(ع) نشسته بودم وقتی امام (ع) از منزل خارج شدند از فقر و محتاجی خود پیش امام شکایت کردم و قسم خوردم که حتی درهمی ندارم.

۵۹. فضل بن حسن طبرسی، ص ۳۷۴.

۶۰. حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، احمد جنتی، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲، ص ۷۸۳.



اما امام (ع) در جواب من فرمودند: قسم می خوری در صورتی که دویست دینار را در خاک پنهان کردی؟ اما بعد از آن به غلامش دستور داد که هر آنچه همراه داری به او بده و غلام هم صد دینار به من داد. امام دوباره فرمودند که ترسم از این است آن دویست دینار را زمانی که نیاز داشته باشید از دست بدهی و من بعد از آن سراغ دینارها رفتم و آنها را جا به جا کردم و بعد از مدتی که نیازمند آنها شدم به سراغشان رفتم ولی آنها را پیدا نکردم و بعد از آن متوجه شدم که فرزندم دینارها را برداشته است و هیچی از آنها نصیب من نشده است.<sup>۶۱</sup>

### ۵. استفاده از نفوذ معنوی خود در بین رجال و سیاسیون درباره خلافت

نفوذ امام حسن عسکری (ع) در بین مردم، سیاستمداران و حتی خلفا هم رسوخ پیدا کرده بود تا جایی که معتمد عباسی دشمن درجه یک امام در شرایط بسیار سخت و بحرانی از امام استمداد می طلبید و نمونه آن برطرف کردن شبهه و فتنه جاثلیق نصرانی بوده است.<sup>۶۲</sup>

### ۶. مدیریت و هدایت فعالیت های مخفی

امام عسکری (ع) به رغم تمامی فشارها و محدودیت هایی که توسط جاسوسان و خبرچینان حکومتی برای ایشان ایجاد شده بود یک سری فعالیت های مخفی را هدایت می کرد تا از دور از نگاه حکومت عباسی با اصحاب و یاران در ارتباط باشد. عثمان بن سعید عمری از وکلای امام (ع) در پوشش یک روغن فروش بود تا از این طریق بتواند واسطه بین امام (ع) و مردم باشد.<sup>۶۳</sup> از دیگر حرکت های مخفیانه و سری امام (ع) نامه ای بوده است که در چوبی بلند و کلفت به خدمتکارش داود بن اسود داد و به او گفت او را ببر و به عثمان بن سعید بده. داود بن اسود می گوید تا زمانی که آن چوب را به قاطرم نزد و نشکست از داخل آن اطلاعی نداشتم هر چند به خاطر این کارم مجبور به عذرخواهی از امام (ع) شدم و امام (ع) هم فرمودند نباید کاری کنید که در نهایت مجبور به عذرخواهی شوید و در این گونه موارد اگر کسی هم به

۶۱. ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۳.

۶۲. قطب رواندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹. ج ۱، ص ۴۴۲.

۶۳. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴.

ما فحش و ناسزا گفت شما راه خود را بروید و با آنها جنگ و جدل نکنید زیرا ما در شهر و سرزمین بدی زندگی می کنیم.<sup>۶۴</sup>

## ۷. گسترش نهاد وکالت

یکی دیگر از مواضع امام عسکری (ع) توسعه و گسترش نهاد وکالت بود نهاد وکالت که قبل از امام عسکری (ع) هم توسط ائمه (علیهم السلام) مورد استفاده قرار می گرفت در این دوره هم به دلیل پراکنده بودن شیعیان در شهرهای مختلف از جمله: قم، بغداد، مدائن، کوفه، نیشابور، یمن، ری، خراسان، بصره، آذربایجان و غیره، مورد استفاده قرار گرفت و امام (ع) نمایندگانی را در این شهرها نصب نمودند تا دور از چشم خلفا و عمال عباسی که شرایط بسیار بدی را برای امام و شیعیانش فراهم کرده بودند واسطه بین ایشان و شیعیان باشد. از امتیازات شبکه وکالتی بین امام و یارانش می توان به رهبری شیعیان و کمک و امداد رسانی به شیعیان محروم و فقیر، اداره کردن امور آنها در منطقه مأموریت وکیل، رسیدگی با امور اوقافی، پرسش و پاسخ بین امام (ع) و شیعیان، دستورات امام (ع) برای پیروی از احکام الهی به شیعیان، جمع آوری وجوهات و نذورات به وسیله وکلا و رساندن آنها به امام (ع) و شناساندن مهدی موعود از طریق وکلا به مردم نقاط دور دست بوده است. امام عسکری (ع) در این ایام با بیست و یک نفر به عنوان وکیل جهت رفع امور و مشکلات جامعه شیعی در ارتباط بوده اند<sup>۶۵</sup> که عبارتند از: عثمان بن سعید عمری وکیل امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان یمن<sup>۶۶</sup>، محمد بن عثمان عمری وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان یمن، احمد بن اسحاق قمی وکیل امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان بغداد<sup>۶۷</sup>، محمد بن احمد بن جعفر قمی عطّار قطن وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان قم<sup>۶۸</sup>، ابراهیم بن عبده

۶۴. ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۷.

۶۵. محمد رضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۲، قم، موسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۸.

۶۶. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴.

۶۷. ابا منصور احمد بن علی طبرسی، ج ۴، ص ۳۸۱.

۶۸. محمد رضا جباری، ج ۱، ص ۱۴.

وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان نیشابور<sup>۶۹</sup>، حسین بن نصر قمی<sup>۷۰</sup>، خیران خادم قراطیسی<sup>۷۱</sup>، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال بلالی، علی بن مهزیار اهوازی، محمد بن احمد بن حمّاد مروزی محمودی وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان دینور، ابو الحسین محمد بن جعفر اسدی رازی وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان ری، ابراهیم بن محمد همدانی وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان همدان، قاسم بن علاء آذربایجانی وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان اران آذربایجان<sup>۷۲</sup>، علی بن جعفر همانی وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان جبال ایران<sup>۷۳</sup>، ایوب بن ناب وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان نیشابور<sup>۷۴</sup>، ابا صدام وکیل امام عسکری (ع) در امور مربوط به شیعیان قم،<sup>۷۵</sup> عروه بن یحیی دهقان وکیل امام عسکری (ع) در بغداد بود که دچار انحراف شد و امام عسکری (ع) طی نامه ای مردم را از انحراف او آگاه کرد و او را مورد لعن و نفرین خود قرار داد<sup>۷۶</sup>، احمد بن هلالی کرخی عبرتائی<sup>۷۷</sup>، ابراهیم بن مهزیار اهوازی وکیل امام عسکری (ع) در اهواز<sup>۷۸</sup> و ایوب بن نوح وکیل امام عسکری (ع) در کوفه<sup>۷۹</sup>.

۶۹. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، ص ۲۵۵..

۷۰. محمد رضا جباری، ج ۲، ص ۴۳۰.

۷۱. همان.

۷۲. مصطفی بن حسین طفرشی، نقد الرجال، ج ۵، چاپ اول، قم، آل البيت، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۳.

۷۳. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، محمد رضا عطائی، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶.

۷۴. حسین جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، محمد تقی آیت اللهی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴.

۷۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۱۸.

۷۶. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۵۷۴.

۷۷. محمد رضا جباری، ص ۴۲۹.

۷۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۷۹. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۵۷۳.

## 8. در پیش گرفتن سیاست تقیه

سفارش کردن اصحاب و شیعیان به تقیه یکی از دستورالعمل های ائمه (ع) جهت حفظ جان و سلامتی آنها در برابر خلفای غاصب و دشمن اهل بیت (ع) بود. در واقع تقیه یکی از شیوه های تبلیغی آنها در برابر دشمنان و مخالفان خود بود. تا جایی که امام هادی (ع) در این باره به اصحابش می فرماید: اگر گفتم تارک تقیه مثل تارک نماز است راست گفته ام.<sup>۸۰</sup> امام حسن عسکری (ع) هم از این شیوه پیچیده استفاده می کردند چون ضرورت آن در عصر امام عسکری (ع) بیشتر از قبل شده بود به همین علت امام و شیعیانش که در شرایط سخت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته بودند مجبور به استفاده از تقیه شده اند تا جان خود و شیعیانشان را از خطر دولت عباسی محفوظ بدارند. عبدالعزیز بلخی که یکی از شیعیان عصر امام عسکری (ع) بود نقل می کند که یک روز امام (ع) در راه دالخلافه عباسی بود که من متوجه ایشان شدم می خواستم فریاد بزنم که ای مردم این شخص که اینجاست حجت خدا بر روی زمین است ولی امام (ع) بلافاصله به من اشاره کردند که ساکت باش و حرفی نزن، شب که محضرش رسیدم به من فرمودند که باید این مسائل را کتمان کنی در غیر این صورت کشته خواهی شد.<sup>۸۱</sup>

## 9. تربیت شاگردان

امام حسن عسکری (ع) علیرغم اینکه دوران امامتش کوتاه بود اما در همین فرصت کوتاه و با توجه به اینکه بیشتر حبس و تحت نظر بودند اما دست به تربیت شاگرد زدند تا جایی تعداد شاگردان ایشان را ۱۰۲ تن برشمردند.<sup>۸۲</sup>

۸۰. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۷.

۸۱. همان.

۸۲. محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۴۲۷.

### 10. پشتیبانی مالی از شیعیان

از دیگر مواضع امام عسکری(ع) حمایت های مالی و تقویت اقتصاد شیعیان به خصوص یاران و نزدیکان بوده است. زیرا سیاست حکام و عمال عباسی قرار دادن شیعیان در سختی ها و تنگ ناهای اقتصادی و مالی بوده است تا آنها را وادار به درخواست از خلافت برای کمک کند امام حسن عسکری(ع) با این کار علاوه بر گره گشایی از مشکلات مادی آنها جلوی جذب شدن آنان به سمت دولت عباسی را هم می گرفته است.<sup>۸۳</sup> ابوهاشم جعفری می گوید: در تنگنای مالی قرار گرفتیم ولی خجالت می کشیدیم که وضع نامناسب اقتصادی خود را برای اما شرح دهم ولی وقت برگشتم و به خانه رسیدم امام عسکری(ع) برای من صد دینار فرستاد و نوشت که هر وقت محتاج شدی از ماه درخواست کمک کن و احساس شرم نکن که ان شاء الله رفع احتیاج می شویدی.<sup>۸۴</sup>

### 11. روشنگری و تبیین مهدویت

آماده کردن جامعه اسلامی و شیعی برای عصر غیبت امام عصر(عج) اگر چه قبل از امام عسکری(ع) شروع شده بود اما به علت نزدیک بودن عصر غیبت به امامت امام حسن عسکری(ع) تلاشی مضاعف و دوچندان می طلبد. زیرا از یک طرف خلفای وقت عباسی با علم به اینکه امام مهدی(عج) فرزند امام عسکری(ع) است با مراقبت های شدید به دنبال این بود که ببیند چه زنی در خانه امام عسکری(ع) باردار می شود تا در اولین فرصت جلوی تولد فرزند آن را بگیرد و از طرف دیگر با توجه به محدودیت هایی که به وجود آورده بودند امکان معرفی و شناساندن امام مهدی(عج) را سخت کرده بودند. به همین دلیل امام حسن عسکری(ع) ضمن تأکید بر تولد حضرت مهدی(عج) او را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می داد و از طرف دیگر تماس خود با شیعیان را روز به روز محدودتر می کرد تا آنها را برای تحمل اوضاع و شرایط سخت پس از غیبت آماده کند.<sup>۸۵</sup> محمد بن عثمان عمری که

۸۳. مهدی پیشوائی، ص ۶۳۹.

۸۴. شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۳۰.

۸۵. مهدی پیشوائی، ص ۶۵۱.

از وکلای امام عسکری(ع) بود به همراه تعدادی از خواص به محضر امام (ع) رسیدند و امام عسکری(ع) امام مهدی (عج) را به آنها نشان دادند و فرمودند: این امام شما پس از من و جانشین من در بین شماست از او اطاعت و فرمانبرداری کنید و پس از وفات من پراکنده نشوید که در این صورت در امر دین هلاک خواهید شد و پس از این هرگز او را نخواهید دید.<sup>۸۶</sup>

## 12. ماندگار کردن زیارت اربعین امام حسین (ع)

در زمان امام هادی (ع) متوکل عباسی دستور به شخم زدن قبر امام حسین (ع) داده است و شرایط زیارت کردن امام حسین (ع) را برای شیعیان و دوست داران ایشان سخت کرده بود. امام عسکری (ع) برای این که زیارت امام حسین (ع) زنده بماند در حدیثی نشانه های مومن را پنج چیز اعلام کرد که یکی از آن پنج چیز زیارت اربعین امام حسین (ع) بوده است<sup>۸۷</sup> و دوستداران اهل بیت (ع) با استناد به همین روایت تحت هر شرایطی خود را به کربلا می رساندند.

## 13. برخورد و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی موجود

عصر امامت امام عسکری(ع) فراوان بودند کسان یا گروه هایی که دارای افکار انحرافی و خارج از اصول اسلامی بودند و شدیداً به دنبال القای تفکرات خویش به مردم بودند و از این طریق شک و تردید را وارد مسائل دینی می کردند. امام عسکری(ع) به همراه شاگردان و یارانش با استفاده از علم و قدرت الهی با تدبیر و ملایمت به مقابله با آنها برخاستند و مسلمانان را از همراهی با آنان و شک و تردید نسبت به اصول اعتقادی خویش نجات می دادند. از مهمترین این انحرافات می توان به نوشتن کتاب تناقضات قرآنی توسط اسحاق کندی و نماز طلب باران توسط اسقف مسیحی که به درخواست معتمد عباسی نماز باران می خواندند اشاره کرد.<sup>۸۸</sup>

۸۶. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ۳۶۴.

۸۷. فیض کاشانی، الوافی، ۵، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کتابخانه امیر المومنین، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۱۷۹.

۸۸. قطب رواندی، همان.

### ج: فعالیت های اقتصادی

از جمله وظایف وکلا در عصر امام عسکری(ع) فعالیت های اقتصادی بوده که زیر نظر امام (ع) انجام می شده است. آنها خمس و وجوهات را از مردم می گرفتند و یا به امام (ع) تحویل می دادند یا اینکه زیر نظر امام آنها را صرف امور نیازمندان و شیعیان می کردند.<sup>۸۹</sup>

### د: امام عسکری (ع) از نگاه دیگران

امام عسکری(ع) علاوه بر اینکه نزد شیعیان و علمای شیعی دارای فضل و عظمت بوده است بلکه نزد دیگر مردم و بزرگان غیر شیعی هم جایگاه عظیمی داشته است که به چند نمونه از آنها اشاره خواهیم کرد.

### الف: مخالفان

#### ۱. معتمد عباسی

آمده است که که جعفر برادر امام عسکری (ع) از معتمد خواست که بعد از امام عسکری (ع) او را به مقام امامت منصوب کند اما معتمد به جعفر کذاب گفت: مقام و منزلت برادرت به ما مربوط نمی شود بلکه این مقام و منزلت از طرف خداوند متعال است. ما تلاش زیادی کردیم که مقام ایشان را پایین بیاوریم اما هر روز مقام ایشان بالاتر می رود. او داری علم، زهد و تقواست اگر تو آنها را داشته باشی نیازی به ما نداری.<sup>۹۰</sup>

#### ۲. عبید الله بن خاقان

عبید الله بن خاقان از عمال خلفای عباسی در قم بود او از دشمنان سرسخت اهل بیت (ع) بود. او در مورد امام (ع) گفته است که در سامرا از میان علویان شخصی مانند حسن بن علی بن محمد بن رضا ندیده ام و در بخشش، رفتار، سلوک، عفت و بزرگواری کسی را

۸۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸۴.

۹۰. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱ ص ۳۸.

مثل او ندیده ام. سلطان، وزیر، وکیل، کاتب و همه مردم به او احترام می گذارند و احترام بر او را بر خود واجب می دانند.<sup>۹۱</sup>

### ۳. بختیشوع بن جبرائیل

بختیشوع حاذق ترین طبیب دربار بود. او درباره امام(ع) گفته است که ابن الرضا داناترین کسی است که در حال حاضر زیر این آسمان زندگی می کند.<sup>۹۲</sup>

### ۴. راهب مسیحی

راهب مسیحی عصر امام عسکری (ع) امام را به حضرت مسیح (ع) تشبیه کرده بود.<sup>۹۳</sup>

### ب: موافقان

#### ۱. امام هادی (ع)

امام هادی (ع) فرزند خود را چنین توصیف می کنند: پسر امیر محمد درست ترین و نیک ترین و استوارترین حجت از خاندان نبوت است. ایشان پسر ارشد من و جانشین من در امر امامت است.<sup>۹۴</sup>

#### ۲. شیخ مفید

شیخ مفید در باره امام عسکری (ع) می فرمایند: به دلیل دارا بودن همه فضایل اخلاقی و برتری بر همه معاصران امامت برانزده حسن بن علی العسکری (ع) است. ایشان دارای شجاعت، علم، زهد، تقوا، بخشندگی و عصمت بود به همین دلیل سزاوار و لایق امامت بود.<sup>۹۵</sup>

---

۹۱. همان ج ۱، ص ۷۹.

۹۲. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۰ ج، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۵۰، ص ۲۶۱.

۹۳. همان.

۹۴. باقر شریف قرشی، ص ۶۳.

۹۵. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۲.



### ۳. ابن شهر آشوب

صاحب مناقب آل ابی طالب در باره امام عسکری (ع) می فرمایند: او پاکدامن، منزله از هر عیب و گناه، امانتدار غیب خداوند، با وقار، بخشنده، هموار کننده سختی ها، پر لبخند و پدر قائم منتظر بودند.<sup>۹۶</sup>

### ۴. ابن جوزی

ابن جوزی در مورد امام عسکری (ع) فرمودند: خداوند متعال به او منقبت و صفتی ویژه داده است که آن را به هیچ کس دیگری عطا نکرده است و آن هم این است که فرزندش همان مهدی موعود (عج) و قائم آل محمد (ص) است.<sup>۹۷</sup>

### ۵. اربلی

اربلی درباره امام (ع) می گویند: در میدان علم و دانش رقیبی ندارند. بر اسرار کائنات آگاهند. به علم غیب آگاهی دارند. دارای سیرتی پاک است. صاحب کرامت و معجزه است. مفسر آیات است. از رازهای پنهان به مدد علم الهی آگاهی دارند. از آینده سخن می گوید.<sup>۹۸</sup>

## ۱.۱ مراکز مهم شیعی در عصر امام حسن عسکری (ع)

۹۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، چاپ اول، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۲۲.

۹۷. سبط بن جوزی، ص ۳۲۷.

۹۸. اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، چاپ اول، قم، رضی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۹۳۸.

## قم

می توان گفت شهر قم اولین مرکز تشیع در ایران است. زیرا که سابقه تشیع در آن به دو دهه آخر قرن اول هجری قمری می رسد.<sup>۹۹</sup> در همان ایامی که کشمکش بر سر دین اسلام و دین سابق ایرانیان در ایران وجود داشته است قم شهری شیعی بوده است. این که قم شهری کهن و باستانی است یا در پرتو تمدن اسلامی بوجود آمده است نظرات متفاوتی بیان شده است که مهمترین آنها این است که قم شهری است که پس از اسلام بوجود آمده است و اثر و نشانه ای از تمدن قبل از اسلام در آن نبوده است.<sup>۱۰۰</sup> همانگونه که قبلاً اشاره شده است عصر امام حسن عسکری(ع) به دلیل نفوذ شیعیان، قیام های علویان و ترس خلفای عباسی از تولد مهدی موعود(عج) عصری پر خطر بوده است و امام و یارانش سخت تحت کنترل عوامل دولتی و خلفای عباسی بوده اند در این عصر سخت قم با داشتن شاگردان بسیار زیادی که نزد امام(ع) داشته است پاسدار مکتب امامت(ع) بوده است تا جایی که حتی آمده است که شاگردان امام حسن عسکری(ع) بیش از صد نفر بوده اند که از میان آنها می توان به احمد بن اسحاق اشعری قمی، سعد بن عبدالله، محمد بن احمد بن جعفر قمی، محمد بن حسن صفار، علی بن ریان، عروه بن وکیل قمی، یعقوب بن اسحاق، احمد بن ادریس قمی و حسین بن حسن بن ابان اشاره کرد.<sup>۱۰۱</sup> آمده است که احمد بن اسحاق استاد شیخ صدوق و نماینده و وکیل امام حسن عسکری(ع) در قم بوده است و به دستور امام حسن عسکری(ع) از خراج قم مسجدی را بنا کرده است که این مسجد هم اکنون به اسم مسجد امام حسن عسکری(ع) در قم موجود است.<sup>۱۰۲</sup> همانگونه که اشاره شده است قم در زمان امام عسکری(ع) کانون فرهنگ شیعی و پاسدرا مکتب امامت(ع) بوده است و از این رو مردم شهر قم از پرداخت خراج به حکومت بنی عباس خود داری می کردند و بارها به دلیل کسر خراج پرچم قیام بر علیه حکومت عباسی بر

۹۹. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، چاپ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳.

۱۰۰. غلامعلی عباسی، قم در عصر حضور ائمه و غیبت صغری، چاپ اول، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۴، ص ۲۹.

۱۰۱. محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۳۹۹.

۱۰۲. غلامعلی عباسی، همان، ص ۱۵۲.

می افراشتند و عباسیان به قم حمله کردند و افراد زیادی را قتل و عام کردند تا جایی که مردم قم به امام حسن عسکری(ع) متوسل شده اند و از او خواسته اند دعایی بکنند تا شر سستگران بنی عباس از سر آنها کم بشود.<sup>۱۰۳</sup>

### کوفه

شهری که به سخن امیر المومنین علی(ع) اولین قطعه از زمین است که خداوند متعال در آن عبادت شده است شهری که هنگامی که ملائکه توسط خداوند متعال مجبور و مأمور به سجده در برابر آدم شده اند در هیمن کوفه بوده است.<sup>۱۰۴</sup> کوفه از زمان امامت امام علی(ع) و حتی قبل از آن مرکز اصلی کوشش ها و نهضت‌های شیعیان بوده است. اتفاقات و حوادث مهمی از قبیل آماده سازس نیروها برای جنگ های جمل، صفین، صلح امام حسن(ع) با معاویه، شهادت امام حسین(ع) و یارانش و قیام های توابین و مختار در این شهر صورت گرفته است. با این اوصاف شهر کوفه مرکز همه ناامیدی ها و خیانت ها با آرزوهای شیعیان امام علی(ع) بوده است.<sup>۱۰۵</sup> در زمان امامت امام حسن عسکری(ع) کوفه هم یکی از مراکز مهم شیعیان بوده است و شیعیان زیادی در آنجا سکونت داشته اند که همه مرجع و امامی به جز امام حسن عسکری(ع) نداشته اند و همه خمس و وحوهات شرعی آنها توسط وکلا به امام عسکری(ع) تحویل می شده است. یکی از کلای امام عیسکری(ع) در شهر کوفه عثمان بن سعید عمری بوده است که در نقش یک روغن فروش تجارت می کرده است و این کار روغن فروشی را پوششی برای وکالتش قرار داده بود و این کار را از ترس حکام و دستگاه سختگیر دولت عباسی در زمان امامت امام عسکری(ع) انتخاب کرد که خود نشان از وضعیت سخت و مشکل شیعیان و امام حسن عسکری(ع) در آن زمان بوده است.<sup>۱۰۶</sup>

---

۲۰۵. همان، ص ۱۵۸.

۱۰۴. فاطمه مشایخ، قصص الانبیاء، چاپ اول، تهران، فرحان، ۱۳۸۱، ص ۶۱.

۱۰۵. حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، چاپ یازدهم، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵.

۱۰۶. محمد بن حسن، طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴.

## یمن

یمن از شهرهای مهم سرزمین های اسلامی در عصر ائمه (ع) بوده است شهری که طبق نقل تاریخ مردمانش در عصر حیات رسول مکرم اسلام (ص) و به دست امام علی (ع) اسلام آورده اند و وقتی پیامبر خیر اسلام آوردن آنها را شنیده است سجده شکر به جای آورد.<sup>۱۰۷</sup> یمنیان بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) خلافت ابوبکر را به رسمیت نشناختند و از دادن زکات به او پرهیز کردند.<sup>۱۰۸</sup> زمانی که امام علی (ع) به خلافت رسید افراد زیادی از یمنی ها جزو سربازان امام (ع) بودند بعد از به شهادت رساندن امام علی (ع) ارتباط بین یمنی ها و ائمه (ع) بعدی همچنان ادامه داشت. در زمان امام عسکری (ع) علاوه بر وجود شیعیان امامی در یمن شیعیان زیدی هم وجود داشتند<sup>۱۰۹</sup> و حتی در آنجا تشکیل دولت داده بودند، گفته شده است که در آن عصر شیعیان اسماعیلی مذهب هم در آن سرزمین به تبلیغ مذهب خود می پرداختند. امام عسکری (ع) مثل بسیاری از مناطق شیعه نشین عصر خویش از طریق وکیل و نامه نوشتن به یمنی ها با آنها ارتباط برقرار می کرد. محمد بن عثمان بن سعید العمری وکیل بین امام عسکری (ع) و شیعیان یمنی بوده است.<sup>۱۱۰</sup>

## بغداد

شهری که پس از به خلافت رسیدن دولت بنی عباس و در زمان دومین خلیفه آنها یعنی منصور دوانیقی بنا شده است و آن هم بدین دلیل بود که کوفه که آن روز مرکز حکومت بنی عباس بود دارای تفکرات شیعی و یکی از مراکز و پایگاه های مهم شیعه بوده است و دولت غاصب بنی عباس هم بدین فکر افتاد تا مقرر حکومت و خلافت خویش را تغییر دهد و در سال ۱۴۵ هجری قمری منصور عباسی دستور شهر بغداد را صادر کرده و در سال ۱۴۹ در آن سکونت

۱۰۷. ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۳۰.

۱۰۸. احمد ابی یعقوب، ج ۲ ص ۱۲۹.

۱۰۹. محمد جواد طبسی، ص ۲۲۳.

۱۱۰. محمد رضا جباری، ج ۲، ص ۴۵۸.

پیدا کرده اند.<sup>۱۱۱</sup> ریشه های تشیع در بغداد را از همان اوایل تأسیس این شهر می توان یافت و شاید یکی از دلایل آن حضور امامان معصوم(ع) در بغداد بوده است هر چن که این حضور با اختیار نبوده است و با دستور خلفای بنی عباس و به علت زیر نظر گرفتن امامان معصوم(ع) بوده است اما به هر حال می تواند عامل وجود شیعیان در بغداد بوده باشد به ویژه دفن دو امام بزرگوار در نزدیکی بغداد که می تواند مرکز تجمع و استقرار شیعیان در بغداد شده باشد. به هر حال شهر بغداد در عصر امام حسن عسکری(ع) به علت نزدیکی آن با سامرا محل استقرار امام عسکری(ع) هم یکی از مراکز مهم شیعی بوده است و شیعیان فراوانی در آن زندگی می کردند به همین خاطر امام عسکری(ع) نمایندگانی به آنجا می فرستادند تا علاوه بر هدایت و ارشاد مردم رابط بین امام و مردم در مسائل شرعی و وجوهات باشند و از جمله کسانی که در این شهر وکیل و رابط بوده اند می توان به سعید عمری اشاره کرد.<sup>۱۱۲</sup>

### سامرا

سر من رای- سامرا شهری در ظلع شرقی دجله و در حدود صد کیلومتری بغداد که حدود چهل و چهار سال پایتخت دولت عباسیان بوده است، این شهر به علت وجود مرقد امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) مورد توجه شیعیان بوده و هست.<sup>۱۱۳</sup> در زمان معتصم عباسی مقر خلافت از بغداد به سامرا منتقل شده است و هشت نفر از خلفای عباسی در سامرا حکومت کرده اند که عبارتند از: معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی و معتمد که امام حسن عسکری(ع) در دوره سه نفر از آنها یعنی معتز، مهتدی و معتمد که دوره هرج و مرج خلافت عباسی بوده است امامت شیعیان را به عهده داشته است و در نهایت هم به دستور معتمد به شهادت رسیده است. در عصر امام هادی و امام حسن عسکری به دلیل وجود این دو امام بزرگوار سامرا به یکی از مراکز بزرگ شیعی به شمار می رفت و شیعیان زیادی در این شهر اقامت کرده اند و از فضل و دانش این دو امام استفاده می کردند امام متاسفانه به دلیل فضای

۱۱۱. دینوری، اخبار الطوال، محمود مهدوی دامغانی، ۲ ج، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۲۴.

۱۱۲. علی اکبر جهانی، ص ۱۰۷.

۱۱۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ۷ ج، چاپ دوم، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۶۴۲.

مسموم و خفقان سامرا شیعیان در مضیقه بودند و بیشتر اوقات امام حسن عسکری (ع) از طریق وکلا و یا به صورت پنهانی با شیعیان ارتباط برقرار می کردند.

### نیشابور

در عصر امام حسن عسکری (ع) نیشابور هم در کنار مناطق مهم دیگری همچون: قم، کوفه، سامرا، مدائن، یمن، بغداد و... از مراکز مهم شیعه به حساب می آمد و شیعیان زیادی در آن جمع شده بودند و تعدادی از دانشمندان و رجال علمی شیعه در این شهر به توسعه، تبلیغ، و نشر احکام و فرهنگ شیعه می پرداختند. به عنوان مثال ابراهیم بن عبدالله نیشابوری نماینده و وکیل امام حسن عسکری (ع) در نیشابور بوده است و مردم از طریق ایشان با امام عسکری (ع) در ارتباط بوده اند.<sup>۱۱۴</sup>

### بیهق

بیهق به معنای بسیار بخشنده<sup>۱۱۵</sup> و بهترین<sup>۱۱۶</sup> است. سرزمینی در نزدیکی شهر نیشابور است که امروزه سبزوار نام دارد.<sup>۱۱۷</sup> منطقه بیهق در زمان خلافت عثمان و همزمان با فتح خراسان فتح شده است.<sup>۱۱۸</sup> در همان زمان تعدادی از اصحاب پیامبر (ص) به همراه خانواده هایشان در بیهق ماندند و زندگی کردند.<sup>۱۱۹</sup> بعد از اصحاب پیامبر (ص) در عصر حکومت امویان به دلیل سخت گیرهای برخی از حکام آنها مثل حجاج بن یوسف ثقفی بر شیعیان و سادات و عده ای هم بعد از قیام زید بن علی به همراه پسرش یحیی به ایران آمده اند که تعدادی از آنها در بیهق سکنی گزیدند. همچنین در عصر خلفای عباسی بعد از قیام نفس زکیه و ورود امام رضا (ع) به ایران و منطقه مرو عده ای از سادات و شیعیان به ایران آمدند و در بیهق سکونت کردند. یکی از خانواده های شیعی که سکونت آنها در بیهق محرز است سادات آل زبارة می باشند که نسبشان

۱۱۴. محمد رضا جباری، ج ۲، ص ۵۶۷.

۱۱۵. علی اکبر دهخدا، ج ۴، ص ۵۰۵.

۱۱۶. ابن فندق بیهقی، تاریخ بیهقی، احمد بهمنیار، چاپ سوم، تهران، نشر فروغی، ۱۳۶۱، ص ۳۴.

۱۱۷. یاقوت حموی، ج ۱، ص ۵۳۸.

۱۱۸. همان، ج ۲، ص ۵۷.

۱۱۹. ابن فندق، بیهقی، ص ۲۵.

به امام سجاد (ع) می‌رسد. گفته شده است که قنبر غلام امیرالمومنین علی (ع) هم به بیهق آمده و در همین سرزمین هم مدفون است.<sup>۱۲۰</sup> با این وجود در عصر امام عسکری (ع) شیعیان قابل توجهی در بیهق بودند و امام (ع) هم با آنها در ارتباط بوده است. زیرا آمده است که امام عسکری (ع) در نامه ای به مردم بیهق نوشتند که: وجوهات و نذورات خود را به عبدالله بن حمدویه بیهقی که مورد اطمینان و اعتماد من است پردازید.<sup>۱۲۱</sup>

---

۱۲۰. همان، ص ۲۶.

۱۲۱. محمد رضا جباری، ج ۱، ص ۱۳۶.

## فصل دوم:

### بررسی شرایط سیاسی – اجتماعی، و فرهنگی زمان امام

#### حسن عسکری (ع)



در عصر امام حسن عسکری(ع) شیعیان علیرغم مخالفت ها و دشمنی های جدی خلافت عباسی با آنها قدرت خویش را تثبیت کرده اند تا جایی که قیام هایی هم بر علیه آنها به راه انداخته اند. اما از آن جایی که قدرت و حکومت عباسی برای آنها نامشروع و غاصب بوده است و خود و امام عسکری (ع) را محق بر زعامت و مدیریت جامعه اسلامی می دانستند و خلافت عباسی که از این عقیده به شدت می ترسیده است همیشه شیعیان را تحت فشارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرار داده است. تا جایی که امام حسن عسکری(ع) در عصر امامت خویش یا در زندان بوده است یا در صورت زندان نبودن تحت شدیدترین محاصره عوامل حکومتی و جاسوسی بوده است. علیرغم همه مشکلات اشاره شده عباسیان نتوانسته اند امام عسکری (ع) را از وظیفه اصلی خویش که زعامت و امامت جامعه شیعی عصر خویش بوده است منصرف کنند. اما امام عسکری(ع) علیرغم این که فقط شش سال امامتش طول کشیده است و در بسیاری از روزهای این شش سال هم در زندان خلفای هم عصر به سر می برده است همچون دیگر ائمه (علیها السلام) از اصول و اهداف اصلی امامت و زعامت کوتاه نیامدند و سیره آباء و اجداد خویش را عملی نمودند. امام عسکری (ع) برای این مهم در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی به عنوان زعیم و بزرگ شیعیان علیرغم سن کمش تلاش کردند. امام (ع) علاوه بر تقابل با خلفای عباسی وقت که سه نفر به نام های المعتمد بالله، المهتدی بالله و المعتمد بالله بودند تقابل های دیگری هم مثل: تقابل با فرقه های کلامی شیعی و غیر شیعی منحرف عصر خویش، شورش ها و قیام های عصر خویش داشته اند که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد.

## شرایط سیاسی - اجتماعی

### الف: خلفای معاصر امام عسکری (ع)

همان گونه که اشاره شده است امامت امام حسن عسکری (ع) مصادف با خلافت سه نفر از خلفای عباسی به نام های المعتز بالله (خلافت از ۲۵۲ تا ۲۵۵)، المهدی بالله (خلافت از ۲۵۵ تا ۲۵۶) و المعتمد بالله (خلافت از ۲۵۶ تا ۲۷۹) بوده است که به اختصار در مورد این سه نفر توضیح خواهم داد.

#### ۱. معتز عباسی:

محمد بن جعفر متوکل بن محمد معتصم ملقب به معتز در سال ۲۵۲ در عصر دوم حکومت عباسی به خلافت رسید<sup>۱۲۲</sup>. عصری که در آن نفوذ عنصر ترک بسیار زیاد شده است و دوران نیرومندی و قدرت خلافت در عصر اول را تحت الشعاع قرار داده است. بعد از درگیرهای فراوان بین طرفداران مستعین و طرفداران معتز سرانجام مستعین احمد بن محمد بن معتصم تحت فشار ترکان خود را از خلافت خلع کرد و معتز که در سامرا بود به خلافت رسید.<sup>۱۲۳</sup> معتز هنگام رسیدن به خلافت ۱۹ سال داشت. وی پس از رسیدن به خلافت برادر خود مؤید را از ولایت عهدی خلع و زندانی کرد که پس از چند روز در زندان درگذشت. معتز که ترسیده بود کشتن مؤید را به او نسبت دهند قضات را جمع کرد تا گواهی دهند که اثری از قتل در او دیده نشده است.<sup>۱۲۴</sup> اوضاع خلافت در عصر معتز بهتر از دوران مستعین نشد و معتز هم تحت تأثیر و نفوذ ترکان قرار گرفت. ترکان هر روز خواسته های مالی خویش را بیشتر می کردند و خلیفه هم از پاسخ به خواسته های آنان ناتوان بود و در نهایت از سوی آنها خلع شد و خلافت را به عمویش محمد بن واثق سپردند. ترکها پنج شب پس از آنکه معتز را خلع کردند او

۱۲۲. احمد ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، چاپ اول، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۰۰.

۱۲۳. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۷۰.

۱۲۴. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۱۸، ص ۳۳.

را به حمام بردند و او را از خوردن آب منع کردند تا اینکه از دنیا رفت.<sup>۱۲۵</sup> مدت خلافت معتز از وقتی که در سامرا با وی بیعت کردند تا وقتی که خلع شد چهار سال و شش ماه و بیست سه روز بود و در زمان کشتن فقط بیست و چهار سال داشت.<sup>۱۲۶</sup>

## ۲.المهتدی عباسی:

بعد از خلع معتز از خلافت با محمد بن واثق که المهتدی بالله لقب گرفت بیعت شد. کنیه اش ابو عبدالله بود و از کنیزی به نام قرب به دنیا آمده است. گفته شده است که المهتدی بیعت کسی را نپذیرفت تا معتز را آوردند که خود را از خلافت خلع کرده و گفت از انجام کاری که بدو سپرده اند ناتوان است و خود مایل است که آن را به محمد بن واثق واگذار کند. معتز دست خویش را دراز کرد و با المهتدی بیعت کرد آن گاه دور شد و خواص و بستگان بیعت کردند. این اتفاق در ماه رجب سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری بوده است.<sup>۱۲۷</sup> مهتدی فردی پارسا بود و به روش و فضیلت و اعتدال و دین داری در میان عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز بود.<sup>۱۲۸</sup> مهتدی که دل به اصلاحات بسته بود اول از خودش آغاز کرد. امر به معروف و نهی از منکر کرد، شراب خواری و نغمه گری کنیزان آوازه خوان را ممنوع کرد، هر جمعه در مسجد حاضر می شد و برای مردم خطبه می خواند، مردم را راهنمایی می کرد، بر دیوان ها نظارت داشت گنبدی بنا کرد و آن را گنبد دادگستری نامید که برای عموم مردم در آنجا می نشست، فشار او در این موارد بر عوام و خواص سنگین آمد و از او به تنگ آمدند.<sup>۱۲۹</sup> در ایام خلافت مهتدی اوضاع داخلی و خارجی حکومت وی به هم ریخت و شورش هایی صورت گرفته است. مردم در بغداد بر وی شوریدند و از بیعت کردن با او تمرد کردند، علویان در جاهایی از سرزمین های اسلامی سر به شورش برداشتند، حسن بن زید علوی در طبرستان شورش کرد،

۱۲۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ۱۱ ج، چاپ دوم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷. ج ۹، ص ۳۹۰.

۱۲۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، ۱۶ ج، چاپ هفتم، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۵. ج ۱۴، ص ۶۲۸۲.

۱۲۷. همان. ص ۶۲۸۴.

۱۲۸. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۵۴.

۱۲۹. سهیل طقوش، دولت عباسیان، حجت الله جودکی، چاپ چهارم، قم، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷. ص ۱۹۲.

انقلاب زنگیان بالا گرفت، خوارج در موصل شورش کردند عده ای در فلسطین و اردن قیام کردند، ترکان سر به نافرمانی زدند. و خلیفه که تصمیم گرفته بود فرماندهان ترک را به وسیله همدیگر سرکوب کند موفق نشد و در نهایت توسط همین ترکان خلع و شکنجه شد و در رجب سال ۲۵۶ هجری قمری جان داد. خلافت مهتدی تا زمانی که کارش به پایان رسید یازده ماه و بیست و پنج روز طول کشید و همه عمر وی سی و هشت سال بوده است.<sup>۱۳۰</sup>

### ۳. احمد معتمد:

بعد از مرگ المهتدی در سال ۲۵۶ با احمد معتمد علی الله پسر جعفر متوکل در همان روزی که المهتدی کشته شده است بیعت شد.<sup>۱۳۱</sup> ترکها بعد از این که مهتدی را کشتند و خلافت را به معتمد واگذار کرده اند از ایشان خواستند که یکی از برادرانش را امیر سپاه کند و خلیفه برادرش ابواحمد طلحه موفق را امیر کرد. موفق جانی دوباره به خلافت عباسی در دوران معتمد داد همه کارها در دست او بود، ولی خطبه و سکه را برای خلیفه نگه داشت و او را امیرالمومنین نامید.<sup>۱۳۲</sup> مورخان گرچه درباره مهتدی مطالبی تمجید آمیز نوشته و او را ستایش کردند اما در بیان فساد و اخلاق معتمد اتفاق نظر دارند که او اهل عیاشی و خوشگذرانی بود و آنچه برای او اهمیت نداشت و مهم نبود کار و گرفتاریهای مردم بود. از این جهت مردم از او روی گردان شدند و چشم امید خود را به برادر او موفق دوخته بودند زیرا زمام امور در دست ایشان بوده است.<sup>۱۳۳</sup> معتمد یازده روز مانده از رجب سال دویست و هفتاد نهم در بغداد وفات کردف خلافتش بیست و سه سال و سه روز طول کشید. در زمان خلافت او یعقوب لیث صفاری و علی بن محمد صاحب الزنج که هر دو شورش کرده بودند درگذشتند.<sup>۱۳۴</sup>

---

۱۳۰. محمد بن جریر طبری، ص ۶۳۸۰.

۱۳۱. احمد ابی یعقوب، ج ۲، ص ۵۰۷.

۱۳۲. سهیل طقوش، ص ۱۹۳.

۱۳۳. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، چاپ چهاردهم، قم، انتشارات موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱. ص ۶۲۰.

۱۳۴. علی بن حسین مسعودی مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۰۵.

## ب: مواضع خلفا با امام حسن عسکری (ع)

اگر چه عمر شریف امام حسن عسکری (ع) همراه با نامالایمات، سختی ها و دشواری های عصر امامت پدر بزرگوارش در زمان متوکل خلیفه ظالم، ستمگر و سفاک عباسی بوده است اما در عمر کوتاه امامتش با سه تن از خلفای عباسی به نام های معتز، مهتدی و معتمد هم عصر بوده است. معتز عباسی که به دستور ترکها بر مسند خلافت نشست و جانشین مستعین شده بود همان سیاست ظالمانه پدرش متوکل را بر شیعیان و امام (ع) در پیش گرفت و اجازه آرامش و آزادی را از آنها گرفته بود تا اینکه به دست همان ترکها از خلافت خلع و کشته شد<sup>۱۳۵</sup>. بعد از معتز، به دستور ترکها مهتدی بر مسند خلافت نشست. مهتدی که در ظاهر مقید به آداب اسلامی بود و از میگساری و باده پرستی به دور بود و از تجملات دنیایی خود داری کرده بود نه تنها سیاست های معتز نسبت به امام (ع) و علویان را تغییر نداده بود بلکه در عمر کوتا خلافتش که تنها یک سال طول کشید امام (ع) در زدان به سر می برد و حتی گفته شده است که او قصد کشته شدن امام (ع) را هم داشته است اما در نهایت خودش به دستور ترکها به قتل رسید.<sup>۱۳۶</sup> بعد از به قتل رسیدن مهتدی توسط ترکان معتمد عباسی خلیفه مسلمین شد، امام عسکری (ع) هم بیشترین ایام از دوران امامتش را هم زمان با خلافت معتمد گذرانده بود. معتمد که در اصل شخصی عیاش و خوشگذران بود به عیاشی و خوشگذرانی های مورد علاقه مشغول شد و اداره امور مملکتی را به برادرش موفق سپرده بود، اما این خوشگذرانی ها و دوری از اداره امور مملکتی هم باعث نشده بود که معتمد از سخت گیری و آزار و اذیت امام عسکری (ع) و شیعیان غافل شده باشد و در نهایت امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ به دستور معتمد عباسی به شهادت رسیده است.<sup>۱۳۷</sup> به طور خلاصه مواضع خلفای عباسی هم عصر اما عسکری (ع) یکی کنترل و عدم ارتباط امام (ع) با شیعیان بوده است زیرا خلفا از این می

۱۳۵. ذهبی، تاریخ الاسلام، ۵۱ ج، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق. ف. ج ۱۹، ص ۸.

۱۳۶. علی بن حسین مسعودی مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۸۸.

۱۳۷. همان، ص ۶۰۰.

ترسیدند که ارتباط امام (ع) با شیعیانش آنها را منسجم تر کند و به همین خاطر آمده است که امام (ع) روزهای را که در زندان خلفای عباسی نبوده است باید به دارالخلافة می رفته و اعلام حضور می کرد.<sup>۱۳۸</sup> و دومین موضع آنان به زندان افکندن امام (ع) بوده است زیرا از این طریق راحت تر می توانسته اند که راه ارتباط امام (ع) با شیعیان را قطع کنند.

### ج: شورش ها و قیام ها

عصر امامت امام حسن عسکری (ع) همزمان با دوران دوم خلافت عباسیان است. بر اساس تقسیم بندی مورخان دوران دوم خلافت عباسی (۲۳۲ - ۳۳۴ ق) با خلافت متوکل آغاز شد و با خلافت متقی پایان یافت. این دوران عصر نا استواری و ناپایداری خلافت عباسی به دلیل قدرت بیش از حد ترکان، به شمار می آید. در این ایام شورش ها و قیام های متعددی در قلمرو آنها به وقوع پیوست. که به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

ابتدا لازم است که مقداری درباره تعریف شورش و قیام و تفاوت آن دو توضیح دهیم و بعد از به شورش و قیام های صورت گرفته پرداخته شود.

همانگونه که در مفاهیم توضیح داده شد شورش به معنای رفتار خشونت آمیزی است که توسط توده ای از مردم یک منطقه علیه حکومتی خاص برای رهایی از سلطه سیاسی آن حکومت شکل می گیرد اما بدون اینکه برنامه ای برای آینده داشته باشد. از نظر شورشگران کاستی ها و کمبودها متوجه اشخاص است به همین خاطر شخص باید از میان برداشته شود و نهاد های اجتماعی یا حکومت هدف آنها نیست. اما قیام که به نوعی شورش بزرگ گفته می شود هم وسعت انسانی و جغرافیایی بیشتری دارد و هم هدفش تغییر در حاکمیت است. آمده است که دلیل تقسیم بندی این نوع حرکت ها به شورش و قیام داشتن اهداف مثبت و منفی بوده است که در آنها نهفته است. مثلا اگر این حرکت ها جنبه مثبت داشته باشند از آن به عنوان قیام یاد

---

۱۳۸. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، محرمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸، ص ۴۳۹.

می کنند و اگر جنبه منفی داشته باشد از آن به عنوان شورش یاد می کنند،<sup>۱۳۹</sup> به همین دلیل حرکت اعتراضی که از ناحیه شیعیان اتفاق می افتاد قیام نام گرفت و آنچه از طرف غیر شیعیان اتفاق افتاد شورش گفته شد.

## ۱. شورش ها

### شورش صاحب الزنج

یک از افرادی که در زمان معتمد عباسی و در سال ۲۵۵ هجری قمری دست به شورش زد مردی است به نام محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب. مسعودی می گوید «بیشتر کسان می گویند که نسب خاندان ابوطالب را به دروغ به خود بسته بود و برعکس برخی اعمالش نشان داد که عقیده خوارج از ارقه را داشت.»<sup>۱۴۰</sup> از آن جا که طرفدارانش سیاهان زنگی بودند به صاحب الزنج مشهور شد. صاحب الزنج لشکر خود را از بندگان سیاه تجهیز کرده و آنها را ضد مالکین و اربابان خود برانگیخته و یک نیروی فوق العاده از آنها با ابتکار فکر خود ایجاد نمود و آنها دلیری کردند و شهرت او را به اوج رسانیدند وی در دلهای سیاهپوستان بصره و اطراف آن جای گرفت و به همین دلیل تعداد زیادی از آنها دورش جمع شده اند و کارش به تدریج بالا گرفت. او در اوایل شورش فردی بسیار فقیر بود اما به واسطه ی جنگهایی که برایش رخ داد و به واسطه قتل ها و غارت هایی که انجام داده است ثروت بزرگی به دست آورد و یارانش که از سیاهان بودند در مناطق دیگر بحرین و عراق و اطراف آن پراکنده شدند. اما طلحه به لشکری گران به سوی او رفت و در بصره و واسط نزاع و جنگ شروع شد جنگی که پانزده سال به طول انجامید و در نهایت عباسیان بر صاحب الزنج و لشکرش پیروز شدند و آنها را یا کشند و یا اسیر کردند و خود صاحب الزنج هم در این ماجرا کشته شد.<sup>۱۴۱</sup>

---

۱۳۹. احمد رضا خضری، تاریخ تشیع، ج ۲، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶. ج ۱، ص ۳۰۵.  
۱۴۰. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۹۶.  
۱۴۱. محمد بن علی بن طباطبا الطقطقی، الفخری فی الأداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، چاپ اول، بیروت، دار الصادر، ۱۴۱۴، ص ۲۴۳.

## شورش ابن صوفی

ابن صوفی که همان ابراهیم بن محمد بن یحیی است در مصر قیام کرد و آنجا را تاراج کرد. احمد بن طولون فرماندار وقت مصر سپاهی را روانه جنگ با او کرد که ابن صوفی فرمانده سپاه مصر را اسیر کرد و دست و پای او را برید.<sup>۱۴۲</sup> ابن طولون سپاهی دیگر را روانه جنگ با او کرد که پس از جنگی سخت و نفس گیر ابن صوفی شکست خورد و بسیاری از یارانش کشته شدند و خودش هم فرار کرده و در جنگل ها مخفی شده است. او دوباره در سال ۲۵۹ در همان مصر قیام کرده است و مردم را به سوی خود دعوت کرده است که جمع زیادی از مردم هم دور او جمع شده اند تا اینکه ابن طولون سپاهی را روانه جنگ با او کرده است و او را شکست داده. ابن صوفی در نهایت به مکه فرار کرده و توسط فرماندار وقت مکه دستگیر و به نزد ابن طولون در مصر فرستاده شده است اما ابن طولون او را زندان و بعد از مدتی آزاد کرد. ابن صوفی هم بعد از آزادی از زندان مصر به مدینه رفته است و تا هنگام مرگ در مدینه بوده است.<sup>۱۴۳</sup>

## ۲. قیام ها

### قیام های شیعیان در عصر امام حسن عسکری (ع)

با آغاز خلافت معتمد در سال ۲۵۶ و به دلیل تنگناهای شدید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که شیعیان گرفتار آنها شده بودند قیام های شیعیان بر علیه حاکمان عباسی شروع شده است که به مهمترین این قیام ها هرچند به طور مختصر اشاره خواهیم کرد.

### قیام علی بن زید و عیسی بن جعفر

علی بن زید و عیسی بن جعفر در کنار همدیگر به سال ۲۵۵ هجری قمری در عصر حاکمیت معتز عباسی در شهر کوفه قیام کردند. معتز سعید بن صالح که به سعید حاجب معروف شده بود را با لشکری انبوه برای پیکار با آنها فرستاده است که این دو نفر با از هم پاشیدن یارانشان

---

۱۴۲ عزالدین ابن اثیر، ج ۱۸، ص ۱۲۱،

۱۴۳. همان، ص ۱۲۲.



شکست خوردند.<sup>۱۴۴</sup> ابن اثیر در الکامل آورده است که این قیام در ماه رجب اتفاق افتاده است و قبل از آنکه شکست بخورد فرمانروای وقت کوفه عبدالله بن محمد بن داود بن عیسی را کشتند.<sup>۱۴۵</sup>

### قیام احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن طباطبا<sup>۱۴۶</sup>

احمد بن محمد از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است. مادرش از نوادگان عثمان حنیف بود.<sup>۱۴۷</sup> ابن طباطبا در عصر خلافت معتمد عباسی در اسکندریه مصر قیام کرد و همزمان ادعای خلافت نموده است. احمد بن طولون کارگزار خلافت عباسی در مصر سپاهی به سوی او گسیل داشت و با او جنگید. ابن طباطبا در عین شکیبایی در پایان کشته شده و سرش را جدا کرده و برای معتمد عباسی فرستاده اند.<sup>۱۴۸</sup>

### قیام علی بن زید بن حسین

ایشان از نوادگان امام حسین (ع) بود و در عصر خلافت معتمد در سال ۲۵۶ هجری قمری در کوفه قیام نمود. گروهی از مردم با او بیعت کردند و گروهی هم به خاطر کشته ها و اسرانی که در جریان قیام یحیی بن عمر داده بودند با او بیعت نکردند.<sup>۱۴۹</sup> خلیفه سپاهی را به فرماندهی شاه بن میکال برای سرکوب او به کوفه فرستاد که علی بن زید سپاه او را درهم شکست و بسیاری از یارانش را کشت اما شاه بن میکال فرار کرد. آن گاه خلیفه سپاهی دیگر را به فرماندهی کیجور ترک روانه جنگ با علی بن زید کرد که بعد از رد اطاعت زید از او در جنگی که بین آنها درگرفت زید بن علی کشته شده است.<sup>۱۵۰</sup>

---

۱۴۴. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۸۲.

۱۴۵. عزالدین ابن اثیر، ج ۱۸، ص ۱۰۲.

۱۴۶. احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن طباطبا با ابن طباطبای معروف که در زمان خلافت مأمون عباسی در کوفه قیام کرده بود متفاوت است.

۱۴۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، بی جا، بیروت، دارالمعرفه، بی تا. ص ۵۳۷.

۱۴۸. عزالدین ابن اثیر، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۱۴۹. ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۲۹.

۱۵۰. احمد رضا خضری، همان. ص ۳۰۶.

## ه: نفوذ ترکان در دربار خلافت

غلامان ترک که همزمان با فتوحات سرزمین های آسیای مرکزی توسط مسلمانان به عنوان برده وارد بغداد شده اند کم کم به عنوان برده به دستگاه خلافت نزدیک شده اند و به علت روحیه های دلاوری و جنگجویی که داشته اند معتصم به آنها اختیارات سیاسی داد و آنها را در مسائل سیاسی دخالت داد و برای آنها فرماندهی سپاه مشخص کرده است.<sup>۱۵۱</sup> و زمانی که اعتماد این خلیفه به دلایلی از دو قطب و عنصر مقتدر نظامی عرب و ایرانی دستگاه خلافت سلب گردید، آنها را که مشارقه هم می گفتند وارد صحنه شدند. معتصم در این دوران به اقتدار عرب و ایرانی پایان داده شد و ترکان، بدون رقیب جدی بر تمامی امور خلافت بویژه امور نظامی و سپاه تسلط یافتند. اگرچه این دوران، کوتاه بود اما تأثیرات مهمی من جمله سرکوبی شورشها و فتنه های دوران معتصم داشتند که از جمله این سرکوبی ها می توان به سرکوبی شورش بابک خرمدین به فرماندهی افشین اشاره کرد.<sup>۱۵۲</sup> این نفوذ و اقتدار ترکان کم کم مایه ضعف و اقتدار حکومت عباسی شده بود و اقتدار و نفوذ آنان به جایی رسیده بود که حق انتخاب خلیفه را مختص به خود می دانستند. و در نهایت آنها توانسته اند متوکل عباسی دهمین خلیفه سلسه عباسیان را جایگزین واثق کنند و از این به بعد بود که قدرت و نفوذ آنها روز به روز بیشتر می شد و حتی به راحتی می توانستند که علاوه بر تعیین خلیفه، وزیر، امیر و قضات را هم عزل و نصب کنند. این نوع قدرت گرفتن و نفوذ بی سابقه و اقتدار در دربار خلافت عباسی علاوه بر آن که موجب به خلافت نشستن خلفای بی اراده، ضعیف و عیاش بوده است سبب حیف و میل شدن بیت المال به دلیل بی کفایت و بی تدبیری خلفا بوده هم است. در زمان معتصم به دلیل اینکه اختیارات کافی به دست آورده اند یکی از فرماندهان آنان به نام افشین که فردی دارای نفوذ در دربار بود از این نفوذ سوء استفاده کرد و نقشه جدایی و استقلال طلبی ترکان از عباسیان را کشید و در پی تأسیس دولتی مستقل در سرزمین های اشروسنه بوده است اما نقشه

۱۵۱. محمد بن جریر طبری، ج ۱۳، ص ۵۹۳۰.

۱۵۲. احمد بن ابی یعقوب، ج ۲، ص ۴۷۵.

او افشا شد و در پی آن شکست خورد و از آن به بعد سیاست خلیفه نسبت او تغییر کرد و دستور داد او را به اتهام های فراوان از جمله تلاش برای شکست عباسیان و تعصب مجوسی داشتن زندان کرد<sup>۱۵۳</sup> و در نهایت در زندان فوت کرد. در آن زمان با حضور ترکان و نفوذ زیادی که در دربار درست کرده اند اوضاع سیاسی خلافت بسیار آشفته و به هم ریخته شده بود و به همین علت خلفای بنی عباس تصمیم گرفتند مرکز خلافت را از بغداد به سامرا انتقال دهند.<sup>۱۵۴</sup>

### و: محدودیت های شدید عصر امام حسن عسکری(ع)

ائمه معصوم (ع) در عصر خود تحت فشار و محدودیت های حاکمان عصر قرار داشته اند اما این محدودیت ها و فشارها در عصر امام حسن عسکری (ع) به نهایت و اوج خود رسیده بود، علت و دلیل فشار زیاد حاکمان عباسی بر امام حسن عسکری(ع) را می توان در موارد ذیل بررسی کرد.

#### ۱. ترس از نفوذ و قدرتمند شدن شیعیان در عصر امام حسن عسکری (ع)

در عصر امام حسن عسکری (ع) شیعه به یک قدرت بزرگ در عراق تبدیل شده بود و خلفای عباسی هم می دانستند که این گروه از مسلمانان خلافت آنان و دیگر حاکمان عباسی را نامشروع می دانند و معتقد به امامت و حاکمیت فرزندان امیر المومنین علی(ع) هستند و آن زمان شخصیت ممتاز و برجسته این گروه امام حسن عسکری (ع) بوده است به همین علت بود که معتز عباسی امام را بازداشت و روانه زندان کرد و به سعید حاجب دستور داد داده بود که امام حسن عسکری(ع) به سوی کوفه برود و در بین راه او را به شهادت برساند و لی در بین راه خود سعید حاجب توسط همراهان به هلاکت رسید. بعد از معتز مهدی عباسی هم تصمیم به قتل حضرت گرفته بود اما ایشان هم موفق به این کار نشده است.<sup>۱۵۵</sup>

۱۵۳. محمد بن جریر طبری، ج ۱۴، ص ۵۹۴۷.

۱۵۴. احمد بن ابی یعقوب، ج ۲، ص ۴۷۴.

۱۵۵. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۸۳.

۲. متوجه شدن دستگاه خلافت از اینکه مهدی موعود(عج) از فرزندان امام حسن عسکری(ع) است.

ترس و وحشت عباسیان از اینکه می دانستند مهدی موعود (عج) که پیامبر اکرم(ص) و همه امامان قبل از امام حسن عسکری(ع) وعده ظهورشان را داده بودند از نسل او خواهد بود. به همین علت به طور مرتب مواظب وضع زندگی او بودند تا اینکه بتوانند فرزند او را به چنگ آورند و نابود کنند این ترس به حدی بوده است که مجبور شده اند هر هفته روزهای دوشنبه و پنج شنبه امام را به دربار احضار کنند<sup>۱۵۶</sup>.

### شرایط فکری و فرهنگی عصر امام حسن عسکری(ع)

عصر امام حسن عسکری(ع) به لحاظ مسائل فکری و فرهنگی شرایط بسیار گسترده و ویژه ای بوده است چنان که در این ایام اقلیت های دینی فراوانی مثل یهود، مسیحیت، زردشتی، ثنویت، و جریان های کلامی شیعی و غیر شیعی زیادی در جامعه حضور داشته اند. منشأ پیدایش و گسترده‌گی نحله ها و گرایش های فکری وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی آن روز بوده است. اظهار تمایل خلفای عباسی به مسائل علمی و فرهنگی، باز شدن دروازه های علوم فلسفه و کلام ملت های دیگر به روی مسلمانان، ترجمه بسیاری از کتابهای علمی آنان به زبان عربی و پیدایش چهره های علمی در زمینه های مختلف هم از جمله دلایل شرایط آن زمان بوده است. حاکمان عباسی هم از این جریان ها به عنوان حربه ای برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان و مشغول مردن مردم به این گونه مسائل و تضعیف کردن موقعیت امامان شیعه و مبانی فکری اهل بیت(ع) استفاده می کردند. در این جان به طور اختصار به تعدادی از جریان شیعی و غیر شیعی خواهیم پرداخت.

## الف: غلو

ماده غلو به معنای تجاوز از حد است، اما اگر در مورد تجاوز به مقام و منزلت کسی باشد غلو گفته می شود.<sup>۱۵۷</sup> منظور از غلو در بین ائمه معصومین (علیهم السلام) اعطای مقام الوهیت به آنان و یا شراکت آنان در معبودیت خلق و رزق با خداوند می باشد به طوری که موجب انکار ضروریات دین شود.<sup>۱۵۸</sup>

در اصطلاح اصحاب ادیان و ارباب ملل و نحل، غلو اعتقاد به الوهیت بشر است در جهتی از جهات خدایی یا صفتی از صفات الهی و یا اعتقاد به حلول خداوند در افراد است.<sup>۱۵۹</sup> در منابع کلامی و رجالی شیعه، استعمال این واژه در مورد افرادی است که گرفتار عقاید فاسد و انحرافی غلو آمیز مانند عقیده به الوهیت و خدایی ائمه (علیهم السلام) یا عقیده به نبوت آن بزرگواران شده اند یا صفات مخصوص به خداوند را مانند خالقیت و رازقیت به ائمه (علیهم السلام) نسبت دهند.

شیخ مفید می فرماید: غلات کسانی هستند که تظاهر به اسلام می کنند، درحالی که نسبت خدایی و نبوت به امیرالمومنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) می دهند.<sup>۱۶۰</sup>

## علل و عوامل پیدایش اعتقادات غلو آمیز

عوامل و انگیزه های متعددی را در پیدایش عقاید غلوآمیز موثر دانسته اند که موجب گردیده اتحاد مسلمانان را که در صدر اسلام با زحمات و تلاش طاقت فرسای پیامبر (ص) و اصحاب آن بزرگوار به دست آمده بوده را به هدر بدهد.

## ۱- نادانی و تعصب

هر وقت که جهل و تعصب حاکم شود عقاید ناخالص و ناروا به جای عقاید حق می نشیند. در این زمینه مناسب است که اولین برخورد غلوآمیز را که عمر ابن خطاب پیرامون رحلت پیامبر

۱۵۷. محمد مرتضی حسینی، تاج العروس، ۲۰ ج، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۲۸.

۱۵۸. روح الله خمینی (ره)، تحریرالوسیله، چاپ اول، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۸.

۱۵۹. محمد حلی، نقش غلو در انحراف عقاید و افکار، چاپ سوم، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

۱۶۰. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، محمد رضا جعفری، ۲ ج، چاپ اول، تهران، روشنائی مهر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۸.

(ص) گفته است را بیان کرد. شیخ مفید این نظریه را اساس تفکر برخی از غلات دانسته و معتقد است که عمر برای اولین بار آن را مطرح کرد و اولین خلاف بعد از رسول خدا (ص) سخن عمر ابن خطاب است که چنین می فرماید اولین اختلافی که بعد از پیامبر به وجود آمده، مخالفت عمر ابن خطاب با جماعت مسلمانان بر سر نفی مرگ پیامبر بود و ادعای وی که پیامبر زنده است. این خلاف منشاء مذهب محمدیه از غلات گردیده آنان به این عقیده باور دارند در حالیکه به اتفاق مسلمانان گمراهی است.<sup>۱۶۱</sup>

## ۲- نفوذ فکری عوامل بیگانه

از علل و عوامل پیدایش اعتقادات غلوآمیز، راه یابی اندیشه های عوامل بیگانه به اسلام را میان مسلمین ذکر کرده اند. برخی از پیروان دین یهود و نصاری که خود گرفتار غلو بوده اند، در ظاهر مسلمان شدند و عقاید انحرافی خود را وارد شریعت مقدس اسلام نمودند. آنان مضامین عهد عتیق و جدید را که به وسیله ی گروهی از علمای دین فروش تحریف و نسخ شده بود به صورت وحی الهی که برقلوب پیامبران پیشین نازل شده است در اختیار اجماع اسلامی قرار داده اند. در نتیجه یک رشته عقایدی را که به اسلام ارتباطی نداشت، در کلام الهی و قصص قران و حالات پیامبران، در بین مسلمین انتشار پیدا کرد.<sup>۱۶۲</sup>

## ۳- منع حدیث

آنچه بیش از هر چیز دیگر، عامل شکستن وحدت مسلمین و ایجاد اختلاف و پیدایش فرق و مذاهب گوناگون گردیده منع نگارش و نقل احادیث پیامبران (ص) بود. این مسأله سبب شد که اخبار و روایات صحیح رسول گرامی اسلام از اذهان و اندیشه ها، محو گردد و دومین حجت خدا پس از قران دستخوش نسیان و فراموشی شود.

علامه ی سید مرتضی عسکری در این باره می نویسد:

مسلماً از زمانی که مکتب خلفا باب حدیث از پیامبر (ص) را مسدود کرد، باب نقل روایات اسرائیلی به طور کامل به روی آنان را گشود. این امر بدین صورت شکل گرفت که به

۱۶۱. همان. ص ۹۹.

۱۶۲. محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲. ص ۳۴۶.

افرادی مانند کعب الاحبار یهودی اجازه داده شده تا احادیث اسرائیلی را به میل خو در میان مسلمانان گسترش دهند.<sup>۱۶۳</sup>

#### ۴- میدان دادن به داستان سرایان

یکی از مسائل قابل دقت و توجه این است که انسان در طول تاریخ به داستان سرایی و اسطوره سازی پرداخته است و علاقه ی خود را جهت بزرگنمایی از شخصیت ها و حتی اشیاء پیرامون خود نشان داده است. عوامل متعددی را می توان تاثیر گذار در این امر دانست، مثلا گاهی محبت افراطی به شخصی یا شیء، یا موضع گیری و بروز حساسیت در مقابل دیگران باعث این کار شده است. به دنبال همین مسأله است که گاهی راه را به خطا رفته و از به گزافه گویی و خارج شدن از حق تمسک می جوید و دچار غلو می شود.

#### ۵- معجزات و کرامات ائمه (ع)

از جمله علل پیدایش غلات دارای معجزه و دارای کرامت بودن ائمه (ع) بوده است تا جائی که علامه حلی می فرمایند: دلیل انحراف و خطای غلات این است که آنها معجزات و کرامت های امام علی (ع) را دیدند به همین خاطر ایشان را خدا یا پیامبر فرض کردند.<sup>۱۶۴</sup>

#### مهمترین های فرقه های غلات:

اکنون به بررسی برخی از مهمترین فرقه های غلات و افکار و عقاید آنان مطابق آنچه فرقه نویسان آورده اند می پردازیم.

#### ۱- غلو در مسیحیت

قران کریم در آیه ۱۷۱ سوره مبارکه نساء و آیه ۷۷ سوره مائده به صراحت غلو مسیحیان را در ارتباط حضرت عیسی (ع) مطرح نموده و با توجه به تفاسیر پیرامون آیات فوق روشن شده که

---

۱۶۳. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج۴، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۷۶.

۱۶۴. حسن بن یوسف حلی، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، چاپ دوم، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲.

اهل کتاب از یک طرف این عبد صالح و پیامبر بزرگ الهی را تا حد خدایی بالا برده اند و از طرفی با نسبت ناروا دادن به حضرت مریم(ع) شخصیت او را پایین آورده اند.

## ۲ - غلات بعد از اسلام

در منابع تاریخی آمده است که موسس و بنیان گذار تفکر غلو شخصی است به نام عبدالله بن سبا که اهل یمن و داری دین یهود بوده است و در عصر امام علی (ع) اندیشه های خود را آشکار کرد.<sup>۱۶۵</sup> ابن سبا دین اسلام را اختیار کرد و در بین مسلمانان می آمد و اندیشه های غلو آمیز خود را مطرح می کرد. او امام (ع) را خدا می دانست. همچنین آمده است که عبدالله بن سبا خود را پیامبر خواند و امام علی (ع) را خدای خود می دانست.<sup>۱۶۶</sup>

### فرقه سبائیه

پیروان عبدالله بن سبا هستند. عبدالله ابتدا علی (ع) را پیامبر دانست، سپس پنداشت که خداست<sup>۱۶۷</sup> عبدالله بن سبا مدعی نبوت شد و چنین می پنداشت که علی (ع) دارای مقام الوهیت است.

### فرقه بشاریه

پیروان بشار شعیری کوفی بودند. می گویند حضرت علی (ع) پروردگار خالق است که در خاندان علوی هاشمی جای گرفت.<sup>۱۶۸</sup>

### فرقه بیانیه

پیروان بیان ابن سمعان تمیمی نهدی هستند. او از معاصرین امام سجاد و امام محمد باقر (ع) بود.<sup>۱۶۹</sup> و امام علی (ع) را خدا شمرد و معتقد به تناسخ و رجعت شد.<sup>۱۷۰</sup>

---

۱۶۵. محمد جواد مشکور، ص ۲۲۴.

۱۶۶. همان، ص ۲۲۵.

۱۶۷. ابن سینا، معراج نامه، بهمن کریمی، بی چا، رشت، بی نا، ۱۳۵۲، ص ۲۹.

۱۶۸. سعد بن عبدالله اشعری قمی، ص ۵۹.

۱۶۹. محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ۱۲ج، چاپ دوم، قم، انتشارات الاسلامیه، ۱۴۱۰ ه ق. ج ۲، ص ۳۶۶.

۱۷۰. سعد بن عبدالله اشعری قمی، ص ۳۴.



### فرقه خطابیه

آنها پیروان ابوالخطاب محمد ابن مقلاص بن راشد منقری بودند. می گفت که امام صادق (ع) خدای روزگار خویش است.<sup>۱۷۱</sup>

### فرقه سریه

پیروان سری اقسام بودند. او می گفت امام صادق (ع) خدا می باشد و او همان اسلام است و اسلام همان سلام است و سلام همان خداوند است و ما فرزندان اسلام هستیم..<sup>۱۷۲</sup>

### فرقه بشیریه

پیروان محمد ابن بشیر کوفی بودند.<sup>۱۷۳</sup> وی از واقفه بود و می گفت که امام موسی بن جعفر (ع) فرموده است که بعد از وی او امام است.<sup>۱۷۴</sup>

### ب: معتزله

اعتزال به معنایی کناره گیری و دوری جستن، منزوی شدن و گوشه گرفتن است.<sup>۱۷۵</sup> در علم فرقه شناسی یکی از مکاتب مهم و پر سر و صدا در اسلام است که در اوایل قرن دوم هجری قمری توسط شخصی به نام واصل بن عطاء<sup>۱۷۶</sup> پایه گذاری شده است. واصل بن عطاء از شاگردان حسن بصری است. هم چنین آمده است که واصل بن عطا شاگرد ابو هاشم عبد الله بن محمد بن حنفیه است و این عبد الله خود شاگرد پدرش محمد که شاگرد حضرت علی (ع) بوده است بود.<sup>۱۷۷</sup> تفکر مکتب معتزلی مخالف اصلی اهل حدیث بوده است. معتزلی ها راه حل اثبات تمامی مسائل شرعی را عقل می دانستند و اگر نقلیات وارد شده در تعارض با عقل بودند

---

۱۷۱. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص

۱۳۶.

۱۷۲. سوره مائده، (۶) آیه ۱۸.

۱۷۳. محمد بن عمر کشی، ج ۲، ص ۷۵۵.

۱۷۴. سعد بن عبدالله اشعری قمی، ص ۱۹۱.

۱۷۵. علی اکبر دهخدا، ج ۲، ص ۱۳۰۶.

۱۷۶. سید محسن امین عاملی، ج ۱، ص ۶۹.

۱۷۷. همان.

همه آنها را کنار می زدند.<sup>۱۷۸</sup> معتزلی ها دارای پنج اصل بودند که هر کس به آنها اعتقاد داشته باشد معتزلی خوانده می شود. اصول آنها عبارتند از: اصل توحید، اصل عدل، اصل وعد و وعید، اصل منزله بین المنزلتین و اصل امر به معروف و نهی از منکر<sup>۱۷۹</sup>

### ج: اشاعره

مذهب اشعریه یکی از نامدارترین مذاهب کلامی اهل سنت است که در قرن چهارم هجری قمری توسط ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری به وجود آمده است. ابوالحسن اشعری متوفای (۳۳۰ هجری قمری) در بصره به دفاع از عقاید خود و مخالفت با تفکرات معتزله برخاست و مکتب کلامی او در میان اهل تسنن شهرت یافت.<sup>۱۸۰</sup> اشعری در ابتدا معتزلی مذهب بود ولی به دلیل ناتوانی استادش ابوعلی جبایی در پاسخ به سوالاتش از مذهب معتزله روی گرداند.<sup>۱۸۱</sup> ابوالحسن اشعری در سخنوری و مناظره مهارت داشت و مناظره او با استادش ابوعلی جبایی و سخنرانی هایش در بصره در موفقیت و شهرتش نقش زیادی داشته اند. اشعری علاوه بر سخنرانی و مناظره برای اثبات دیدگاه های کلامی خویش دست به تألیف هم زده است و کتابهایی در این زمینه نوشته است که معروف ترین آنها کتاب مقالات الاسلامیین می باشد. اشاعره بر خلاف معتزله که متکی بر روش عقلی برای استنباط احکام شرعی هستند معتقدند که استفاده از عقل در فهم مسائل شرعی ضرورت دارد اما استفاده از آن مطلق نیست بلکه باید مقید به نص باشد و گرنه عقل به تنهایی به گمراهی می رود. آنها در هنگام تعرض میان عقل و نص جانب نص را می گرفتند و بر این عقیده بودند که عقل باید از نص و نقل در هنگام تعارض تبعیت کند. ابوالحسن اشعری و پیروانش دارای برخی اصول اعتقادی هستند که عبارتند از: زائد بودن صفات بر ذات خدواند،<sup>۱۸۲</sup> قدیم بودن کلام خدا،<sup>۱۸۳</sup> قابل روئیت بودن

۱۷۸. عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ اول، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۰۸ق. ص ۹۹.

۱۷۹. اسد حیدر، الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، ۴ج، چاپ پنجم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۴۲ق. ج ۲، ص ۱۱۶.

۱۸۰. علی ربانی گلپایگانی، ص ۲۲۳.

۱۸۱. مهدی فرمانیان، آشنایی با فرق تسنن، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۹. ص ۱۰۱.

۱۸۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، غفاری، ۲ ج، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۴.

خداوند،<sup>۱۸۴</sup> و جوب نصب امام بر خلق،<sup>۱۸۵</sup> در مورد صحابه نباید جز به نیکی یاد کرد و اینکه خداوند متعال خود خالق همه اعمال بندگان است و بندگان اختیاری از خود در خلق افعال خویش ندارند<sup>۱۸۶</sup>

## د: واقفه

### واقفه در لغت و اصطلاح

وقف در لغت به معنی ایستادن، درنگ کردن و یا خوداری از اظهار نظر قطعی در یک مسأله است.<sup>۱۸۷</sup> و در اصطلاح وقف یعنی انتقال نیافتن امامت از امامی به جانشینی او، بدین معنی که وی مهدی است، زنده است و پس از امامی نیست.

اما در اصطلاح خاص مقصود از واقفه کسانی هستند که بر امام کاظم (ع) توقف کرده اند و امامان پس از آن حضرت را نپذیرفتند و متبادر به ذهن از واقفه همین معناست. و آنچه که در اینجا به آن می پردازیم همین اصطلاح واقفه به معنای خاص است.

### شکل گیری واقفه

بعد از به شهادت رسیدن امام موسی کاظم (ع) در سال ۱۸۳ هجری، عده ای از یاران و وکلای آن حضرت منکر شهادت امام (ع) شده اند. آنها می گفتند که موسی بن جعفر (ع) نمرده و زنده است و نمیرد تا اینکه شرق و غرب زمین از آن او گردد و گیتی آکنده از ستم را پر از داد کند. و او مهدی قائم است. در این باره روایاتی از پدرش جعفر بن محمد (ع) آورده اند که آن جمله این است: «هو القائم المهدی فان ید هده راسه علیکم ین جیل فلا تصدقوا فانه القائم» یعنی «او مهدی قائم است و اگر ببینید سر او از کوهی غلتان غلتان از کوهی فرود می آید، باور نکنید و بدانید که او زنده و قائم است».<sup>۱۸۸</sup>

۱۸۳. عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۶۱.

۱۸۴. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، ص ۱۳۹.

۱۸۵. محمد تقی مجلسی، حیاة القلوب، ج ۶، چاپ ششم، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۶.

۱۸۶. همان.

۱۸۷. علی اکبر دهخدا، ج ۱۵، ص ۴۳۵.

۱۸۸. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴، ص ۸۱.

برخی گفته اند که او امام قائم است و امامی جزء او نمی باشد، ولی پس از مرگ بازگشته و در جایی پنهان شده و یاران او با وی دیدار می کنند و او به ایشان امر و نهی می فرماید.<sup>۱۸۹</sup> برخی گفته اند که او مرده است ولی دوباره بر می خیزد و مانند حضرت عیسی (ع) است. جزء اینکه عیسی هنوز بازگشته ولی او باز می گردد و قیام کند و گیتی ستم و بعد او گرفته را پر از داد کند. آنها قائل هستند که پدرش درباره وی فرموده است که او به عسبی بن مریم می ماند و به دست فرزندان عباس کشته شود.<sup>۱۹۰</sup>

برخی از آنها کشته شدن او را انکار کردند و گفتند که ایشان مرده است ولی خداوند او را به نزد خود به آسمان برد و در قیامتش دیگر بار او را باز می گرداند. همگی آنها واقفه نامیده می شوند زیرا بر امام موسی بن جعفر (ع) وقوف و درنگ کرده اند و گفته اند که او امام قائم است و پس از وی چشم به راه امامی نبوده و به امام دیگری نگوید.<sup>۱۹۱</sup>

### علل شکل گیری واقفه

پیدایش و گسترش واقفیه و منحرف شدن این عده از امامیه را می توان در شش عامل توضیح داد.

#### ۱- درک نادرست از مهدویت

در اندیشه و عقاید واقفی ها امام موسی بن جعفر (ع) زنده است و او همان قائمی است که زمین را پس از پر شدن از ظلم و جور سرشار از عدالت خواهد کرد. ادعای آنها روایاتی است که از امام صادق (ع) شنیده اند. یکی از این روایات آن است که امام فرمودند: نام قائم نام صاحب تورات است.<sup>۱۹۲</sup> یا اینکه امام در روایتی دیگر فرمودند که موسی به عیسی خیلی شباهت دارد.<sup>۱۹۳</sup> که منظور همان زنده بودن حضرت عیسی (ع) می باشد. در روایت دیگری از

۱۸۹. همان

۱۹۰. همان.

۱۹۱. همان.

۱۹۲. محمد تقی مجلسی، زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ع)، خسروی، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷، ص

۲۳۵.

۱۹۳. همان.

امام صادق (ع) آمده است که او امام قائم است پس اگر سرش را برای شما از کوه هدیه آوردند باور نکنید زیرا او قائم است.<sup>۱۹۴</sup> گستردگی چنین روایاتی در آن زمان باعث گفتگو و جدل هایی میان مردم شده است تا جایی که شخصی به نام حسن بن حسن از امام موسی بن جعفر (ع) پرسیدند که قائم شما هستید؟ و حضرت در جوابش فرمودند: که ائمه همه در زمان خود قائم به امامت هستند تا زمانی که امامت را به امام بعدی تحویل دهند و جانشین من هم فرزندانم علی می باشد.<sup>۱۹۵</sup>

## ۲- وجود اموال فراوان نزد برخی یاران امام موسی بن جعفر (ع)

یکی از مهمترین عوامل بروز واقفیه طمع ورزی برخی از وکلاء و اصحاب امام (ع) بوده است طمع ورزی برخی از وکلاء را بر آن داشت تا برای تصاحب این اموال به انکار شهادت امام موسی بن جعفر (ع) و انکار ولایت امام رضا (ع) بپردازد. امام رضا (ع) این اموال را مطالبه نمودند ولی آنها منکر این اموال شدند. از جمله آنها می توان به عثمان بن عیسی الرواسی، زیاد بن مروان، علی بن حمزه<sup>۱۹۶</sup> و حیان السراج نام برد.<sup>۱۹۷</sup>

## ۳- لجاجت و دشمنی

در بررسی زندگی بزرگان فرقه های انحرافی لجاجت و تعصب را می توان به خوبی پیدا کرد. واقفیه نیز از این قائده مستثنی نیست. این عده حتی با ادله و شواهد قطعی بر شهادت امام موسی بن جعفر (ع) و دیدن معجزات مختلف از امام رضا (ع) از روی تعصب و عناد بر اعتماد فاسد خود باقی می ماندند. و حتی به کلام موسی بن جعفر (ع) در ارتباط با جانشینی فرزندش امام رضا (ع) اشاره می کنند ولی با این حال به آن معتقد نیستند. از جمله اینها می توان به علی بن ابی حمزه<sup>۱۹۸</sup> و حسن بن محمد بن سماعه<sup>۱۹۹</sup> اشاره کرد.

۱۹۴. همان.

۱۹۵. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۲.

۱۹۶. محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱۰، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۴۸، ص ۲۵۲.

۱۹۷. همان، ص ۲۶۶.

۱۹۸. احمد بن علی نجاشی، ص ۴۰۵.

۱۹۹. ابن داود خلی، رجال ابن داود، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۴۴۳.

۴- تقویت و توسعه سازمان وکالت

گسترده‌گی و تقویت سازمان وکالت که در عصر امام صادق (ع) بنا به ضرورت ارتباط میان ائمه و اصحاب و یاران تشکیل شده است در عصر امام موسی بن جعفر (ع) باعث شده است که عده ای بر این باور باشند که امام به دلیل تقویت شبکه وکالت به دنبال تشکیل حکومت باشد و از آن جایی که مد نظر آنها از حکومت همان حکومت مهدی و قائم باشد باور اینکه امام موسی بن جعفر (ع) مرده باشد برای آنها سخت بود و معتقد بودند که امام (ع) در غیبت هستند تا به موقع حکومت آرمانی مهدوی را بنا کنند.<sup>۲۰۰</sup>

۵- طولانی بودن زندان امام موسی بن جعفر (ع)

به نظر می‌رسد می‌توان به طولانی شدن زندان حضرت (ع) در زندان خلفای عباسی و دور از دسترس بودن ایشان از دلایل تشکیل فرقه واقفه اشاره کرد زیرا ضمن اینکه امام (ع) مدت طولانی دور از چشم یاران و اصحاب بوده است در همان زندان هم به شهادت رسیدند و این عدم ارتباط گیری بین امام و یارانش عده ای را قانع کرده باد که امام نمرده است بلکه در پس پرده غیبت می‌باشد و روزی ظهور خواهد کرد.

۶- در پیش گرفتن امر تقیه<sup>۲۰۱</sup>

تقیه نزد همه ائمه (ع) جهت حفظ تشکیلات و یاران آنان امری مرسوم و مورد تأکید بوده است تا جایی که امام صادق (ع) جهت حفظ جان امام بعد از خودش از دست خلفای ظالم بنی عباس چهار نفر را وصی خود قرار داد: منصور، عبد الله افطح که پسر آن حضرت بود، یکی از دخترانش به نام فاطمه و حضرت موسی بن جعفر (ع)<sup>۲۰۲</sup>. و این قضیه می‌توانسته است جهت حفظ جان امام بعد از خودش، حفظ یاران و اصحاب و سامان دهی آنها بسیار

---

۲۰۰. عبدالکریم حسن پور، بستر شناسی فرقه واقفه، مجموعه مقالات همایش و سیره و زمانه امام موسی کاظم (ع)، چاپ اول، قم، انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۹۲. ص ۱۸۸.

۲۰۱. تقیه در کلام امام کاظم (ع) یعنی رازداری و با پوشش عمل کردن است. امام کاظم (ع) می‌فرماید: تقیه از برنامه های من و امامان قبل از من می‌باشد و هر کس به تقیه عمل نکند در حقیقت ایمان ندارد. (عاملی، حر، وسائل الشیعه، نرم افزار نور السیره.)

۲۰۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۳۶۷.

مؤثر باشد. حتی آمده است که امام کاظم (ع) در جاهایی نام خودش را از احادیث حذف می کرد و به جای آن از کلماتی مانند: صابر، ابو ابراهیم، یا حتی عن رجل استفاده می کرده است.<sup>۲۰۳</sup>

### ۵: زیدیه

از جمله فرقه ها شیعی که پس از پیامبر اکرم (ص) امام علی (ع) را به عنوان اولین امام و جانشین برحق ایشان می دانند فرقه زیدیه می باشد آنها پس از امام علی (ع) معتقد به امامت امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) می باشند. اما بعد از این دو امام بزرگوار معتقد هر کسی که از فرزندان آنها باشد و علیه ظلم و ستم قیام کند امام بعد از آنها خواهد بود به همین دلیل امام بعد از امام حسین (ع) از نظر اینها زید بن علی بن حسین (ع) است. عده ای گفته اند که زیدی ها امامت علمی امام سجاد (ع) را پذیرفته اند اما به امامت سیاسی ایشان اعتقادی ندارند و علت هم همان دعوت به قیام است که آن را آنها از شرایط امامت می دانند و امام سجاد (ع) را به دلیل قیام نکردن امام سیاسی نمی دانند.<sup>۲۰۴</sup> فرقه زیدیه از جمله فرقه هایی است که در عصر امامت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و به دلایل سیاسی از شیعیان امامی جدا شده اند و به دلیل قیام های مهم و پی در پی رشد کرده اند.<sup>۲۰۵</sup>

### فرقه های زیدیه

صاحب کتاب الفرق بین الفرق می نویسد: فاما الزیدیه ثلاث فرق و هی الجارودیه و السلیمانیه و البتیره و هذا الفرق الثلاث یجمعها القول بامامه زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی ایام خروجه و کان ذالک فی زمن هشام بن عبدالملک.<sup>۲۰۶</sup>

---

۲۰۳. همان، ص ۳۶۹.

۲۰۴. علی ربانی گلپایگانی، ص ۷۵.

۲۰۵. علی آقا نوری، خاستگاه تشیع، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵.

۲۰۶. عبدالقاهر بغدادی، ص ۱۷.

## و: اسماعیلیه

با شهادت امام صادق(ع) در سال ۱۴۸ ق شیعیان و پیروان آن حضرت به چند گروه تقسیم شده اند که یکی از مهمترین این گروه ها اسماعیلیه می باشند. شاید بتوان گفت علت به وجود آمدن این گروه ها سخت گیری ها، فشارها و جو خفان آمیز آن روز دولت بنی عباس بوده است که امام صادق (ع) را مجبور به این کرده است که حتی منصور داوینقی را هم در کنار همسر و فرزندان وی بعد از خود قرار دهد.<sup>۲۰۷</sup> به هر حال بعد از شهادت امام صادق(ع) گروهی از پیروانش که از جمله آنها بزرگان شیعه بودند امامت امام موسی بن جعفر (ع) را پذیرفته اند و در جمع معتقدان به امامت ائمه اثنی عشری قرار گرفته اند که به این گروه موسویه هم گفته می شود. گروه و دسته ای دیگر از آنها هم مرگ امام صادق(ع) را انکار کرده اند و مدعی مهدویت ایشان شده اند و کسی را به عنوان جانشین و وصی نپذیرفته اند که این دسته هم به ناووسیه معروف هستند.<sup>۲۰۸</sup> عده ای دیگر امامت عبدالله فرزند دیگر امام صادق(ع) را پذیرفتند و مدعی شده اند که او وصی پدرش می باشد. در تاریخ به این دسته فطحیه می گویند. گروهی هم امامت محمد دیباج یکی دیگر از فرزندان امام را پذیرفتند ولی محمد دیباج خود با ایشان در این عقیده همراهی نکرد و خیلی زود از بین رفتند. به این گروه سمطیه می گفتند.<sup>۲۰۹</sup> اما پنجمین گروه که از مهمترین انشعابات شیعه هم می باشند و بعد از شیعه اثنی عشری بیشترین اقلیت شیعی را به خود اختصاص داده اند فرقه اسماعیلیه هستند. این گروه معتقدان به امامت اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق(ع) هستند. اما همین گروه هم به علت مرگ اسماعیل در زمان حیات امام صادق(ص) دو دسته شده اند، یکی اسماعیلیه خالص که معتقدند اسماعیل در زمان پدرش از دنیا نرفته است بلکه ایشان زنده هست و نمی میرد تا زمانی که حاکمیت بر زمین را در اختیار بگیرد و او همان مهدی قائم است.<sup>۲۱۰</sup> اما دسته دوم که مبارکیه یا قرامطه<sup>۲۱۱</sup> نام دارند

---

۲۰۷. فضل بن حسن طبرسی، ص ۳۵۶.

۲۰۸. همان. ص ۵۷۰.

۲۰۹. حسن بن موسی نوبختی، ص ۷۸.

۲۱۰. سعد بن عبدالله اشعری قمی، ص ۸۱.



بر این اعتقادند که اسماعیل مرده است اما پس از امام صادق (ع) فرزند اسماعیل یعنی محمد امام و وصی ایشان می باشد. آنها علت وصی دانستن محمد را این می دانند که امامت از برادر به برادر نمی رسد و امام شدن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) یک استثنا بوده است. به همین علت امام پس از اسماعیل پسرش محمد می باشد. فرقه اسماعیلیه بعد از چند سال که از عمر آنها گذشت توانسته اند دولت مقتدر فاطمیان مصر را تشکیل دهد و چندین سال بر قسمتی از سرزمین های اسلامی حکومت کردند.

### ز: قائلین به امامت جعفر کذاب، گروه نفیسیه، و محمدیه

در عصر امام عسکری (ع) گروهی معتقد به امامت جعفر بن علی الهادی (ع) برادر امام حسن عسکری (ع) شدند و گروهی دیگر هم معتقد بودند که محمد فرزند دیگر امام هادی (ع) امام و جانشین بعد از ایشان است و منکر امامت امام حسن عسکری (ع) شده اند. گروهی دیگر هم به نام محمدیه قائل به مهدویت محمد بن علی الهادی شده اند با وجود اینکه ایشان در حیات امامهادی (ع) وفات کرده است. در فصل بعد در ارتباط با این گروه که در عصر امام عسکری (ع) ظهور کرده اند توضیح خواهیم داد.

### ی: تصوف

تاریخ نشان می دهد که این گرایش، حتی قبل از اسلام در یونان و هند و کشورهای مختلف آسیا و اروپا وجود داشته طریقه کلبیین در یونان قدیم که یک نوع روش صوفیانه بوده، و گرایشهای مرتاضان هندو و رهبان مسیحی نیز آب و رنگ تصوف دارد. در قرن اول اسلام اثری از گرایشهای صوفی گری در محیط اسلامی دیده نمی شود؛ ولی از قرن دوم که اسلام گسترش زیادی پیدا کرده است و به دنبال آن علوم و تمدنهای بیگانه از طریق ترجمه به محیط های اسلامی راه یافت، مترجمین که خود دارای گرایش های خاصی بودند در انتقال تصوف به محیط های اسلامی سهم فراوانی داشتند. این اتفاق از زمان بنی عباس که برای ترجمه ی علوم

تمدنهای دیگر تلاش زیادی کرده اند رونق فراوانی گرفت و از جمله آنها مسلک تصوف بوده که تدریجاً در میان مسلمین نفوذ پیدا کرد.<sup>۲۱۲</sup>

### ک: اهل حدیث

اهل حدیث گروهی از علمای اسلام هستند که از اصل با علم کلام، یعنی بحث عقلی در مسائل اصولی اسلامی، مخالف شدند و آن را حرام و بدعت دانستند.<sup>۲۱۳</sup> این گروه که در گرد آوردی حدیث می کوشند، در استنباط احکام از نصوص بیرون نمی شوند و از قیاس به شدت می پرهیزند. آنها در استنباط احکام شرعی منابع خود را منابع خود را به کتاب و سنت منحصر کرده و به نقش عقل در استنباط شریعت اعتنایی نداشتند. به همین سبب آنها را اهل ظاهر نیز خوانده اند. در برابر اصحاب حدیث، رأی گرایان دریافت های عقلی خود را در استنباط احکام دخالت می دهند و از این رو به آنها اهل قیاس گفته اند.

### مهمترین اصول اهل حدیث

ما در اینجا فقط به چند اصل مهم اشاره می کنیم، زیرا تعدادی از اصول آنها یا مشترک هستند با دیگر فرق اسلامی یا اینکه اهمیت چندانی ندارند.

- ۱- قرآن کلام الله است و مخلوق نیست و مخلوق بودن قرآن هم به جای ضرری نمی زند و اگر کسی مخالف این حرف باشد بدعت گذار است.
- ۲- بهشت و جهنم مخلوق هستند و هر کس این را رد کند مکذب قرآن و احادیث نبوی است.
- ۳- آنها معتقدند که می توان خدا را در قیامت دید. خداوند دست دارد پا دارد، چشم دارد. آنها می گویند که پیامبر (ص) خدا را دیده است.
- ۴- بهترین مردم بعد از پیامبر اکرم (ص) ابوبکر، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان و بعد اصحاب شوری هستند.

---

۲۱۲. ناصر مکارم شیرازی، جلوه حق، چاپ ششم، قم، مدرسه امیر المومنین ع، ۱۳۸۳، ص ۱۹.  
۲۱۳. مرتضی مطهری، کلیات علوم اسلامی، ۲ ج، چاپ سوم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، ص ۲۴.

۵- باید راضی به قضا و قدر الهی باشی و کسانی که قایل به این قضا و قدر نیستند بدعت گذار هستند.

### ل: مشبهه

یکی از جریانهای کلامی جریان فکری مشبهه یا اهل تشبیه است.

عنوان مشبهه از آن دسته عنوانهایی است که طرفهای مختلف نزاعهای کلامی یکدیگر را به آن متهم می کنند<sup>۲۱۴</sup> و متهم شدگان نیز از آن می گریزند یا از آن تبرئه می شوند.<sup>۲۱۵</sup> مشبهه دو طایفه را در بر می گیرد: یک دسته کسانی هستند که خدا متعال را به انسانها و بقیه آفریدگان تشبیه می کنند و دوم کسانی هستند که انسان هایی را که در نگاه آنان بزرگ بوده اند به خداوند تشبیه می کردند. نویسنده کتاب فرق و مذاهب کلامی بعد از نفوذ عقاید پیروان دیگر ادیان و مذاهب آیات تشابه درباره صفات خداوند را هم زمینه ساز این عقیده می دانند زیرا در این آیات، صفاتی برای خداوند ثابت شده است که مفاد ظاهری و ابتدایی آن همان تشبیه و تجسیم است.<sup>۲۱۶</sup> بغدادی در یک دسته بندی مشبهه را به دو گروه تقسیم می کند: گروهی که ذات خدا را به غیر او تشبیه کرده اند و گروهی که صفات او را به صفات غیر تشبیه کرده اند. ایشان سپس نخستین خاستگاه تشبیه را غالیان شیعه معرفی می کند که بیانیه، سبائیه، مغیریه، منصوریه، خطابییه، حلولیه و حلمانیه در شمار گروه دسته نخست و البته از دین خارجند اما گروههای دیگری هستند که به دلیل پذیرفتن ارکان اسلام در شمار مسلمانان جای دارند و اینان گروههای چون هشامیه منصوب به هشام بن حکم و هشام بن سالم، یونسیه، مشبهه منسوب به داود جورابی، ابراهیمیه، خابطیه و کرامیه از این دسته اند.<sup>۲۱۷</sup>

---

۲۱۴. عبدالقاهر بغدادی، ص ۳۰۳.

۲۱۵. حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

۲۱۶. علی ربانی گلپایگانی، ص ۴۲۹.

۲۱۷. عبدالقاهر بغدادی، ص ۲۱۷.

### م: حشویه و تشبیه

حشویه از فرق افراطی اهل سنت است آنها به ظواهر قرآن عمل می کنند هر چند مخالف با دلیل قطعی باشد. این گروه برای اثبات رأی خود جعل حدیث می کردند<sup>۲۱۸</sup> شهرستانی در این باره گفته است:

حشویه احادیث دروغی را در این باره از یهود گرفته و آنها را وارد احادیث اسلامی کردند و آن هم به این دلیل است که تشبیه جزء طبیعت مذهب آنان است، تا آنجایی که گفته اند خداوند متعال بر طوفان حضرت نوح(ع) آنقدر گریه کرد که به درد چشم مبتلا شد و فرشتگان به عیادت او رفته اند. آنها همچنین به نقل از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده اند که ایشان فرموده اند: خداوند دست خود را میان دو کتف من گذاشت و من اثر سردی انگشتان او را احساس کردم.<sup>۲۱۹</sup>

### ن: تفویض

تفویض در لغت به معنای واگذار کرده و سپردن به دیگری است و در اصطلاح به معنای واگذار کردن امور به انسان توسط خداوند متعال است.<sup>۲۲۰</sup> با پیدایش اسلام بحث آزاد بودن یا مجبور بودن انسانها مطرح گردید و دو جبهه مخالف را به عنوان جبهه تفویضی و جبهه جبریون پدید آورد و موجب مطرح شدن بسیاری از مسائل گردید. برخی از آیات قرآن گواهی بر این است که عده ای از مشرکان و یا حتی همه ی آنان اعمال خود را از طریق علم پیشین الهی و اراده دیرینه او توجیه کرده و می گفتند: پرستش بتها ساخته و پرداخته خداوند است و اگر خداوند اراده نمی کرد ما هرگز به شرک آلوده نمی شدیم. این اندیشه حتی در میان صحابه و رسول اکرم (ص) هم وجود داشته است که برخی را کتابهای تاریخی ضبط کرده اند. و از آن جمله نقل عبدالله بن عمر است که می گوید: مردی بر ابوبکر وارد شده و سوال کرد که عمل زشتی

---

۲۱۸. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ۱۰ ج، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۱.

۲۱۹. محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲۲۰. علی ربانی گلپایگانی، ص ۲۱۵.

مانند «زنا» به تقدیر الهی انجام می‌گیرد؟ خلیفه جواب داد آری و مرد عرب گفت پس اگر چنین است چرا مجازات می‌کنی و خلیفه در جواب گفت ای فرزند انسان کثیف، اگر کسی همراهم بود دستور میدادم بینی تو را نرم کنند.<sup>۲۲۱</sup> همین فکر بعد از به عنوان ابزاری برای تسلط بر جامعه توسط اموی‌ها مورد حمایت واقع شده و برای ترویج و رواج دادن آن می‌کوشیدند و آن را مایه بقاء حکومت خود می‌دانستند، و از این رو مردم گرسنه و برهنه‌ی مخالف خود را از انقلاب و شورش بر علیه حکومت باز می‌داشتند. و می‌گفتند: آنچه در جامعه می‌گذرد همگی تقدیر و معشیت الهی است و کسی نمی‌تواند بر این تقدیر اعتراض کند.

### س: تنویه

ثنویان یا همان دوگانه پرستان به کسانی گفته می‌شده است که قائل به قدیم بودن نور و ظلمت بوده‌اند.<sup>۲۲۲</sup> دوگانه پرستان معتقد بودند که نور و ظلمت هر دو در قدیم بودن مساوی هستند آنها همچنین معتقدند که هر مخلوقی مخلوق خلق اول است. این دسته که قبل از امامت امام عسکری (ع) هم در جامعه اسلامی وجود داشته‌اند و مورد توبیخ ائمه (ع) قرار گرفته بودند.

---

۲۲۱. عبدالرحمن بن ابی بکر، سیوطی، تاریخ خلفا، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۷، ص ۹۵.

۲۲۲. عبدالکریم شهرستانی، ج ۲، ص ۶۰۲.

## فصل سوم

# نحوه مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان های انحرافی

## شیعی

عصری که امام حسن عسکری(ع) در آن امامت و زعامت شیعیان را بر عهده گرفته است یکی از پر فراز و نشیب ترین عصر های امامت ائمه (ع) بوده است. عصری که در آن بی بند و باری سیاسی، یعنی قدرت بیش از حد ترکان، تغییر و جا به جایی خلفای عباسی توسط ترکان، مرگ خلفای عباسی توسط ترکان و فرهنگی یعنی وجود فرقه ها و نحله های مختلف فکری و فرهنگی موج می زند. خلفای عباسی که در این ایام دارای کمترین قدرت سیاسی هستند چنان جو خفقان آمیزی را بر علیه امام حسن عسکری(ع) و شیعیان و اصحابش پدید آورده اند که امام حسن عسکری(ع) به سختی می توانستند پاسخ گوی نیازهای شیعیان و اصحاب باشند. در این میان وجود فرقه های مختلف انحرافی شیعی که بعضا مورد حمایت حکومت وقت عباسی بوده اند به دنبال ترویج افکار و عقاید خویش شده اند و به شدت در این زمین فعالیت می کردند. اما امام حسن عسکری (ع) که باید جامعه شیعی را محیای ورود به دوره ای جدید یعنی آمادگی برای عصر غیبت امام عصر (عج) می کرد با وجود تمامی مشکلات و جاسوسان اطراف که از طرف دولت عباسی گماشته شده بوده اند روشنگری کرده است و هم به مبارزه جدی با تفکرات و فرق انحرافی پرداخته اند و هم اینکه یاران و اصحاب را محیای ورود به دوران غیبت کرده اند. در ادامه به نحوه مواجهه امام حسن عسکری(ع) با جریان های انحرافی شیعی خواهیم پرداخت.

## الف: شورش‌های منسوب به شیعه

### شورش صاحب الزنج

همانگونه که آورده شده است محمد بن احمد بن عیسی مشهور به صاحب الزنج، کسی است که خود را منتسب به خاندان ابوطالب (ع) کرده است. این شخص در سال ۲۵۵ هجری قمری شورش عظیم را علیه خلیفه وقت عباسی بر پا کرده است، قتل‌ها و غارت‌های زیادی را مرتکب شده است و از هیچ اقدام و عمل زشت و ناپسندی هم فرو گذاری نکرده است. از کشتار مردم بی دفاع و مظلوم گرفته تا آتش زدن اموال و خانه‌های مردم، ویران کردن مساجد، کشتن زنان، کودکان، سالخورده‌گان و منتسب کردن خودش به خاندان ابوطالب (ع)، همه این جنایت‌ها و ناپسندی‌ها امام حسن عسکری (ع) را وادار به واکنش و موضع‌گیری کرده است. امام حسن عسکری (ع) فرموده اند: صاحب الزنج لیس منا اهل البیت. ۲۳۳ در واقع امام حسن عسکری (ع) با این جمله کوتاه موضع قطعی خودش را هم در ارتباط با نسب صاحب الزنج و هم شورش و اقدامات ایشان بیان کرده اند.

### شورش ابن صوفی

در ارتباط با موضع امام حسن عسکری (ع) با این شورش مطلبی یا گزارش پیدا نشده است. اما می‌شود گفت علیرغم این که این شورش برای مقابله با حاکمان دولت غاصب عباسی صورت گرفت اما امام حسن عسکری (ع) به علت ظلم‌ها و جنایت‌هایی که در این شورش‌ها انجام می‌شده است آنها را تأیید و حمایت نمی‌کرده اند.

### موضع امام حسن عسکری (ع) در برابر قیام‌های شیعی هم عصر امامت خویش

با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه موضع خاصی از سوی امام حسن عسکری (ع) در ارتباط با قیام‌های علوی عصر خویش یافت نگردیده است، اما می‌توان گفت با عنایت به اوضاع سیاسی آن روز و فشارهای بسیار زیادی که از طرف خلفا و امرای عباسی بر شیعیان

---

۲۲۳. شیخ حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ۵ ج، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۴۰.



صورت می گرفت امام حسن عسکری(ع) موافق چنین قیام های نبوده است. چون امام می دانسته اند این گونه قیام ها بی نتیجه است و در نهایت منجر به شکست و کشته شدن شیعیان می شده است به همین خاطر امام (ع) به جای حمایت از حرکت های مسلحانه و بی نتیجه اقدام به کارهای فرهنگی می کردند و همان راه نهضت علمی و فکری ائمه (ع) پیشین خود را دنبال می کردند. از این رو امام حسن عسکری(ع) علاوه بر اینکه در هیچ قیامی شرکت نکرده اند از هیچ قیامی هم حمایت نکرده اند. هر چند که ممکن است امام (ع) نسبت به رهبران قیام ها مشکلی نداشته است و آنها افرادی فاضل و مومن بوده اند اما با توجه به شرایط سخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان امام حسن عسکری(ع) در این قیام ها وارد نشده اند.

## ب: فرقه ها

### واقفیه

یکی از گروه های انحرافی شیعی که به عنوان زندیق هم از آنها یاد شده است<sup>۲۲۴</sup> و در زمان امام عسکری(ع) حضوری قابل توجه داشته اند واقفیه بودند این گروه که بدعتی را بعد از شهادت امام موسی بن جعفر(ع) پایه گذاری کرده اند و منکر شهادت امام هفتم (ع) و امامت امام رضا(ع) شده اند<sup>۲۲۵</sup>. زمان شکل گیری آنان خیلی طولانی نبود و عمر زیادی نداشته است، اما با این وجود مناقشات بسیار جدی بین آنها و شیعیان در عصر امام عسکری(ع) شکل گرفته بود. واقفی ها به دلایلی از جمله: پیوستن تعداد زیادی از بزرگان شیعه که داری مقبولیت هم بوده اند به آنها، نوشتن کتاب های زیادی به عنوان الغیبه مثل کتاب الغیبه حسن بن علی بن حمزه، و الغیبه حمید بن زیاد<sup>۲۲۶</sup> که در اثبات اندیشه های خود نوشته اند، اکثر بزرگان آنها جزء وکلای امام کاظم (ع) بودند و در آخر اینکه این وکلا احادیث زیادی از امام (ع) در اختیار داشتند و می توانستند مورد تحریف قرار بگیرند، خطرناک تر از دیگر فرق انحرافی شیعی بودند که

---

<sup>۲۲۴</sup> . حمید رضا مطهری، زندقه در سده های نخستین، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص

۲۳۹.

<sup>۲۲۵</sup> . حسن بن موسی نوبختی، ص ۸۲.

<sup>۲۲۶</sup> . احمد بن علی نجاشی، ص ۱۳۳.

همین امر هم مورد توجه امام عسکری(ع) بوده است به همین دلیل مورد لعن، توییح و نفرین امام(ع) قرار گرفته اند.

### موضع امام (ع) در برابر واقفیه.

همانگونه که بیان شده است واقفیه علیرغم اینکه دوره شکل گیری آنها طولانی نبود امام مناقشات جدی با شیعیان امام عسکری (ع) داشته اند. این گروه که منکر از دنیا رفتن امام موسی کاظم(ع) شده اند دارای تعداد زیادی طرفدار و پیرو بوده اند. منابع تاریخی علت گمراهی آنها را انگیزه های مادی و منفعت طلبی می دانند. دلایلی از جمله پیوستن شخصیت های بزرگی از شیعیان به این گروه در کنار نگارش کتاب در اثبات اندیشه خود و در اختیار داشتن سازمان وکالت و همچنین در اختیار داشتن میراث روایی شیعه و امکان تحریف آنها باعث شده است که ائمه (ع) به مقابله این فرقه انحرافی پردازند. امام حسن عسکری(ع) با این گروه که دارای خطر جدی برای اندیشه ناب شیعی بودند برخورد های جدی داشته اند که به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

الف: تأکید بر دوازده امام بودن

امام حسن عسکری(ع) در روایتی درباره آنها فرمودند: کسی که امامت آخرین ما را انکار کند مثل این است که امامت اولین ما را هم انکار کرده است و کسی که تعداد ما را اضافه بداند مانند کسی است که از تعداد مان کاسته باشد و امامت ما را انکار کرده باشد.<sup>۲۲۷</sup>

ب: بیزاری جستن

امام حسن عسکری (ع) در جواب نامه احمد بن محمد بن مطهر که عمویش از فرقه واقفیه بوده است فرمودند: خداوند عمویت را رحمت نمی کند و از او تبرا می جوید و من هم نزد خداوند از او تبرا می جویم و تو هم از آنها بیزای بجوی و آنها را دوست مدار و با آنان

---

۲۲۷. محمد حسین حیدری، شکوه سامرا، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰. ص ۳۰۰.

همنشین مباش و بر جنازه‌های آنها نماز مگذار زیرا چنین کسانی که امامی را انکار کنند یا بر تعداد آنها بیفزایند برابر هستند با کسانی که قائل به تثلیث هستند.<sup>۲۲۸</sup>

ج: لعن و نفرین

ابراهیم بن عقبه می‌گوید از امام حسن عسکری (ع) سوال کردم که فدایت شوم من این گروه را شناخته‌ام آیا می‌توانم در قنوت نماز آنها را نفرین و لعن کنم، و حضرت در پاسخ من فرمودند که آری در قنوت نمازهایت بر آنها لعن و نفرین بفرست.<sup>۲۲۹</sup>

د: نگارش کتب بر رد واقفیه

یکی از اصحاب امام عسکری (ع) به نام حسن بن موسی الخشاب کتابی به نام الرد علی الواقفیه نوشته است.<sup>۲۳۰</sup>

ه: قطع ارتباط

امام عسکری (ع) به شیعیان می‌فرماید که: در تشییع جنازه واقفی‌ها شرکت نکنید به عیادت مریض‌های آنان نروید و و با آنها دوستی نداشته باشید.<sup>۲۳۱</sup>

### زیدیه

زیدیه فرقه‌ای شیعی و منتسب به زید بن علی بن الحسین (ع) است،<sup>۲۳۲</sup> زید که شاگرد پدرش امام زین العابدین (ع) و برادرش امام محمد باقر (ع) بوده است پس از برادرش امام باقر (ع) دارای شخصیتی ممتاز در بین برادرانش بود، او فردی عابد، با تقوا، شجاع و فقیه بود که به علت کثرت قرآن خواندن به حلیف قرآن هم معروف شده بود.<sup>۲۳۳</sup> زیدیه در منابع تاریخی شیعیان دوازده امامی مورد ستایش قرار گرفته است و نشانه‌ای از اینکه خود را امام معرفی

۲۲۸. قطب راوندی، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲۲۹. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۴۶۱.

۲۳۰. احمد بن علی نجاشی، ص ۴۳.

۲۳۱. اربلی، ج ۲، ص ۹۳۴.

۲۳۲. سعد بن عبدالله اشعری قمی، ص ۱۴۹.

۲۳۳. اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، چاپ اول، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۳۶.

کرده باشد در میان منابع دوازده امامی پیدا نشده است.<sup>۲۳۴</sup> اما بعد از شهادت ایشان عده‌ای از یارانش راه دیگری را انتخاب کرده‌اند که منجر به تشکیل فرقه‌ی زیدیه شده است. زیدی‌ها بعد از شهادت زید بن علی (ع) شروع به تبلیغ کردند که از دل این تبلیغات فرقه‌های زیدی مسلک جارودیه،<sup>۲۳۵</sup> صالحیه و ابتریه<sup>۲۳۶</sup> و سلیمانیه<sup>۲۳۷</sup> تشکیل شده است. قیام به سیف در اندیشه زیدی‌ها جایگاه بسیار مهمی دارد به همین دلیل بعد از شهادت زید قیام‌های متعددی از سوی آنها صورت گرفته است که تعدادی از این قیام‌ها در عصر امام عسکری (ع) رخ داده است. در این ایام قیام‌های به ظاهر ناموفق زیدیه همچنان ادامه داشت اما ظهور شخصیت‌های مهم زیدی همچون احمد بن عیسی بن زید (متوفای ۲۴۷ هـ) زیدیه را وارد مرحله جدیدی کرده است و با انتشار احادیث در مطرح شدن زیدیه و تثبیت آن به عنوان یک مذهب تلاش ویژه‌ای شده است، بعد از احمد بن عیسی شخصیت‌های مهم دیگر زیدی از قبیل قاسم رسی، یحیی بن حسین ملقب به هادی الی الحق، حسن بن علی بن حسین معروف به ناصر اطروش زیدیه را وارد مرحله جدیدی یعنی تشکیل دولت کرده است، با این اوصاف در قرن سوم هجری بعد از شیعیان داوزه امامی مهمترین فرقه شیعه در عصر امام حسن عسکری (ع) شیعیان زیدیه بودند. آن‌ها در آن زمان در یمن، طبرستان، و آفریقا زندگی می‌کردند. وبا توجه به اندیشه‌هایی که داشته‌اند به طور مرتب بر علیه عباسیان و دولت‌های آنان قیام می‌کردند. هر چند در بیشتر قیام‌ها شکست خوردند اما همانطور که بیان بعضی از آنها در عصر امام حسن عسکری (ع) توانسته بودند بر دولت‌های دست‌نشانده عباسی پیروز شوند و خود دولت زیدی تشکیل داده

---

۲۳۴. محمد تقی مجلسی، همان.

۲۳۵. بنیانگذار این فرقه ابو الجارود زید بن منذر، صحابی امام پنجم، محمد باقر (ع) بود پس از قیام زید بن علی، ابو الجارود از تابعیت امام باقر (ع) خارج شد و تعدادی از زیدی‌ها دور او جمع شده‌اند.

۲۳۶. پیروان حسن بن صالح بن حی و کثیرالنواء ملقب به ابتر بودند. و معتقدند چون که امام علی (ع) به میل و رغبت خودش امامت را به دیگران تفویض کرده است پس ما نیز به آنچه علی (ع) راضی شده است راضی هستیم. وهریک از فرزندان فاطمه (س) که شجاع باشد و قیام کند امام خواهد بود.

۲۳۷. پیروان سلیمان بن جریر هستند و معتقدند که امام از طریق شورا انتخاب می‌شود و از جانب خدا یا پیامبر انتصاب نمی‌شود.

اند. من جمله این دولت‌ها، دولت ادریسان در آفریقا<sup>۲۳۸</sup> و دولت علویان طبرستان<sup>۲۳۹</sup> به رهبری داعی کبیر در طبرستان بوده است.

### موضع امام (ع) در برابر زیدیه.

از دیگر انحرافات عقیدتی عصر امامت امام حسن عسکری (ع) تفکرات فرقه زیدیه بوده است. آنها که در عصر امام حسن عسکری (ع) مهمترین فرقه شیعه پس از امامیه بوده اند، در این ایام در برخی از بلاد اسلامی دولت تشکیل دادند و حکومت می کردند. زیدی‌ها از فرصت حکومت دار شدن در کنار جو نامناسب عصر بنی عباس استفاده کرده و شروع به شبهه افکنی می کردند. از این رو امام حسن عسکری (ع) و شاگردانش مجبور به واکنش و پاسخ به شبهات شده اند. یکی از شاگردان امام عسکری (ع) به نام حسین بن علی اشکیب کتابی به اسم الرد علی الزیدیه نوشت. امام هادی (ع) پدر بزرگوار امام حسن عسکری (ع) آنان را به نواصب تشبیه کرد.<sup>۲۴۰</sup> امام جواد (ع) هم با زیدیه بسیار تندی می کرد و اگر فردی از زیدی‌ها در مجالس او حاضر می شد می فرمودند که از مجلس اخراج شوند.<sup>۲۴۱</sup>

### اسماعیله

مذهب تشیع که در عصر امام باقر و امام صادق (ع) دارای نفوذ قدرت فراوانی شده بود نگرانی‌هایی را برای خلافت عباسی به وجود آورده است، به همین دلیل عباسیان که در عصر این دو امام بزرگوار خلافت خود را تثبیت و مستقر کرده اند به فکر جلوگیری از گسترش و نفوذ مذهب شیعه شده اند. از جمله کارهایی که در این باره انجام داده اند فرقه سازی و فرقه گرایی در مقابل مذهب تشیع بوده است. آنها پس از شهادت امام صادق (ع) و آغاز امامت امام کاظم (ع) در کنار فشارهای سیاسی و سیاست در زندان بودن امامان (ع) به جهت ارتباط کمتر با شیعیان به این انشعابات کمک کرده اند. از جمله انشعابات صورت

---

۲۳۸. ابن خلدون، مقدمه تاریخ ابن خلدون، محمد گنابادی، ۲، چاپ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷.

۲۳۹. همان، ج ۴، ص ۷۴۱.

۲۴۰. احمد بن علی نجاشی، ص ۴۴.

۲۴۱. عزیز الله عطاردی، مسند الامام الجواد (ع) چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰، ق، ص ۱۲۹.

گرفته پیدایش فرقه اسماعیلیه بوده است که عده ای با وجود علم به وفات اسماعیل پسر امام صادق (ع) معتقد به امامت ایشان شده اند و از دل همین عقیده فرقه های دیگری هم مثل قرامطه و مبارکیه سر برآوردند و در خفا به تبلیغ اندیشه های خود می پرداختند. در عصر امام عسکری (ع) این گونه اندیشه ها و فرقه ها در کنار دیگر فرق انحرافی مثل زیدیه، واقفیه، غلات، صوفیه و غیره سبب رونق و گسترش انحرافات مذهبی شده است و کج روی های فکری و فرهنگی و شبه افکنی ها در جامعه آن روز بیشتر شده بود. در این دوره مبلغین قرامطه که از انشعابات اسماعیلیه هستند به اطراف سرزمین های اسلامی جهت تشکیل حکومت هجرت کردند و حتی در بحرین و آفریقا تشکیل حکومت داده اند. همه این اتفاقات و مسائل اشاره شده در کنار فشارهای سیاسی خلفای عباسی بر شیعیان و زندانی کردن امام عسکری (ع) به دلیل اطلاع داشتن از این که مهدی موعود از نسل امام عسکری (ع) است وظیفه امام (ع) را برای محیا کردن جامعه شیعی برای ورود به عصر مهدویت سخت کرده است به همین علت امام عسکری (ع) و یاران و شیعیان اصیل مجبور به عکس العمل و موضع گیری شده اند که در ادامه بیان خواهد شد.

### موضع امام (ع) در برابر اسماعیلیه

امام حسن عسکری (ع) در عصر امامت خویش با استفاده از روش تبلیغ اسلام ناب محمدی توسط خود و شاگردانش به مقابله فرقه سازی هایی که در قالب دین و مذهب انجام می شده است می پرداخت و از این طریق جلوی تفرقه و کشتار مردم مسلمان را می گرفته است. امام عسکری (ع) که بر اساس اصل تقیه از روشن کردن دیگاه های خود خود داری می کرده است اما بر اساس بینش خود از کارهایی که باعث می شده است وحدت امت مسلمان را به خطر بیندازد جلوگیری می کرد. فرقه اسماعیلیه هم جزو آن دسته از فرقه های بوده است که در عصر امامت امام عسکری (ع) هر چند پنهان اما حضور داشته است و حضرت حتما در این مورد اقدامات لازم را انجام می داده است. اما همانگونه که بیان شد شاید به علت تقیه گزارش یا روایتی از نحوه مواجهه امام (ع) با اسماعیلیه در جایی ثبت نشده است. امام شیخ طوسی

آورده است که یکی از شاگردان امام حسن عسکری (ع) به نام فضل بن شاذان کتابی به نام الرد علی الباطنیه و القرامطه که کتابی است در نادرستی اندیشه اسماعیلی نوشته است.<sup>۲۴۲</sup>

### جعفریه

جعفر معروف به جعفر کذاب یکی از چهار فرزند پسر امام هادی (ع) است طبق نقل مورخان شخصی دروغگو، بدکار و اهل شراب و قمار بود<sup>۲۴۳</sup> تا جایی که امام هادی (ع) فرمودند از فرزندانم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح (ع) است<sup>۲۴۴</sup> جعفر پس از شهادت پدرش ادعای امامت کرد و می گفت من امام مسلمین هستم نه برادرم او حتی نزد خلیفه وقت عباسی رفت و گفت اگر دستور دهی تا مقام امامت را از برادرم سلب کنند تا من بر مسند امامت بشینم برای تو اشرفی می فرستم که با تمسخر خلیفه عباسی روبرو شد. تلاش های او در عصر امامت برادرش امام حسن عسکری (ع) به جایی نرسید و پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) منکر فرزندی برای امام عسکری (ع) شد او گفته است که برادرم عقیم بوده است و فرزندی برای او نیست و خود را وارث امام عسکری (ع) معرفی و ادعای امامت کرد جمعی را با این عقاید خود به انحراف کشانیده است و تا مدتی بعد از شهادت امام عسکری (ع) این گروه و فرقه موجود بوده اند ولی این گروه عمر طولانی نداشته اند. در اینکه آیا جعفر بر همین عقیده باقی ماند یا توبه کرد در حدیثی از محمد بن عثمان عمری از نواب خاص امام مهدی (عج) آمد است که امام در توقیعی به توبه او اشاره کرده است و فرموده است که راه جعفر همان راه برادران یوسف است که در نهایت توبه کرده اند<sup>۲۴۵</sup>. و شیعیان هم به همین خاطر او را جعفر تائب نامیده اند. جعفر در سن ۴۵ سالگی درگذشت و در سامرا به خاک سپرده شده است.

۲۴۲. محمد بن حسن طوسی، الفهرست، چاپ اول، نجف، مکتبه الرضویه، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۲۴.

۲۴۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲۴۴. محمد محمدی اشتهاردی، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، چاپ دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۶، ص ۲۱.

۲۴۵. محمد تقی شوشتری، ج ۲، ص ۴۳۲.

### موضع امام (ع) در برابر جعفریه

همانگونه که آمده است شبهات متفاوتی در عصر امامت امام حسن عسکری (ع) از ناحیه دشمنان و مخالفان حضرت وارد شده است و عده ای به دنبال ترویج شبهه و انحراف شیعیان بوده اند که از جمله آنان می توان به جعفر برادر امام عسکری (ع) و پیروانش اشاره کرد. امام حسن عسکری (ع) که پیش بینی می کرد این اتفاق بعد از وفات ایشان هم ادامه داشته باشد به یکی از اصحاب و یاران مورد اعتمادش به نام ابوالادیان فرمودند که بعد از برگشتن از مدائن به سمت سامرا وقتی که با وفات من مواجه شده اید مواظب باشید در این هنگام به کسی رجوع کنید که بر جنازه من نماز می خواند و پاسخ نامه های من را از شما مطالبه می کند و این شخص کسی نیست جز همان قائم آل محمد (ص) که جانشین بعد از من می باشد و تمامی گفته ای برادرم جعفر در مسأله امامت بعد از من کذب است.<sup>۲۴۶</sup>

### نفیسیه

نفیس نام غلام محمد بن علی نقی (ع) است. این فرقه معتقدند که بعد از شهادت امام هادی (ع) امامت به فرزند بزرگش که محمد بوده می رسد و به دلیل اینکه امام حسن عسکری (ع) از محمد کوچکتر بوده است امامت به ایشان نمی رسد. اما به دلیل مرگ محمد در زمان حیات امام هادی (ع) به سفارش پدرش امام هادی (ع) امامت به جعفر فرزند دیگر امام هادی (ع) می رسد.<sup>۲۴۷</sup> و این جعفر هم همان جعفر معروف به کذاب است. این گروه منکر وصیت امام هادی (ع) برای امامت امام حسن عسکری (ع) شده اند و می گویند در این مورد امام هادی (ع) وصیتی انجام نداده است و حتی پیروانش را کافر خواندند.<sup>۲۴۸</sup> و در مقابل جعفر کذاب را قائم آل محمد و حتی برتر از امام علی (ع) دانستند. اما دلیل اینکه نفیسیه خوانده می شوند این است که وصیت، کتابها، علم سری و سلاح های محمد از طریق غلامش نفیس به جعفر منتقل شده است.

۲۴۶. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲۴۷. محمد جواد مشکور، ص ۴۸.

۲۴۸. همان ص ۱۱۳.



### موضع امام (ع) در برابر نفیسیه

در مطالب قبل بیان شده است که نفیس رهبر جریان یا فرقه مذکور نبوده است بلکه ایشان غلام محمد پسر بزرگتر امام هادی(ع) بوده که وصی ایشان معرفی شده بود. در این که امام حسن عسکری(ع) نسبت به ادعا های این فرقه چه واکنشی نشان داده است گزارشی ثبت نشده است اما در منابع تاریخی آمده است که اصحاب و یاران امام عسکری(ع) نقش نفیس و کارهای سری و مخفیانه او را پیدا کرده اند و در نهایت او را در حوض انداخته اند تا غرق شده و از دنیا رفته است.<sup>۲۴۹</sup>

### فرقه محمدیه

پیروان محمد فرزند ارشد امام هادی(ع) هستند و بر این اعتقاد بودند که امام دهم نه امام حسن عسکری(ع) و نه جعفر پسر دیگرش را وصی امامت بعد از خودش نکرده است. این دسته علاوه بر قائل بودن به عدم وصیت امام هادی معتقدند که جعفر به دلیل آشکارا گناه کردن و امام عسکری هم به دلیل عدم معرفی فرزندی به صورت آشکار نمی توانند امام باشند. و از آنجایی که قطع امامت و بی اعتبار کردن جایگاه امامت هم ممنوع است پس ناچارا باید به محمد فرزند بزرگ امام دهم رجوع کنیم. آنها حتی مدعی شده اند که ایشان نمرده است و همان قائم است.<sup>۲۵۰</sup>

### موضع امام (ع) در برابر محمدیه

این گروه در ایام فراوانی تفکرات انحرافی و شک و تردید های زیاد نسبت به جانشینی امام هادی (ع) در حال تبلیغ و یار گیری به نفع خود بوده اند. اما موضعی از امام حسن عسکری(ع) در برابر این فرقه وجود ندارد. شاید دلیل آن این باشد که اولاً خود سید محمد بر این عقیده و باور نبوده است بلکه عده ای خود را پیرو ایشان دانسته و تفرقه افکنی کرده اند. دوما ایشان قبل از امام حسن عسکری(ع) از دنیا رفته است.

۲۴۹. حسین جاسم، ص ۱۰۷.

۲۵۰. همان، ص ۱۰۸.

## صوفیه

اندیشه تصوف به دست شخصی به نام ابو هاشم کوفی به وجود آمده است.<sup>۲۵۱</sup> شخصی که امام صادق (ع) در باره او فرمودند: ابو هاشم فردی بسیار فاسد العقیده است.<sup>۲۵۲</sup> اندیشه تصوف با توجه به نفوذش در میان مسلمانان و شیعیان خطر انحراف بسیاری را به دنبال داشته است. اندیشه ای که از توطئه های دشمن بر علیه اسلام و تشیع بوده است.<sup>۲۵۳</sup> این تفکر انحرافی در کنار دیگر انحرافات فکری و مذهبی در عصر امام حسن عسکری (ع) برای وحدت و اتحاد جامعه اسلامی علی الخصوص شیعیان که باید وارد مرحله جدیدی از مسأله امامت می شدند مشکل آفرین بوده و بحران هایی را به وجود آورده است. آنها با عوام فریبی در مساجد جمع می شدند و مردم ساده لوح را جهت منافع دنیوی خود فریب می دادند و این اقدامات فریبنده باعث شده بود تا عده ای از شیعیان تحت تأثیر تفکرات آنها درآیند و این امر موجب بد نامی شیعیان شده بود. این همه مشکل آفرینی توسط آنها ائمه (ع) را وادار به واکنش های جدی در مقابل آنها کرده است و امام عسکری (ع) که در شرایط حساس تری قرار گرفته بود نیز از این قاعده مستثنی نبود و در قبال این گروه موضع گیری های جدی داشته اند که در مباحث بعدی به آنها پرداخته خواهد شد.

## موضع امام (ع) در برابر صوفی ها

از دیگر فرق انحرافی عصر امامت امام حسن عسکری (ع) فرقه ضاله صوفیه می باشد. پیروان این فرقه در کنار دیگر فرق انحرافی مثل واقفیه، مغوضه، غلات و..... از کسانی بوده اند که با امام عسکری (ع) به مناظره و بحث می پرداختند. امام عسکری (ع) از این گروه که دارای عقاید فاسدی بودند بیزای می جست و مردم و شیعیان را از نزدیکی با آنان و افکارشان برحذر می داشت. این گروه که به طور رسمی از قرن دوم هجری به رهبری ابو هاشم کوفی پدیدار شدند مرتباً از سوی ائمه (ع) مورد لعن و نفرین قرار گرفته اند. امام

۲۵۱. مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، ج ۲، چاپ سوم، قم، انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۶۵.

۲۵۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۸، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲۵۳. همان، ص ۲۰۰.

هادی (ع) پدر بزرگوار امام عسکری (ع) در رد آنها می‌فرماید که صوفیان جانشینان شیطان هستند و پایه‌های دین را ویران می‌کنند.<sup>۲۵۴</sup> امام عسکری (ع) هم همچون پدر بزرگوارشان تلاش بسیار می‌کردند تا عقیده فاسد صوفی‌ها را آشکار نماید. امام (ع) آنها را راهزنان مومنان و دعوت‌کنندگان مردم به ملحدی و بی‌دینی معرفی کردند و صریح و واضح در مقابل این فرقه موضع‌گیری کرده‌اند.<sup>۲۵۵</sup>

### مفوضه

این گروه که در عصر امام حسن عسکری (ع) هم حضور داشته‌اند قائل به این بوده‌اند که خداوند متعال حضرت محمد (ص) را خلق کرده است و سپس آفرینش دنیا را به او تویض کرده است، پس حضرت محمد (ص) خالق موجودات این دنیاست.<sup>۲۵۶</sup> گروهی دیگر هم می‌گفتند که آفرینش دنیا به حضرت علی (ع) واگذار شده است.<sup>۲۵۷</sup> امام عسکری (ع) با شدت با اینها برخورد کرده است و می‌فرمودند که این گروه به پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) نسبت ناروا و نادرست می‌دهند.

### موضع امام (ع) در برابر اهل تفویض

شیوه مبارزه امام حسن عسکری (ع) با این گروه انحرافی از طریق لعن به همراه مناظره و بدگویی از آنها بوده است. از جمله کسانی که مورد لعن و نفرین امام حسن عسکری (ع) قرار گرفتند فارس بن حاتم قزوینی، محمد بن نصیر نمیری و حسن بن محمد یا همان ابن بابای قمی بوده‌اند. در حدیثی آمده است که امام حسن عسکری (ع) در جواب کامل بن ابراهیم مدنی که نماینده تفویض‌ها بود آیه « وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ »<sup>۲۵۸</sup> را تلاوت کرد و فرمودند که تفویضی‌ها دروغ می‌گویند و دل‌های ما ظرف مشیت الهی است.<sup>۲۵۹</sup>

۲۵۴. محمد جواد طوسی، ص ۲۸۸.

۲۵۵. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۰۳.

۲۵۶. محمد حسین حیدری، ص ۲۹۸.

۲۵۷. فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲۵۸. سوره انسان، (۷۶) ۳۰.

۲۵۹. قطب راوندی، ص ۴۵۹.

همچنین امام حسن عسکری (ع) در مذاکره ای که با یکی دیگر از اهل تفویض به نام ادریس بن کفر توثانی داشت آیه شریفه « بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ »<sup>۲۶۰</sup> را تلاوت فرمودند که بعد از آن ادریس به امام گفت ای مولای من همین جواب برای من کافی است زیرا که من برای پرسش از همین سوال نزد شما آمده‌ام.<sup>۲۶۱</sup>

## غلو

جریان غلو که بر خلاف دیگر فرق انحرافی عصر امام عسکری (ع) مثل: واقفیه، اسماعیلیه، زیدیه، معتزله، اهل حدیث دارای سابقه طولانی می باشد، از همان اوایل اسلام و در زمان امام علی (ع) ظهور و برزو پیدا کرده است، ائمه (ع) قبل از امام عسکری (ع) همه درگیر جبهه گیری و مقابله با آنها بوده اند زیرا ائمه (ع) خطر تفکرات آنها را که در نهایت به شرک منتهی می شد به خوبی متوجه شده بودند. عصر امام عسکری (ع) هم از این قاعده مستثنی نبود. و حتی به دلیل فضای حاکم بر جامعه اسلامی، ظهور و عرض اندام دیگر نحله های اسلامی و تبلیغات گسترده آنها که نیاز به مراقبت و جبهه گیری داشت و همچنین به دلیل عدم ارتباط مناسب شیعیان با امام عسکری (ع) بازار غلو رونق بیشتری گرفت و به دنبال ایجاد اختلاف، فتنه و تفرقه، گسترش بدعت، اباحی گری، آشفتگی در آراء و عقاید شیعیان بودند. افراد زیادی از جمله: اسحاق بن محمد بن احمد معروف به اسحاق احمر<sup>۲۶۲</sup>، عروه بن یحیی<sup>۲۶۳</sup>، ادریس بن زیاد کفر توثانی<sup>۲۶۴</sup>، حسین بن علی خواتیمی، محمد بن فرات، حسن بن محمد، علی بن حسکه، قاسم بن یقطین فعالیت داشتند.<sup>۲۶۵</sup> در این دوره دایره فعالیت غالیان از عراق هم عبور

۲۶۰. سوره انبیاء (۲۱) ۲۶ و ۲۷.

۲۶۱. ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲۶۲. محمد رضا جباری، ج ۱، ص ۱۲۶.

۲۶۳. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۵۷۴.

۲۶۴. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۰۳.

۲۶۵. محمد رضا جباری، ج ۱، ص ۱۶.

کرده است و به ایران هم رسیده بود به طوری که در قم احمد بن عیسی قمی دچار شک و تردید شده بود.<sup>۲۶۶</sup>

### موضع امام (ع) در برابر غلات

منظور از غلات همان کسانی هستند که به ائمه (ع) نسبت خدایی و نبوت می دادند و در ارتباط با آنها افراط و زیاده‌گویی می کردند.<sup>۲۶۷</sup> در عصر امامت امام عسکری (ع) که افکار متفاوت و گوناگونی جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داده بود و جو سنگینی در کنار شرایط سخت سیاسی و فشارهای حکومت عباسی بر علیه شیعیان و امام عسکری (ع) به وجود آمد بود غلات هم در حال ترویج و گسترش افکار منحرف خود بودند. این گروه که گسترش زیادی هم پیدا کرده بود به دنبال دروغ پردازی و جعل بوده است تا بتواند عقاید مردم مسلمان را تحت تأثیر خودشان قرار دهند. غلات حرکات تخریبی زیادی از جمله مخدوش کردن چهره امامان (ع)، مخدوش کردن آبرو و اعتبار اصحاب ائمه (ع)، مخدوش کردن جریان حدیث سازی و دست آویز کردن برای دشمنان شیعه و اهل بیت (ع) از خود بر جای گذاشته اند.<sup>۲۶۸</sup> اما امام حسن عسکری (ع) هم در کنار دیگر فعالیت های علمی، فرهنگی و سیاسی که بیشتر به صورت پنهانی انجام می شد با این گروه و فرقه ضاله برخورد قاطع کرده است که چند نمونه از آنها ذکر می شود.

### الف: معرفی بزرگان و تأثیر گذاران اندیشه غلو به مردم.

یکی از اقدامات امام عسکری (ع) در مواجهه با این فرقه معرفی غالیان به مردم بود چنان چه درباره محمد بن نصیر که مدعی شد ایشان فرستاده امام عسکری (ع) است و به عنوان فرستاده امام حرام ها را حلال دانست. امام عسکری (ع) هم یاران خویش را از ایشان برحذر داشت و

۲۶۶. همان، ص ۲۲۹.

۲۶۷. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ج ۱، ص ۹۹.

۲۶۸. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۴۸.

نوشت که خداوند محمد بن نصیر را لعنت کند که به نام ما فتنه و آزار به پا می کند خداوند آن را به لعنت گرفتار سازد زیرا که شیطان آنها را اغوا کرده است.<sup>۲۶۹</sup>

### ب: لعن و نفرین و اعلام برائت از آنها

یکی از راه کار های امام عسکری (ع) در مواجهه با غالیان لعن و نفرین آنها بود چنان چه امام حسن عسکری (ع) نوشته است که خداوند ابن حسکه قمی و قاسم یقطینی را لعنت کند که شیطان به آنها مزخرفاتی را القا می کند.<sup>۲۷۰</sup> در کنار ابن حسکه قمی و قاسم یقطینی عروه بن یحیی بغدادی از مهمترین و مشهورترین دروغ پردازان و جعل کنندگان بوده است که روایت های زیادی را به دروغ نقل می کرده است، و از این طریق اموالی را که شیعیان خواهان پرداخت آنها به امام عسکری (ع) بوده اند را اختلاس میکرد. امام عسکری (ع) او را لعن کرد و به پیروانش هم اعلام کرد که او را لعنت و نفرین کنند و از او کناره جویی کنند تا عقایدشان فاسد نشود.<sup>۲۷۱</sup>

### ج: رد عقاید غالی ها و اصلاح عقاید شیعیان

یکی دیگر از اقدامات امام عسکری (ع) در مواجهه با غلات رد عقاید آنان و اصلاح عقاید شیعیان بوده است چنان چه ادريس بن زیاد کفر توثایی می گوید که من از آن دسته افرادی بودم که نسبت به ابومحمد عسکری(ع) افراط می کردم و در دیداری که با او داشتم به من فرمودند « بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ »<sup>۲۷۲</sup> و ابو محمد عسکری(ع) با تلاوت این آیه به ما فهماند که غلو درباره ما باطل است. و ما جز آنچه خداوند اراده کند از خود اختیاری نداریم و ادريس بن زیاد در پاسخ امام می گوید برای من همین کلام کافی است. زیرا برای پرسش همین مسأله نزد شما آمده ام.<sup>۲۷۳</sup>

۲۶۹. محمد بن عمر کثی، ج ۶، ص ۵۲۱.

۲۷۰. همان.

۲۷۱. همان.

۲۷۲. سوره انبیاء (۲۱) ۲۶ و ۲۷.

۲۷۳. محمد تقی مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۸۴.

### د: دستور به قتل غلات

یکی دیگر از اقدامات امام عسکری (ع) در مواجهه با غلات دستور به قتل غلات بوده است. تعدادی از سران غلات آنقدر افراط کرده اند که لعنت و نفرین امام عسکری (ع) و تکذیب عقایدشان توسط امام (ع) و یارانش افاقه نکرد و حضرت (ع) مجبور شد دستور به قتل آنها را صادر کند. یکی از این افراد فارس بن حاتم قزوینی بوده است که به دلیل فعالیت های بیش از حد او امام (ع) دستور قتل او را صادر کرده و توسط یکی از یاران امام به نام جنید به هلاکت رسیده است.<sup>۲۷۴</sup>

---

۲۷۴. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۵۲۵.

## فصل چهارم

### نحوه مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جریان‌های انحرافی

#### غیر شیعی



از واضح و آشکارترین نمایش‌های فعالیت‌های امام حسن عسکری (ع) در عصر امامت خویش چالش و پیکار با فرقه‌های انحرافی غیر شیعی عصر امامتش مثل: اهل حدیث، اهل تفویض، ثنویه، معتزله، اشاعره، جاعلان حدیث، فائلان به تجسیم و رویت خداوند متعال و غیره بوده است. فرق انحرافی که به شدت به دنبال ترویج عقاید و افکار خویش بوده‌اند. این گروه‌ها که از فضای سیاسی موجود آن زمان که مهمترین آن بی‌کفایتی خلفای وقت عباسی بوده است استفاده می‌کردند و در حال ترویج و تبیین افکار ضاله خویش بوده‌اند. اما امام حسن عسکری (ع) با وجود همه فشارهایی که از طرف حکومت بر ایشان و اصحابش وارد بود از مبارزه و مقابله با جدی با تفکرات انحرافی پا پس نکشیدند و به شدت با آنها مقابله کرد و جامعه اسلامی آن روز را به سوی هدف مقدسی که در پیش داشت و آن هدف معرفی و شناساندن مهدی موعود (عج) و آماده کردن جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت بود مهیا کرده است. امام حسن عسکری (ع) برای مبارزه با این گونه افکار از راه‌های متفاوتی استفاده می‌کردند که تحت عنوان مواجهه امام حسن عسکری (ع) با فرق انحرافی غیر شیعی به آنها خواهیم پرداخت.

### شورش و نفوذ ترکان در دربار خلافت

محققان و مورخان تاریخ اسلام عصر دوم خلافت عباسی را عصر نفوذ و تسلط ترکان بر دربار عباسی می‌دانند.<sup>۲۷۵</sup> عصری که غلامان ترک چنان بر امور کشور و خلافت مسلط شده بودند که به جای فرمانبری از خلیفه عباسی او را به زیر فرمان خودشان در آوردند. و اگر خلیفه خواسته هایشان را برآورده نمی‌کرد او را برکنار یا به قتل می‌رساندند. تسلط و نفوذ آنها چنان زیاد شده بود که خلافت یک امر تشریفاتی شد. نمونه این خلفای تشریفاتی و برکنار شده معتز عباسی بود که بعد از برکنار شدن دستور به شکنجه او را هم دادند تا در نهایت جان سپرد.<sup>۲۷۶</sup>

اما بر اثر این تسلط و قلدری ترکها شرایط و وضعیت نابسامانی در دربار عباسی و قلمرو حکومت آنها به وجود آمده است که اولین پیامد تجزیه قلمرو دولت عباسی بوده است در همین ایام که همزمان با عصر امام حسن عسکری (ع) بوده است صفاریان، طولونیان، طاهریان و علویان طبرستان هر کدام بخشی از قلمرو عباسی را جدا ساخته اند و بر آن حکومت می‌کردند و حیظه قدرت حکومت عباسی را محدود کرده اند. در همین عصر به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی و بی عدالتی و وجود خلفای ضعیف و بی اراده قیام‌ها و شورش‌هایی در سرزمین‌های اسلامی به وقوع پیوسته است. از جمله این قیام و شورش‌ها می‌توان به شورش افشین ترک در اوایل قدرت گرفتن ترکان، شورش بابک خرم‌دین شورش صاحب الزنج و قیام‌های صورت گرفته از سوی علویان اشاره کرد. در همین زمان ترکان به تعویض و قتل خلفا هم قانع نشده اند و به دنبال تشکیل حکومت هم بودند که از میان فرماندهان و چهره‌های شاخص آنها احمد بن طولون بوده که در همین ایام در مصر تشکیل حکومت داد و حکومت طولونیان را تأسیس کرده است.

۲۷۵. سهیل طقوش، ص ۱۸۸.

۲۷۶. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۷۳.

اما امام حسن عسکری (ع) علیرغم همه مشکلاتی که خلفای عباسی برای ایشان ایجاد کرده است و فشارهایی که از طرف آنها وارد شده بود تا جایی که حتی ارتباط شیعیان را جهت پرداخت وجوهات هم بسته بودن به صورت علنی از آشوب‌ها، شورش‌ها، قیام‌های صورت گرفته توسط علویان و حتی حکومت‌های مستقلی که ایجاد شده بود من جمله حکومت ابن طولون در مصر که همه نشأت گرفته از نفوذ ترکان بر علیه خلافت بوده است حمایت نکرد و حتی صاحب‌الزنج را که مدعی بود از آل ابی طالب است و بر علیه ظلم و ستم عباسیان به پا خواسته است را طرد و ادعاهای او را باطل و محکوم کرد و حتی فرمودند:

« صَاحِبُ الزَّيْجِ لَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ »<sup>۲۷۷</sup>

### اهل حدیث

اهل حدیث یا همان ظاهر گرایان که پیشوای آنان احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری قمری است<sup>۲۷۸</sup> از فرقه‌های انحرافی غیر شیعی می‌باشد که در کنار دیگر فرق انحرافی شیعی و غیر شیعی مانند: معتزله، اشاعره، غلات، صوفیه، واقفیه، اسماعیلیه، زیدیه، قائلان به تجسیم و روئیت خدواند، در عصر امام حسن عسکری (ع) وجود داشته‌اند و هرکدام از آنها به دنبال نشر، تبلیغ و یارگیری برای عقاید خود یعنی مخلوق بودن قرآن، قدیم بودن قرآن، قابل جسم بودن خدواند متعال، قابل روئیت بودن خدواند متعال و دیگر عقاید خود بوده‌اند. اهل حدیث که بعد از به خلافت رسیدن متوکل عباسی فرقه مورد حمایت دستگاه خلافت شده بود. به دنبال یکه تازی و انزوای تفکرات عقل‌گرایان بوده است بعد از متوکل هم این فرقه کم و بیش از حمایت خلفای عصر امام عسکری (ع) برخوردار بوده است. اهل حدیث که اعتقادی به علم کلام نداشته‌اند<sup>۲۷۹</sup> و تمام استنباط آنها و فتاوی آنها بر اساس حدیث و روایت بوده است مجبور به جعل حدیث هم می‌شدند و این می‌توانست مشکلاتی را برای عوام الناس

۲۷۷. ابن شهر آشوب، مناقب. ج ۴، ص ۴۳۰.

۲۷۸. محمد بن جریر طبری، ج ۱۶، ص ۱۹.

۲۷۹. علی ربانی گلپایگانی، ص ۲۲۰.

اعم از شیعی و غیر شیعی به وجود بیاورد. از آنجایی که جامعه شیعی هم به دلیل فرقه‌های زیاد و سردرگمی به جهت مشخص نبودن تکلیف امام بعدی دچار سردرگمی شده بود. امام عسکری (ع) هم به همراه اصحاب یارانش در مقابل این افراطی‌گری‌های اهل حدیث و دیگران ایستاده‌اند و به روشنگری پرداختند.

### موضع امام (ع) در برابر اهل حدیث

در عصر امامت امام حسن عسکری (ع) گروهی بر برداشت ظاهری از دین حمایت می‌کردند این گروه که از فرقه‌های اهل سنت بوده‌اند افرادی نقل‌گرا بودند و به غیر از ظاهر آیات و روایات تفسیر و تأویل عقلی را نمی‌پذیرفتند و تنها ملاک آنها همان ظاهر آیات و روایات بود و به این دسته اهل حدیث می‌گفتند.

در میان علمای اهل سنت از احمد بن حنبل به عنوان امام اهل حدیث یاد شده است.<sup>۲۸۰</sup> بعد از روی کار آمدن متوکل عباسی و حمایت اهل حدیث عرصه برای فعالیت آنها بیشتر شده است و جولان آنها و تفکراتشان در عصر امامت امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) قوت گرفته بود به همین خاطر می‌توانیم که ائمه روشنگری بیشتری در مقابل اهل حدیث داشته باشند تا یاران و جامعه اسلامی تحت تأثیر تفکرات حدیثی‌ها قرار نگیرند. در این ایام امام حسن عسکری (ع) که آگاه و مطلع از تفکرات دو جریان کلامی اهل سنت یعنی معتزلی‌ها و حدیثی‌ها بوده است معتقد به رعایت تعادل میان عقل‌گرایی و یا تفکر معتزلی و نص که همان فکر اهل حدیث بوده است شده‌اند و علاوه بر این به نص که کلام وحی و فرمایشات آباء خویش است قائل به تفکر و عقل هم بودند به همین دلیل فرمودند: «علیکم بالفکر فإنه حیاة قلب البصیر ومفاتیح أبواب الحکمة»<sup>۲۸۱</sup> یعنی بر شما باد به تفکر، که تفکر مایه حیات قلب شخص بصیر و کلید در حکمت است. همچنین امام (ع) در نامه‌ای علی بن حسین قمی را بر تفقه در دین توصیه نموده است.<sup>۲۸۲</sup>

۲۸۰. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، چاپ پنجم، قم، انتشارات المصطفی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹.  
۲۸۱. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول، قم، آل البیت، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۹۷.  
۲۸۲. باقر شریف قرشی، ص ۸۴.

### موضع امام (ع) در برابر جاعلان حدیث

جعل حدیث و عدم رعایت امانت در نشر احادیث از زمان پیامبر اکرم (ص) و یا حتی قبل از اسلام و در دیگر ادیان الهی بوده است و این سنت غلط که دارای دلایل گوناگونی از جمله: انحرافهای عقیدتی، تعصبات قومی و مذهبی، خدمت به حاکمان جور و ستمگر، چپاول و مال اندوزی و غلو بوده است تا عصر امامت امام حسن عسکری (ع) هم ادامه داشته است. یک نمونه از این افراد که از وکلای امام عسکری (ع) هم بوده است به سبب مال اندوزی جعل حدیث می‌کرد و به دروغگویی و تکذیب بر علیه امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) پرداخت و این شخص عره بن یحیی معروف به عروه الدهقان یا عروه الوکیل بود. کشی می‌گوید عروه بن یحیی که خدا او را لعنت کند بر امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) دروغ می‌بست و اموال امام (ع) را برای خودش تصرف می‌کرد و به او دروغ می‌گفت تا اینکه امام عسکری (ع) او را لعنت کرد و به شیعیانش دستور داد که او را لعن و نفرین کنند تا جایی که آمده است در همان شبی که امام عسکری (ع) او را لعن و نفرین کرد عروه بن یحیی از دنیا رفت.<sup>۲۸۳</sup>

### مشبهه و اهل تجسیم

یکی گروه از گروه‌های انحرافی که در زمان امام حسن عسکری (ع) وجود داشت قائلان به تشبیه و جسم بودن خداوند متعال بوده‌اند. این گروه در این زمان با مواضع و روشنگری‌های امام عسکری (ع) مواجه شده‌اند.

### موضع امام (ع) در برابر قائلان به تجسیم و تشبیه

همانگونه که بیان شده است عصر امامت امام حسن عسکری (ع) به دلیل وجود شبهه‌ها و تفکرات انحرافی زیاد این ضرورت را به وجود آورده است که امام (ع) می‌بایست تصمیمی قاطع در برابر مواضع آنها اتخاذ می‌کردند تا یاران و اصحاب را از گمراهی و انحراف باز دارند. یکی از این دسته‌ها کسانی بودند که قائل به تفکر تجسم و روئیت خداوند متعال بوده

---

۲۸۳. محمد بن عمر کشی، ج ۶، ص ۵۷۴.

اند. امام عسکری (ع) در مقابل این فرقه و افراد، اصحاب و شاگردان خویش را از همنشینی و هم‌کلامی با آنها برحذر می‌داشت و در جواب ابراهیم بن حمدانی نوشته‌اند که: «پاک و منزّه است خدایی که هیچ حد و مرزی ندارد، هرگز این گونه توصیف نمی‌شود، هیچ مثل و ماندنی برای او نیست و او شنوای داناست»<sup>۲۸۴</sup> در این کلام امام (ع) تجسم و شباهت خداوند متعال به مخلوقات را نفی می‌کند و فرمودند این گروه هیچ شناختی از خداوند متعال ندارند.<sup>۲۸۵</sup>

### معتزله

اندیشه اعتزالی که سابقه ظهور و بروز در عصر امویان را هم داشته است اما نتوانسته است خود نمایی کند در دوره عباسیان عصر شکوفایی و عزت و طلایی خود را پشت سر گذاشت در دوره عباسیان با روی کار آمدن سفاح اولین خلیفه عباسی و بعد از آن منصور عباسی کم‌کم به دنبال خود نمایی و دخالت در امور حکومتی و مملکتی بوده‌اند تا جایی که منصور عباسی در جواب انتقاد یکی از سران معتزله به نام عمرو بن عبید که معترض عدم برقراری عدالت در دولت عباسی بود گفت که اگر شما و همفکران مرا در امر حکومت یاری کنید من حاضرم مهر حکومت را در اختیار شماها بگذارم و عمرو گفت که شما عدالت به عدالت رفتار کنید ما شما را یاری خواهیم کرد. بعد از آن و در زمان مهدی عباسی شرایط برای معتزلی‌ها بهتر شده است زیرا خلفای عباسی مجبور شدند برای جلوگیری از زنادقه و تفکر الحادی آنان از معتزلی‌ها کمک بگیرند. بعد از این کم‌کم عصر اقتدار و عزت معتزلی‌ها شروع شده است و از حمات کامل خلفای عباسی برخوردار گشتند و عقیده آنان به صورت یک مکتب رسمی پذیرفته شده است و با مخالفین آنان یعنی اهل حدیث برخورد می‌شد.<sup>۲۸۶</sup> اما این احترام و اقتدار مقطعی بود و با روی کار آمدن متوکل عباسی در سال ۲۳۲ هجری قمری اندیشه معتزلی‌ها دوباره به حاشیه رفت و خلیفه در نقطه مقابل آنان قرار گرفت و از اهل

۲۸۴. شیخ صدوق، التوحید، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰.

۲۸۵. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۴.

۲۸۶. علی ربانی گلپایگانی، ص ۳۶۵.

حدیث حمایت کرد. تا جایی که گفته شده است که اهل حدیث در مساجد می نشستند و بر علیه اندیشه اعتزالی نقل حدیث می کردند و حتی آنان را تکفیر می کردند.<sup>۲۸۷</sup>

عصر امام عسکری(ع) هم همزمان بود با به حاشیه رفتن معتزلی ها ولی آنها با توجه به این که از طرف خلفای عباسی حمایت نمی شدند و حتی تفکر مقابل آنها یعنی اهل حدیث مورد حمایت خلفا بود در عین حال آنها همچنان به اندیشه خود پایبند بودند و برای آن تبلیغ می کردند، کتاب می نوشتند و دیگران را دعوت به این امر می نمودند. نمونه آن هم نوشتن کتابی تحت عنوان تناقض القرآن است که توسط اسحاق کندی نوشته شده بود. نویسنده این کتاب بعداً در مقابل برهان قاطع امام حسن عسکری(ع) در رد عقاید معتزلیان مجبور به سوزاندن کتاب خویش شده است.

### کلام خدا و مخلوق بودن آن

یکی از بحث برانگیزترین موضوعاتی که در قرون اولیه اسلام در میان علما پیش آمد و اختلافات زیادی را موجب شد بحث کلام خدا و مخلوق بودن یا نبود آن بود. این مسئله «خلق قرآن» آنگونه با تاریخ معتزله قرین شده است که هرگاه صحبت از معتزله شده است این مسئله به ذهن نیز خطور می کند. و این جریان به صورت ناگزیر با قضیه افراطی و فوق العاده متعالی معتزلیان درباره ذات الهی و صفات او، ارتباط کامل دارد. زیرا آنان بوده اند که در عصر عباسیان به این مسئله دامن زدند و خلیفه ی عباسی، بر اساس رأی و نظر آنان، فقیهان و محدثان را به عقیده وا می داشت و برخی از همین فقیهان سخت گیری های را وارد می کرد و افکار عمومی را در زمان سه نفر از خلفای بنی عباس یعنی مأمون، معتصم و واثق، به خود مشغول ساخت. تا جایی که مأمون به اسحاق بن ابراهیم، حاکم بغداد، نامه ای نوشت و دستور داد که نظر علما، فقها و محدثین را درباره قرآن امتحان کنید. هر کس بگوید که قرآن

---

۲۸۷. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲۴ ج، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق. ص ۳۷۸،

ج ۳، ص ۲۸۵.

مخلوق و احداث شده است او را آزاد کنید و هر کس این عقیده را نپذیرد به مأمون گزارش داده شود تا درباره او دستور دهد و هر کس هم به آن عقیده قائل نشود طرد شود.<sup>۲۸۸</sup>

این جریان در تاریخ به «محنه القرآن» شهرت یافت و در اکثر کتابهای تاریخی از آن صحبت شده است. طبری می‌گوید: مأمون به همه ی عاملان خویش در ولایتهای شام، حمس، اردن و فلسطین نامه نوشته و آنها را مورد امتحان قرار داد.<sup>۲۸۹</sup> یعقوبی در کتاب خویش از ادامه این واقعه در دورانهاب بعد از مأمون یعنی دوران معتصم و واثق خبر داد و تا این که متوکل دستور داد منع و جمع این بحث، گفتگو و مناقشات را صادر کرد است. و دستور داد که همه کسانی را که در این ارتباط در زندان بوده اند آزاد کنند و همگان را خلعت پوشاند و برنامه های در نهی از خصومت و مناقشه به اطراف نوشت.<sup>۲۹۰</sup>

### موضع امام (ع) در برابر اندیشه معتزله و فتنه خلق قرآن

از جمله جریان هایی که در درون اسلام بروز کرد و حضور گسترده و تأثیر گذاری هم داشته است تا جایی که برخی از خلفای عباسی را هم مجذوب خود کرده است اندیشه اعتزال است. این تفکر که دارای اصحاب و طرفداران زیادی بوده است به اصحاب توحید و عدلیه هم معروف گشته است.<sup>۲۹۱</sup>

اندیشه معتزله دارای اصول پنج گانه توحید، عدل، وعد و عید، منزله بین المنزلتین و امر به معروف و نهی از منکر است.<sup>۲۹۲</sup> تفکر اصحاب معتزله که در مقابل تفکر اصحاب اهل حدیث قرار گرفته بود معتقد به استفاده از عقل در کنار آیات و روایات برای استنتاج دین و اصول آن بود. در عصر امام حسن عسکری (ع) چهره های شاخصی از آنها مانند جاحظ و ابوالهذیل زندگی می کردند و علیرغم مخالفت حکمای وقت دولت عباسی بر ادعای

۲۸۸. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

۲۸۹. محمد بن جریر طبری، ج ۱۳ ص ۵۷۵۲.

۲۹۰. احمد ابن ابی یعقوب یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲۹۱. عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۵۷.

۲۹۲. سید محسن امین عاملی، ج ۲، ص ۳۹.



خود محکم ایستاده بودند و به تبلیغ آن می پرداختند و از عقاید خود در مقابل نص گرایان دفاع می کردند. امام حسن عسکری (ع) در این دوره مثل دیگر ائمه (ع) قائل به تعادل بین عقل و نص بوده اند. یعنی علاوه بر این که به نص قرآن و روایات اهمیت می دادند تأکید زیادی بر استفاده از فکر و عقل داشته اند. و در این باره فرموده اند: «علیکم بالفکر فانه حیاة قلب البصیر و مفاتیح ابواب الحکمه»<sup>۲۹۳</sup> یعنی بر شما باد به اندیشیدن زیرا اندیشیدن حیات دل آگاه و بصیر است و کلید درهای حکمت است. همچنین امام (ع) در زمینه استفاده از عقل در نامه ای که به پدر شیخ صدوق نوشته اند او را به تفقه و تعقل در دین توصیه می کنند.<sup>۲۹۴</sup>

نظریه خلق قرآن از جمله اندیشه های معتزلی ها بوده است. که در پی مجادلات کلامی و بحث های داغ اعتقادی عصر بنی عباسی و در میان تفکرات افراطی و واهی زیادی که کنار تفکر اسلام ناب محمدی رواج پیدا کرده است. این بحث و اعتقاد که به گفته مورخان از عصر مأمون عباسی شروع شده است مشکلات زیادی را در بین علمای مذهبی و سیاسیون به وجود آورده است تا جایی که اگر کسانی مخالفت خویش را با نظر مأمون عباسی خلیفه وقت اعلام می کردند به زندان می رفتند و شکنجه می شدند مثل احمد بن حنبل که گفته می شود هزار تازیانه خورده است.<sup>۲۹۵</sup> و در بین آنها حتی کسانی هم کشته می شدند.<sup>۲۹۶</sup> آمده است که مأمون به اسحاق بن ابراهیم حاکم خود در بغداد نامه نوشته است و امر کرد که علما، فقها، دانشمندان و محدثین را جمع کند و نظر آنها را درباره قرآن امتحان کند و اگر کسی مخالف نظر او رءی داده است را به مأمون گزارش دهد و هر کسی هم مطابق نظر او قائل به مخلوق و حادث بودن قرآن بوده است را آزاد کند.<sup>۲۹۷</sup> موضوع خلق قرآن آنقدر داغ شده بود که یک

---

۲۹۳. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۲۰.

۲۹۴. باقر شریف قرشی، ص ۸۴.

۲۹۵. احمد ابی یعقوب، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲۹۶. محمد بن جریر طبری، ج ۱۶، ص ۲۲.

۲۹۷. عزالدین ابن اثیر، ج ۱۷، ص ۵۴.

مسئله عقیدتی و فکری تبدیل به یک مسأله سیاسی شده بود تا جایی که شرط آزادی اسیران مسلمانی که در روم حبس شده بودند اعتقاد به خلق قرآن بوده است.<sup>۲۹۸</sup>

اما موضع امام حسن عسکری (ع) در برابر این فتنه و تفکر غلط در مرحله اول تبیین و تشریح خط فکری و عقیدتی شیعه بوده است و در مرحله دوم جلوگیری از ورود به این گونه بحث و جدل‌های بیهوده بوده است. امام عسکری (ع) در پاسخ به یکی از شیعیان بغداد به نام عیسی بن عبید که در باره بحث خلق قرآن سوال کرده بود می‌نویسد: بسم الله الرحمن الرحيم خداوند ما و شما را از مبتلا شدن به این فتنه حفظ نماید که در این صورت خداوند بزرگترین نعمت خویش را به ما ارزانی داشت و در غیر اینصورت هلاکت و گمراهی است. امام در این مورد می‌فرماید به عقیده ما بنجث و جدل در مورد قرآن بدعتی است که هم سوال کننده و هم جواب دهنده در آن شریک هستند زیر که سوال کننده به دنبال چیزی است که برایش سود و حاصلی ندارد و جواب دهنده هم برای موضوعی سعی و تلاش می‌کند که در توان او نمی‌باشد. پس خالقی غیر از خدا نیست و بقیه همه مخلوق او هستند و قرآن هم کلام خداست پس از پیش خود برای او اسمی قرار نده که در غیر اینصورت از گمراهان خواهی شد. و ما می‌بینیم که امام عسکری (ع) به صراحت یاران خود را از ورود به این بحث باز می‌دارد.<sup>۲۹۹</sup> یکی دیگر از یاران امام حسن عسکری (ع) به نام ابوهاشم می‌گوید که خیلی علاقمند بودم به اینکه نظر امام عسکری (ع) را در مورد مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن بدانم. تا اینکه امام عسکری (ع) به من فرمودند مگر روایت امام صادق (ع) که فرموده است وقتی که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نازل شد خداوند متعال برای او چهار هزار بال خلق کرده است و همه در برابر آن تواضع می‌کردند و این است نسبت خداوند متعال.<sup>۳۰۰</sup> در یک روایت دیگری آمده است که همین جناب ابوهاشم می‌گوید که در این فکر بودم که قرآن مخلوق است یا

۲۹۸. احمد ابی یعقوب، ج ۲، ص ۴۷۶.

۲۹۹. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۰۱.

۳۰۰. قطب راوندی، ج ۲، ص ۶۸۷.

غیر مخلوق که امام عسکری (ع) در این باره به من گفتند که خداوند آفریننده همه چیز است و هر چیزی غیر او مخلوق است.<sup>۳۰۱</sup>

### ثنویه

یکی از مذاهبی که در زمان امام حسن عسکری (ع) وجود داشت مکتب و مذهب ثنویه بوده است. این گروه که در قبل هم با مواضع سخت ائمه (ع) قبلی قرار گرفته بودند. در عصر امامت امام حسن عسکری (ع) هم با مواضع سخت و روشنگری‌های امام عسکری (ع) مواجه شده‌اند.

### موضع امام (ع) در برابر ثنویه

ثنویه به کسانی گفته می‌شود که معتقد به ازلی و قدیم بودن نور و ظلمت هستند.<sup>۳۰۲</sup> این گروه هم یکی از فرقه‌های گمراه عصر امامت امام حسن عسکری (ع) هستند و حتی گفته شده است که این فرقه در عصر امام حسن عسکری (ع) به وجود آمده است و آنها از مجوس‌اند.<sup>۳۰۳</sup> امام حسن عسکری (ع) مثل دیگر فرق انحرافی نسبت به این فرقه هم خیلی حساس بوده است و اصحاب، یاران و شیعیان را از نزدیکی با آنها و افکار آنها برحذر می‌داشت زیرا امام (ع) از اینکه تفکر این فرقه باطل بر اندیشه مردم و اصحاب تأثیر منفی بگذارد می‌ترسید به همین علت حتی حاضر نشد که برای یک فرد ثنوی از خداوند متعال طلب رحمت کند و در جواب کسی که از ایشان خواسته بود تا برای پدر ثنوی و مادر مومنه اش طلب رحمت و بخشش کند فرمودند که: «رحم الله والدتك و التاء منقوطة»<sup>۳۰۴</sup> یعنی این که خداوند مادرت را بیامرزد و تاء دو نقطه است به این معنی که والدیک نیست که شامل پدر و مادر هر دو شود.

۳۰۱. شیخ صدوق، توحید، ج اول، نجف، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴.

۳۰۲. عبدالکریم شهرستانی، ج ۲، ص ۶۰۲.

۳۰۳. فخرالدین طریحی، ج ۵، ص ۱۷۸.

۳۰۴. اربلی، ج ۲، ص ۹۳۱.

محمد بن ربیع شیبانی می‌گوید در اهواز با یکی از اهل ثنویه مناظره و مباحثه داشتم و بعد از آن به سمت سامرا حرکت کردم و تعدادی از کلمات و شبهه‌های مرد ثنوی در دلم اثر کرده بود و نسبت به توحید دچار شک و تردید شده‌ام، روزی بر در خانه شخصی به نام احمد بن خصیب نشسته بودم که امام حسن عسکری(ع) من را دیده است و به من اشاره کرد و گفت که: « احد احد فوحده» خدا یگانه است خدا یگانه است پس او را یگانه بدان و من با شنیدن این کلام امام بیهوش شدم و افتادم<sup>۳۰۵</sup> و این گونه امام عسکری (ع) یاران و اصحاب را از گمراهی نجات می‌داد.

### موضع امام (ع) در ارتباط با شبهات دینی

یکی از اقدامات امام عسکری (ع) موضع‌گیری و برخورد با شبهه افکنان بود. یکی از این شبهه پراکنان اسحاق کندی بود که در عصر امام حسن عسکری(ع) از دانشمندان و فیلسوفان عراق بود<sup>۳۰۶</sup>. او تصمیم گرفته بود که کتابی درباره تناقض گوئی قرآن بنویسد زیرا معتقد بود که برخی از آیات قرآن با برخی دیگر از آنها سازگاری ندارند و در تناقض هستند، او همه تلاش خود را بر نگارش کتاب خویش گذاشته است به حدی که از مردم کناره‌گیری کرده بود.<sup>۳۰۷</sup>

امام حسن عسکری (ع) توسط یکی از شاگردان اسحاق کندی به موقع در برابر او موضع‌گیری کرد و از اعتبار قرآن کریم به خوبی دفاع کرد و حتی اسحاق کندی فیلسوف و دانشمند غیر مسلمان مجبور به پذیرش اسلام شده است. شرح ارتباط بین اسحاق کندی و امام حسن عسکری(ع) در کتب تاریخی اینگونه بیان شده است.

اسحاق کندی شروع به نگارش کتابی به نام تناقض القرآن کرد. بدون اینکه کسی متوجه شود مدت‌ها در حال نگارش کتاب خود بود. تا این که یکی از شاگردانش محضر امام حسن عسکری (ع) رسید. حضرت فرمودند: یک مرد توانا میان شما وجود ندارد استادت را از

۳۰۵. قطب راوندی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۳۰۶. شیخ عباس قمی، الأنوار البهیة، محمد مهدی اشتهاردی، چاپ سوم، قم، نشر ناصر، ۱۳۸۰، ص ۴۳۹.

۳۰۷. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۵۶.

سرگرم شدن به قرآن و ادارد؟ او گفت ما از شاگردان ایشان هستیم چطور در این مورد یا کار دیگری می‌توانیم بر او اعتراض کنیم؟ امام عسکری (ع) فرمودند: آی می‌توانید آنچه را که به تو تعلیم می‌دهم به او برسانی؟ جواب داد آری امام فرمودند: پیش او می‌روی و به او محبت می‌کنی، در کاری که اشتغال دارد به او کمک می‌کنی. وقتی با تو مأنوس شد و کاملاً به او نزدیک شدی، می‌گویی استاد برایم سوالی پیش آمده است اجازه می‌دهید آن را مطرح کنم؟ و او خواهد گفت سوالت را بپرس. به او بگو گمان کرده‌ای قرآن پیش تو بیاید و بگوید منظورم از این سخن غیر آن چیزی است که تو گمان کرده‌ای او در جواب تو خواهد گفت ممکن است زیرا مرد فهمیده‌ای است وقتی بشنود می‌پذیرد. وقتی این کار را انجام دادی بگو شاید قرآن غیر از آن چیزی را که شما برداشت کرده‌ای از سخن خود خواسته باشد و اگر این گونه باشد شما کلام او را در غیر معنی مراد متکلم معنی کرده‌ای شاگرد نزد اسحاق کندی رفت و هم‌گونه که امام فرمودند رفتار کرد و این گفتگو را با استادش اسحاق کندی انجام داد، کلام امام در اسحاق کندی اثر گذار شد، چون مردی باهوش و فهمیده بود و می‌دانست که به مجرد احتمال، استدلال باطل می‌شود و می‌دانست که اگر این کلام در بین شاگردانش شیوع پیدا کند اندیشه‌های او را نمی‌پذیرند به همین علت از تألیف کتاب دست کشید و هر چه قبلاً نوشته بود را پاک کرده، و از شاگردش پرسید: تو را سوگند می‌دهم به من بگویی این سؤال از کجا برایت پیدا شد، شاگرد گفت: بر قلبم عارض شد اسحاق کندی گفت: کسی مثل تو نمی‌تواند چنین مطالبی را مطرح کند، شاگرد گفت: امام حسن عسکری (ع) این سخن را به من تعلیم نمود، کندی گفت: بله چنین سخنانی فقط از ناحیه این خاندان ظهور می‌کند به این صورت امام دین اسلام را از شر نوشته‌های شبهه‌آمیز و گمراه‌کننده نجات داده است.<sup>۳۰۸</sup>

### موضع امام (ع) در برابر اشاعره

از مهمترین فعالیت‌های فرهنگی عصر امام حسن عسکری (ع) برخورد با مکتب کلامی اشاعره در کنار دیگر مکاتب و فرق انحرافی بوده است. این مکتب که در میان اهل سنت

۳۰۸. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ۳ ج، چاپ اول، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۹۱۳.

رواج بسیاری پیدا کرده و آراء زیادی را مطرح کرده بود لازم بود که به دلیل منحرف نشدن شیعیان و یاران اهل بیت (ع) و جلوگیری از ترویج تفکر آنان مورد مواجهه امام (ع) قرار گیرد.

امام حسن عسکری (ع) که به دلیل سخت گیریهای خلفا در کنترل ایشان بیشتر از طریق نامه و مکاتبه به وکلای خویش پاسخ به سؤالات و شبهات را می داد در پاسخ به نامه ابراهیم حمدانی درباره شبهه جسم بودن خداوند که از اعتقادات اشاعره بوده است می نویسد: پاک و منزّه است خدایی که هیچ گونه حد و مرزی برای او نیست و هرگز این گونه توصیف نمی شود و هیچ مثل و مانندی برای او نیست و او شنوای داناست.<sup>۳۰۹</sup>

همچنین امام حسن عسکری (ع) درباره شبهه روئیت خداوند متعال در جواب نامه ای می نویسد: پذیرش این شبهه به هیچ وجه جایز نیست زیرا لازمه روئیت جسم بودن است در صورتی که خداوند متعال منزّه از جسم بودن است.<sup>۳۱۰</sup>

### موضع امام (ع) در برابر گمراه کنندگان از دین

در عصر امام حسن عسکری (ع) در کنار فرق و مذاهب کلامی مسلمانان، اقلیت های دینی دیگری هم در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می کردند که یک گروه از آنان اقلیت مسیحی بودند که طبق گزارش های تاریخی امام حسن عسکری (ع) با آنان تعامل هم داشته است و حتی برای سرکشی به بیماران آنان و شفای آنان به منزل آنها می رفته است.<sup>۳۱۱</sup> اما در یک گزارش تاریخی آمده است که امام حسن عسکری (ع) با مسیحیان ساکن آنجا مواجهه جدی داشته است و علت این مواجهه هم خشکسالی بوده است که در زمان بوجود آمده است و جاثلیق نصرانی عالم مسیحی آن روز به طلب باران به همراه مردم به بیرون از شهر رفته است

۳۰۹. صدوق، التوحید، ص ۱۰۰.

۳۱۰. ابا منصور احمد بن علی طبرسی، ج ۱، ص ۴.

۳۱۱. سید هاشم بحرانی، حلیه الأبرار فی احوال محمد و آل الأطهار، ج ۵، چاپ اول، قم، موسسه المعارف

الاسلامیه، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۲۰.

و طلب باران می کرد که همراه با دعاهای ایشان باران می بارید. این قضیه مردم مسلمان را که با نماز استسقاء خودشان باران نبارید دچار شک و تردید کرد و حتی تعدادی از مردم متمایل به دین مسیحیت شده اند تا اینکه معتمد خلیفه وقت عباسی امام حسن عسکری(ع) را از زندان آزاد کرد و از امام(ع) خواست که فکری بکنند. امام (ع) دستور داد تا همه مردم به همراه راهبان مسیحی به بیرون از شهر بروند و به جاثلیق دستور داد تا طلب باران بکند در این هنگام از غلامش خواست تا استخوانی را که بین انگشتانش پنهان کرده بود خارج کند و پس از آن از راهب مسیحی خواست تا حالای دعای طلب باران کند و هنگامی که راهب دستانش را برای دعا بالا برد ابرها کنار رفتند و آسمان صاف شد و امام حسن عسکری(ع) در توضیح این اتفاق فرمودند که دلیل این باران ها استخوان یکی از انبیاء بوده است که در دست راهب مسیحی پنهان شده بود زیرا هر وقت که استخوان یکی از انبیاء الهی آشکار گردد به شدت باران می بارد امام حسن عسکری(ع) با این روشنگری مردم از دین بازگشته را به آیین اسلام بازگرداند و حربه و فتنه جاثلیق نصرانی را ختنی کرده است.<sup>۳۱۲</sup>

## نتیجه:

امام حسن عسکری (ع) همانند پدر بزرگوارش و همچنین دیگر ائمه (ع) به عنوان نمونه یک الگو در تمامی رفتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و فردی در عصر خویش بوده است. عصری که به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فکری عصری نامساعد، خفقان آمیز، پرتنش و حساس بوده است و در آن جریان‌های فراوانی اعم از دینی و غیر دینی (فقهی) در قالب گروه‌های مسلمان و غیر مسلمان و در مسلمانان در قالب دو گروه شیعی و غیر شیعی وجود داشته‌اند. در این ایام به دلیل نزدیکی به عصر غیبت فشارهای سیاسی از طرف خلافت و سردمداران عباسی همچنین فشارهای فرهنگی از طرف جریان‌های انحرافی فکری به اوج رسیده بود. خلفای عباسی معاصر یعنی معتز، مهتدی و معتمد علیرغم عدم قدرت لازم در منصب و جایگاه خلافت و با وجود شوش‌ها و قیام‌های متفاوتی که در آن مدت کوتاه رخ داده است ذهن آنها متوجه امام عسکری (ع) بوده است و به دلیل ترس و احساس خطر جدی از طرف امام عسکری (ع) و تاب نیاوردن در برابر نظام امامت، امام (ع) را تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و محدودیت و مراقبت‌های ویژه من جمله زندان قرار دادند تا به هر نحوی جلوی ارتباط امام (ع) را با شیعیان و اصحاب و همچنین تبلیغ و تبیین اسلام ناب محمدی را گرفته باشند. در همین ایام نفوذ و قدرت فرقه‌های انحرافی مانند: غلات، تصوف، اهل حدیث، معتزله، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه و ... به اوج رسیده بود، شک و تردید در بین مردم شدید شده بود، مردم و شیعیان



دچار سردرگمی نسبت به ادامه حضور ائمه و به خصوص عصر غیبت بودند. اما از آنجایی که امام عسکری (ع) وظیفه اصلی خویش را هدایت و رهبری، دفاع از حریم اسلام، دعوت به حق، اصالت بخشیدن به فقه، کلام، و اندیشه‌های ناب محمدی می‌دانستند با استفاده از سیاست تقیه در برابر مخالفان، سکوت در برابر حوادث اجتماعی و مواجهه جدی در مقابل منحرفین برآمدند. و با شیوه‌های متفاوتی مانند: رد کردن عقاید منحرفین، لعن و نفرین منحرفین، دعوت و توصیه به تفقه و تعقل در دین، اعلام براءت از منحرفین، معرفی سران گروه‌های انحرافی به مردم، دستور به قتل برخی از منحرفین، پاسخ به شبهات، مناظره، تألیف کتاب، فرستادن مبلغ در بین مردم از طریق افراد زیر مجموعه نهاد سازمان وکالت، تشویق و ترغیب عالمان به نشر معارف اسلامی و شیعی، تربیت شاگرد، گسترش نهاد سازمان وکالت، دعا و تفسیر قرآن کریم موجب حفظ شیعیان و تفکر شیعی شده است و زمینه را برای ورود مردم به عصر غیبت امام عصر (عج) فراهم کرده است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ۱- ابن ابی بکر، عبدالرحمن سیوطی، تاریخ خلفا، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۷، ص ۹۵.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین، الکامل، حمید رضا آژیر، چاپ اول، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۳- ابن جوزی، سبط تذکره الخواص، چاپ اول، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
- ۴- ابن سینا، معراج نامه، بهمن کریمی، بی چا، رشت، بی نا، ۱۳۵۲، ص ۲۹.
- ۵- ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹.
- ۶- ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹.
- ۷- ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، چاپ اول، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۷۳.
- ۸- اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، چاپ اول، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۲.
- ۹- اردبیلی، مقدس، حدیقه الشیعه، ۲ ج، چاپ سوم، قم، انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۶۵.
- ۱۰- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، چ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- ۱۱- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، بهزاد جعفری، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷.
- ۱۲- انیس، ابراهیم، فرهنگ المعجم الوسیط، محمد بندر ریگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۱۳- آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، چاپار، ۱۳۸۶.
- ۱۴- بحرانی، سید هاشم، حلیه الاولیاء فی احوال محمد و آل الاطهار، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.

## فهرست منابع

- ۱۵- بحرانی، سید هاشم، مدینه معجز الأئمة الاثني عشر، چاپ اول، قم، موسسه معارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۶- بغدادی، ابومنصور، الفرق بين الفرق، چاپ اول، بیروت، دارالجيل، ۱۴۰۸.
- ۱۷- بیهقی، ابن فندق، تاریخ بیهقی، بهمنیار احمد، چاپ سوم، تهران، نشر فروغی، ۱۳۶۱.
- ۱۸- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان در آینه تاریخ، چاپ اول، قم، دارالعلم، ۱۳۷۵.
- ۱۹- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چاپ ۱۴، قم، انتشارات موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱.
- ۲۰- تاریخ الاسلام، ذهبی، چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۱- جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، محمد تقی آیت اللهی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- ۲۲- جباری، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، چ اول، قم، موسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۲.
- ۲۳- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، چاپ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۲۴- جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۲.
- ۲۵- جهانی، علی اکبر، زندگی امام حسن عسکری، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
- ۲۶- حسن پور، عبدالکریم، بستر شناسی فرقه واقفیه، مجموعه مقالات همایش و سیره و زمانه امام موسی کاظم ع، چاپ اول، قم، انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۹۲.
- ۲۷- حسینی، محمد مرتضی، علی هلالی، تاج العروس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- ۲۸- حلّی، ابن داود، رجال ابن داود، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۲۹- حلّی، حسن بن یوسف، انوار الملکوت، محمد نجمی زنجان، چاپ دوم، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۶۳.

## فهرست منابع

- ۳۰- حلی، محمد، نقش غلو در انحراف عقاید و افکار، چاپ سوم، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۵.
- ۳۱- حموی، یاقوت، معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.
- ۳۲- حیدر، اسد، الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، چاپ پنجم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۴۲ ق.
- ۳۳- حیدری، محمد حسین، شکوه سامرا، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- ۳۴- خضری، احمد رضا، تاریخ تشیع، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- ۳۵- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- ۳۶- خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ اول، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
- ۳۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، بی جا، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱۳۷۷، ۳۰.
- ۳۸- دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول، قم، نشر آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
- ۳۹- دینوری، اخبار الطوال، محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
- ۴۰- راوندی، قطب، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم، نشر مدرسه امام هادی، ۱۴۰۹ ق.
- ۴۱- راوندی، قطب، الخرائج و الجرائح، محرمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸.
- ۴۲- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، چاپ پنجم، قم، انتشارات المصطفی، ۱۳۸۹.
- ۴۳- سجادی، صادق، تاریخنگاری در اسلام، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- ۴۴- شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۱.

## فهرست منابع

- ۴۵- شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، احمد جنتی، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۴۶- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم، انتشارات الاسلامیه، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۴۷- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ق.
- ۴۸- شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
- ۴۹- شیخ صدوق، التوحید، چاپ اول، نجف، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۷ ق.
- ۵۰- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ع، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
- ۵۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۹۵.
- ۵۲- شیخ مفید، الارشاد، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۵۳- شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، محمد رضا جعفری، چاپ اول، تهران، روشنائی مهر، ۱۳۸۸.
- ۵۴- طبرسی، ابا منصور احمد بن علی، اعلام الوری، چاپ سوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ص ۳۶۷.
- ۵۵- طبرسی، ابا منصور احمد بن علی، الاحتجاج، چاپ اول، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ ق.
- ۵۶- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، چاپ هفتم، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۵.
- ۵۷- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، چاپ دوم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷.
- ۵۸- طبسی، محمد جواد، حیاہ الامام العسکری (ع)، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱.

## فهرست منابع

- ۵۹- طریحی فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- ۶۰- طفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، چاپ اول، قم، آل البیت، ۱۳۷۷.
- ۶۱- الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، چاپ اول، بیروت، دارالقلم العربی، ۱۴۱۸.
- ۶۲- طقوش، سهیل، دولت عباسیان، حجت الله جودکی، چاپ چهارم، قم، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- ۶۳- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، چاپ اول، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
- ۶۴- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، چاپ اول، قم، انتشارات، محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ ق.
- ۶۵- طوسی، محمد بن حسن، رجال، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۷.
- ۶۶- عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
- ۶۷- عاملی، شیخ حر، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، ۵ ج، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵.
- ۶۸- عباسی، غلامعلی، قم در عصر حضور ائمه و غیبت صغری، چاپ اول، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۴.
- ۶۹- عزیزی، مجتبی، غیبت، چاپ دوم، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۷.
- ۷۰- عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۰ ق.
- ۷۱- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، چاپ دوم، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۴۰۸.
- ۷۲- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الجواد (ع) چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ ق.
- ۷۳- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام العسکری، چاپ اول، مشهد، آستان قدس، ۱۴۱۴ ق.

## فهرست منابع

- ۷۴- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و هفتم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
- ۷۵- فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تسنن، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۹.
- ۷۶- قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، محمد رضا عطائی، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- ۷۷- قرشی، باقر شریف، حیاہ الامام حسن عسکری، چاپ اول، بیروت، نشر دار الاضواء، ۱۴۰۹ ق.
- ۷۸- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- ۷۹- قمی، عباس، منتهی الامال، چاپ اول، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۷۹.
- ۸۰- قمی، عباس، الأنوار البهیة، محمد مهدی اشتهاودی، چاپ سوم، قم، نشر ناصر، ۱۳۸۰.
- ۸۱- کاشانی، فیض، الوافی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کتابخانه امیر المومنین، ۱۴۰۶ ق.
- ۸۲- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ق.
- ۸۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، چاپ دوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲.
- ۸۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۸۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳.
- ۸۶- مجلسی، محمد باقر، حیاہ القلوب، چاپ ششم، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۴.
- ۸۷- مجلسی، محمد باقر، زندگانی حضرت جواد و عسکریین (ع)، موسی خسروی، چاپ دوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳.
- ۸۸- محمد جعفری، حسین، تشیع در مسیر تاریخ، چاپ یازدهم، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۸۹- محمدی اشتهاودی، محمد، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، چاپ دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۶.

## فهرست منابع

- ۹۰- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، چاپ سوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
- ۹۱- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران، الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۹۲- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۹۳- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- ۹۴- مشایخ، فاطمه، قصص الانبیاء، چاپ اول، تهران، فرحان، ۱۳۸۱.
- ۹۵- مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۹۶- مصباح، محمد تقی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ پنجم، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.
- ۹۷- مطهری، حمید رضا، زندقه در سده های نخستین، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۹۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید، چاپ هفتم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
- ۹۹- معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، چاپ سوم، تهران، نشر بهزاد، ۱۳۸۲.
- ۱۰۱- مکارم شیرازی، ناصر، جلوه حق، چاپ ششم، قم، مدرسه امیر المومنین ع، ۱۳۸۳.
- ۱۰۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۰۳- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعیه، محمد جواد مشکور، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.



## فهرست منابع

- ۱۰۴- نوری، علی آقا، خاستگاه تشیع، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۱۰۵- نوری، محدث، نجم الثاقب فی الاحوال الامام الغائب، چاپ اول، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴.

## Abstract:

The emergence of new figures and currents of thought and culture on one hand and the existence of different and diverse sects and currents of Shiite and non-Shiite beliefs such as Zaydiyya, Ahl al-Hadith, Ghalian, Sufists, Mufawwizah, Waqifah, Thnawiyah, Mu'tazilites, Ash'arites, and forgers of hadith Other as well as the spread of various ideas such as the idea of creating the Qur'an, along with the false claimants of the succession of Imam Hadi (AS) such as Jafar Kadhab and others, had determined a special cultural, social and political situation.

The complete influence and domination of the Turks over the court of the Abbasid Caliphate and various revolts against the Caliphate, some of which were attributed to the Alawites, made the situation difficult for the Shiites and made Imam Hassan Askari (AS) and his followers even worse.

Imam Hassan Askari's (AS) encounter with currents and groups of his time is of special importance in his life and needs to be explained and reviewed accurately.

This research explores the political, social and cultural situation of the time of Imam Hassan Askari (AS) and the method of his encounter with intellectual and cultural currents in a descriptive-analytical method The relies on the historical records, and the result of his research is that Imam according to the conditions of his time And the kind of thoughts and ideas adopted a special strategy against each current.

Strengthening the rejecting the institutllon of deputg also training students, writing books and treatises and publishing hadiths, taking a stand against the sects, guiding students and companions to write letters in rejecting deviant beliefs, answering quesians and guiding Shiites, are some of the veactions of Imam (AS). Heveby”Imam occultatibn protected the Shiite community from camming and thveats paved the way for the age of Tmam.

**Keywords:** Imam Askari (AS). deviant currents, method of confrontation, deviant sects



Baqir al-Uloom University

Faculty of History and Political Studies

Thesis for master's degree  
Field of History of Islam

Title:

An Inquig of Imam Hassan Askari (AS)  
Reflctionson the intellectual and cultural  
streams of his Time

Thesis Supervisor:

Dr. Hamid Reza Motahari

Student:

Enayat pirozi

History

Dy mahe 1399